

START

REEL 105

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

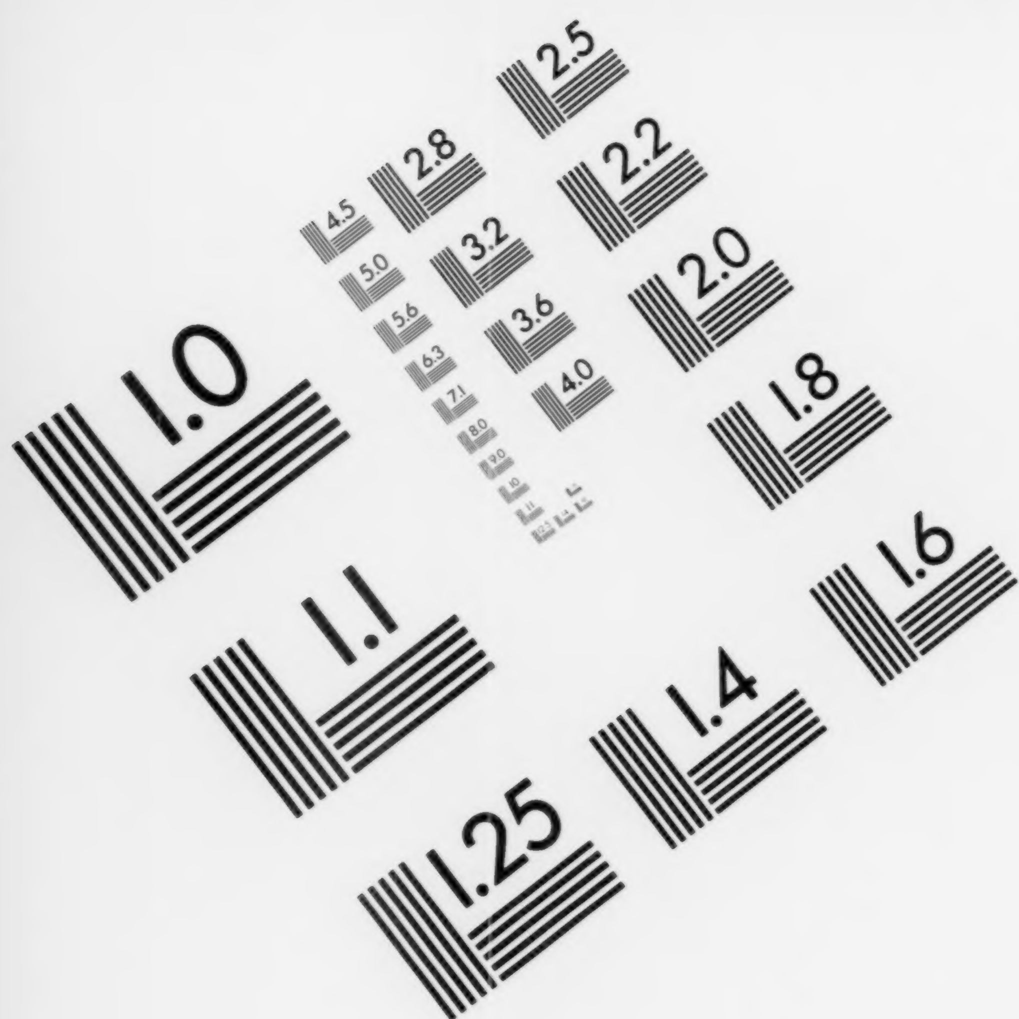
Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

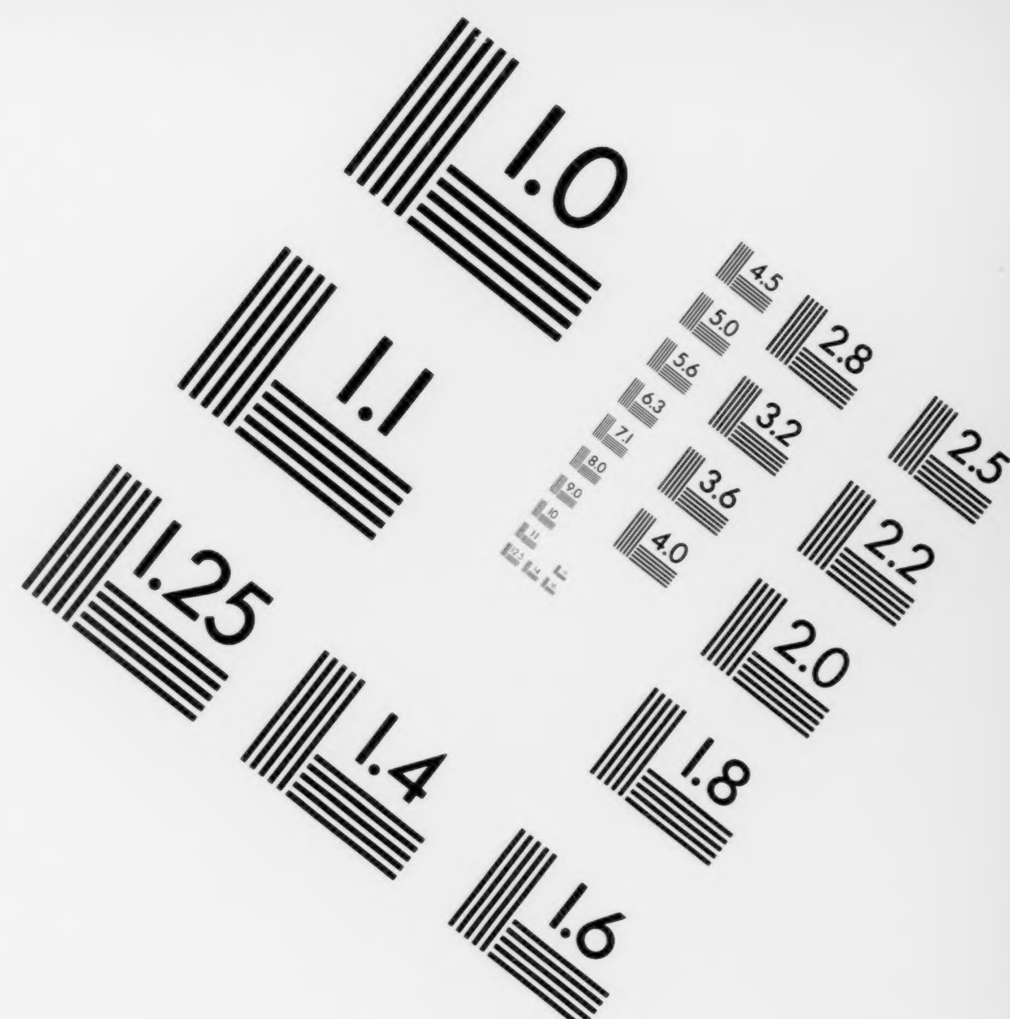


AIIM

Association for Information and Image Management

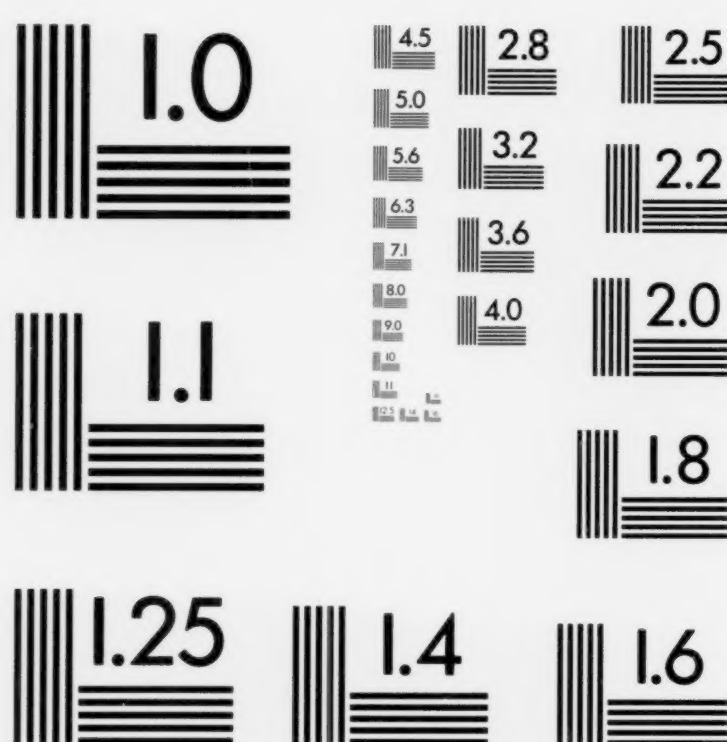
1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202

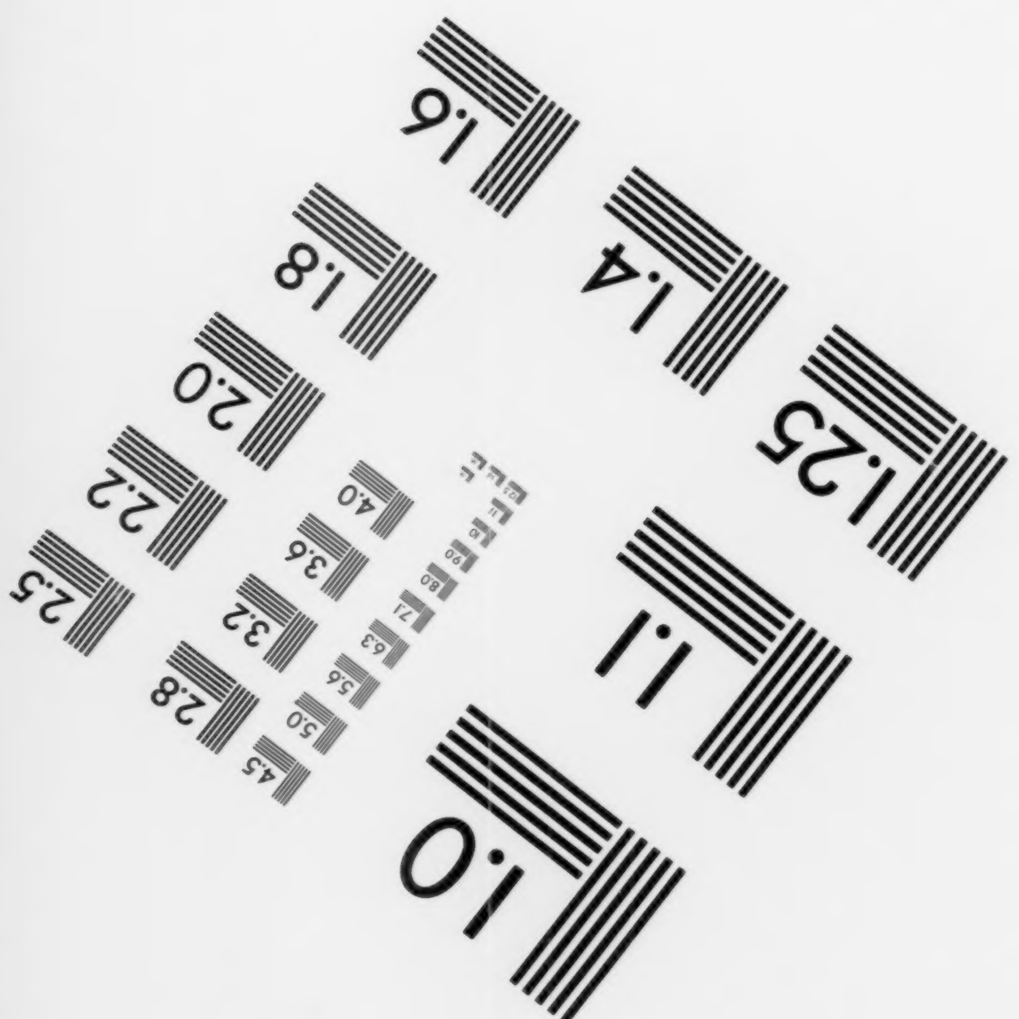


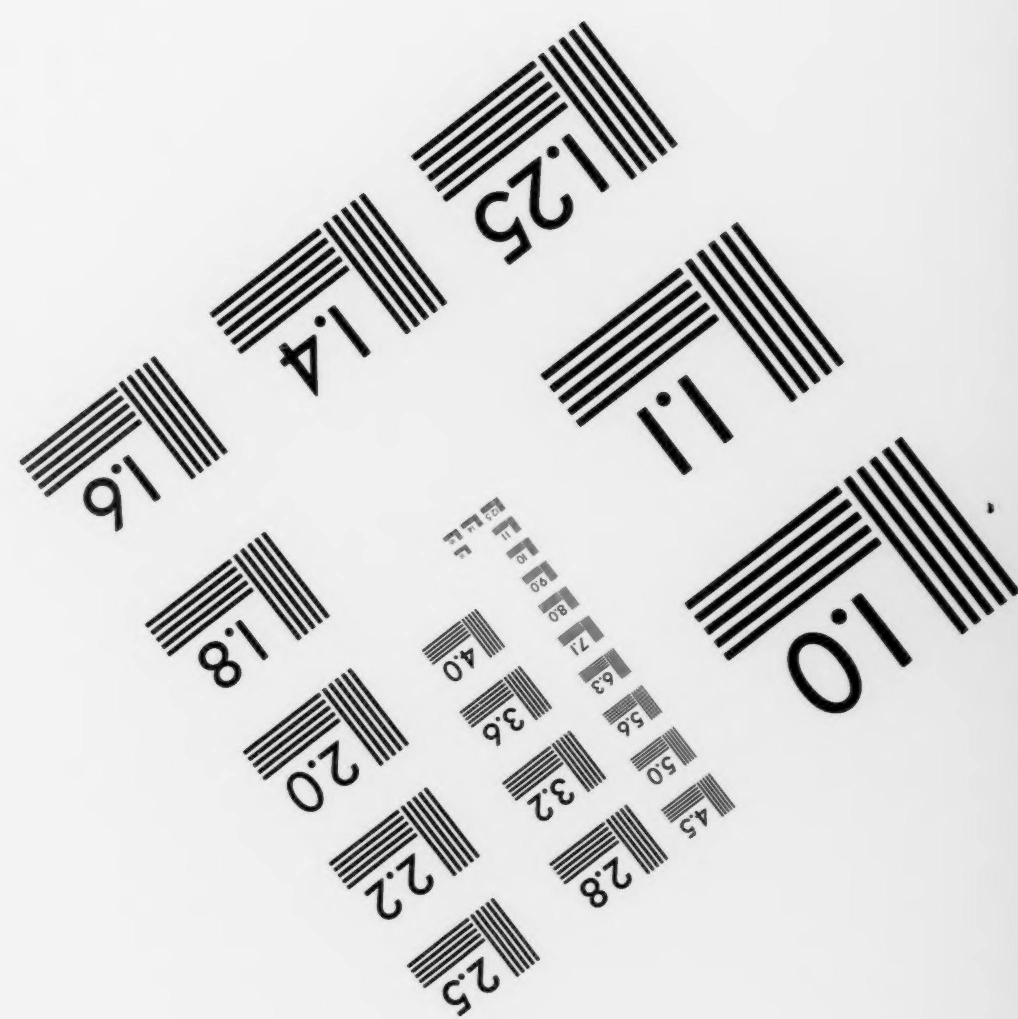


MS303-1980









MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Los Angeles,
University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections
Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 107

(Richter-Bernburg No. 90)

Author: Moẓaffar b. Moḥammad al-Ḥosainī "Shefāʾī"

Title: [Qarābāẕīn]

117 fols., 220 x 123 mm

Loose material filmed at end of manuscript

فراماذین مظفر ابن محمد الحسینی



بدانکه روز شنبه زحل است روز یکشنبه شمس است روز دوشنبه
قمر است روز سه شنبه مریخ است روز چهارشنبه عطارد است
روز پنجشنبه مشتری است روز جمعه زهره است

تقدیم به جناب آقای دکتر
کاردو این چند کلمه بعنوان
یادگار از طرف حاج میرزا [illegible]
حسن پور فرزند مرحوم [illegible]
ببابک روز چهاردهم آبانماه
۱۳۳۹ شمسی
امیدوار است که این هدیه ناقابل بحضور
ایشان تقدیم شد مورد قبول ایشان باشد
[illegible]

3

قبل الحص اذا وطبخ على الكلا مقلواً مع قليل اللوز مهزول سمين سمنا مفرطا و يصفى الصوت و لم ينقع [illegible]
ولم يتج بغيره يومه اسماعيل كتف الديدان وحلط اللطخ مجرب ودفعه اذا الجن وطلى على الوجه ذهب [illegible]
وحمرة الوجه و نوره عرق زردک بجهت قوة معده و قوت باه داجینی صندل سفید [illegible]

گل گاوزبان گاوزبان گیلان عود قارب بهمن سفید بهمن سرخ تشقاقل سورنجان جولیجان
[illegible]
سنبل الطیب لوسد سرخ فرنفل بهسل زرنباد تخم بادروجه فرنجه مویز دانه [illegible]
[illegible]
لعاب حسک خارخسک سبستان سرس یوره [illegible] بوزیدان [illegible]
[illegible]
بستری بوزیدان [illegible] گاوزبان و آب هر چه احتیاج [illegible]
[illegible] آب زردک و عسل اجزا [illegible]
وعسل اسهل بر دهن بیجه بجبانند نوع دیگر معجون زردک
مذکور فوق را داخل معجون نمایند

وروده او بیرون آمده باشد و روده آماس کنند ان از هوای سرد است که روده دوا [illegible]
علاج آن آنست که روده را گرم کرداننده تدبیر آنست که پارچه ابریشم را بآب گرم تر کنند
و بفشارند و بروی روده گذارند تا گرم شود و ورم فرو نشیند و بجای خود
شراب گرم کنند و ابر بدان تر کنند و بفشارند تا شراب بیرون
و گرمی در آن باشد و بر روده ورم کرده گذارند تا نرم شود و بجای خود باز گردد
و اگر ابریشم نباشد لته را که کهنه باشد چهار روی کنند و در شراب یا آب گرم تر کرده
ملسور تنگ باشد و اگر راه زخم تنگ باشد فراخ تر گردانند تا آنکه بجای خود
باز گردد

[illegible]
سه درم تخم مرو یکدرم آب گشنیز تازه سه مثقال شیر گاو ده مثقال [illegible] باشد [illegible]
و دارو را کوفته و بیخته داخل شود باز دیگر بجوشانند [illegible]
حب نمایند بقدر یکدرم [illegible]
[illegible]

طریق اشامیدن چوب چینی بدستور قهوه منقول از حکیم محمد باقر ولد حکیم
عماد الدین محمود هر روز ده مثقال چوب چینی را نکوفته کلوله تراشیده
باده دوازده سیر آب بجوشانیده تا سه چهار سیر باقی ماند باید که در دیگ
سنگی بجوشانند بعد از آن صاف نموده نیم گرم از دستور قهوه بنوشند و گلوله زنند
که سرد نشود و همه روز بدین طریق تا بیست روز و صبح زود شروع
در جوشانیدن کنند تا سر آفتاب و یکوقت مطبوخ لطیف کم نمک تناول
کند و یکوقت پارچه نان کم نمک با مربیات و حلویات و زرده تخم مرغ نیمبرشت
و ابشامیدنی از آب روان و در نان و طعام هم آب صرف نکنند و اگر از
خوردن دفع ورم باشد موضع ورم را به بخار آن میدا(شته) باشند و سر دیگ را
آهسته آهسته بردارند تا بخار اندک اندک بموضع ورم برسد و نوعی شود
که باعث عرق اعضا شود و در این ایام از غذاهای غلیظ و لبنیات
و ترشیها و میوهها ملاحظه نمایند و از اعراض و غموم اجتناب
لازم دانند و بحمام رفتن میسر است و همیشه در استراحت و راحت
می باید بود و فراغت نسخه معجون جاویدانی شرف الملک بهاء الدین بغدادی میگوید
که علاء الدین مغربی از جمله فضلا بود این معجون که از او جاویدانی میگویند و خواجه زین الدین بوشنجی زود و مشهور است
که عمر او پانصد سال بود و در این وقت هرگز پانصد سال نبوده و نسخه این معجون را بکار داشتی و میگویند بسیار کس اورا
که سیصد سال و چهار صد سال بوده اند این معجون را میخوردند و من دو سال بخدمت خواجه بسر بردم و
خدمت بجا آوردم این نسخه شفقت فرمود و از آن تجربه کردم و از وی فواید بسیار دیدم و این نسخه
در یاد آوردم تا خلق را فایده باشد و مرا نصیحت بسیار کرد که بیکاران و شب روان این نسخه را ابتها[illegible]

طریق ساختن روغن جرب بجهت انواع جرب یابس و رطب مجرب و آزموده
گوگرد فارسی صلایه نموده صمغ عربی صلایه نموده تخم مرغ را سفیده اورا ریخته
و زرده او بجا باشد گوگرد و صمغ را داخل زرده نموده بر اسم زنند
زیبق مقتول داخل نموده پوست (تخم) دیگر بعنوان سرپوش بر روی آن
او پوشانیده و در خمیر آرد گندم بگیرند و در زیر آتش نموده
تا خوب پخته شود آنگاه بیرون آورده و در هاون ریزند
و روغن دنبه تازه حنای سوده داخل نموده در هاون بکوبند
تا بهم شود شب بر بدن بمالند و صباح در حمام با سبوس گندم یا گل سرکه
خیسانیده باشند بشویند که از جمله الحرارت و نافع است
طلائی که حکه و جرب یابس را نافع بود مغز استخوان زرد آلو تلخ تخم ریباس
از هر یک بیست درم نمک طعام زیبق مقتول از هر یک ده درم مجموع را در
بیست درم ماست ممزوج سازند و در حمام طلا نمایند و یک ساعت بگذارند
پس بشویند طلای دیگر که همین خاصیت دارد زیبق مقتول حنا و شحم حنظل
اقلیمیاء نقره و طلا عدس ساوی بسرکه و روغن گل طلا نمایند
طلائی که همان خاصیت دارد مغز بادام تلخ ... از هر یک ده درم
... ده درم بسرکه و روغن گل طلا نمایند طلا بجهت جرب رطب نافع بود
... از هر یک ده درم ... سائیده ... با روغن گل
و در حمام طلا نمایند و یک ساعت بگذارند از پس بشویند

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین انوشدارو که اعضای رئیسه را قوت دهد و خفقان و لاغری را نافع باشد
و فرح آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن و عرق خوش کند و اشتهای طعام آورد و پیش از
طعام و پس از طعام توان خورد صفت گل سرخ شش درم سعد کوفی پنج درم قرنفل
مصطکی اسارون سنبل الطیب از هر یک سه درم قاقله صغار قاقله کبار زرنب بسباسه
جوزبوا قرفه زعفران از هر یک دو درم آمله مقشر یک رطل قند و عسل مصفی صد و هشتاد مثقال
آمله را در شیر خیسانند یک شبانروز پس بشویند و در نه رطل آب بجوشانند تا تحرا شود و از پشت غربال
بیرون کنند و با قند و عسل صاف بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند انوشدارو
لؤلؤی مروارید ناسفته بسد یشب سعد کوفی اذخر زعفران از هر یک دو مثقال عود خام
ابریشم مقرض طباشیر سادج گل ارمنی از هر یک سه مثقال عنبر اشهب نیم مثقال بشیر آمله
سی مثقال عسل و قند سه وزن ادویه معجون سازند اسطمخون صغیر چون بعضی از ادویه
اسطمخون کبیر نایاب است و منافع هردو قریب بیکدیگر اند بنابراین بصغیر اکتفا نموده

نافع است

وبروت بدون نسخه

نافع است جهت سل و جوع بطن و حمی مختلفه و ربع و قولنج و وجع رحم و برودة آن افیون
مصری چهار درم اقاقیا فلفل از هر یک ده درم عاقرقرحا سه درم حماما بیست درم سلیخه
چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد ده درم فرفیون سه درم سنبل الطیب ده درم عسل
صاف بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته بعسل بسرشند چنانکه رسم است شربت یک مثقال
انقرادیا نافعست جهت فالج و استرخاء القوه و دماغ را از اخلاط ردیه پاک
و ذهن را تیز کند و عقل را زیاد کند صفت سنبل سلیخه سادج مو زعفران درمنه
حب البان
ترکی افیتمون قطاع اذخر ریوند چینی حب البان قرنفل از هر یک ده درم
مقشر بجبل از هر یک ده درم ایرسا بیست درم پوست بیخ رازیانه سه رطل سرکه کهنه نه رطل
پوست بیخ رازیانه را سه شبانروز در سرکه خیسانند پس بجوشانند تا از سه چهار حصه بماند از آتش
فرو گیرند آن سرکه را صاف کنند و دو یک ازیرند و با سه رطل و نیم عسل مصفی با آتش نرم
بجوشانند تا بقوام آید و ادویه را کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی یک درم با آب نیم گرم میل کنند انقرادیا کبیر نافعست جهت فالج و صرع و نسیان
و جمیع امراض بلغمی را نافع بود و هضم را قوت دهد و باه را زیاد کند صفت عاقرقرحا
شونیز قسط فلفل دارفلفل وج ترکی از هر یک ده درم سداب جنطیانا حلتیت
زراوند مدحرج حب الغار جندبیدستر شیطرج خردل از هر یک پنج درم عسل بلادر

چهار درم و نیم دارو‌ها را کوفته و بیخته بروغن گاو کهن چرب کنند و
با عسل بلادر و سه وزن ادویه عسل صاف لسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی یک مثقال اتریفل صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت
هلیله سیاه پوست هلیله آمله مقشر از هریک ده درم سعد کوفی سنبل کندر وج
فلفل زنجبیل عسل بلادر از هریک پنج درم داروها کوفته و بیخته بروغن گاو کهن
چرب کنند و با عسل بلادر سه وزن دارو‌ها عسل صاف لسرشند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند اتریفل دیگر پیری را نافع باشد و سیاهی موی را محافظت
کند صفت هلیله سیاه پوست هلیله آمله مقشر از هریک سی و شش درم [illegible] هفت درم
شونیز چهار درم طباشیر سعد کوفی عسل بلادر از هر یک شش درم
فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلمویه از هریک دوازده درم فانیذ شصت درم فانیذ را
در آب گرم بگدازند و ادویه کوفته و بیخته با عسل بلادر با آن مخلوط کنند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند اتریفل دیگر مصبر و عر انغایت نافع باشد صفت
پوست هلیله کابلی پوست هلیله آمله مقشر کشنیز خشک اسطوخودوس از هریک پنج درم
جند بیدستر یکدرم عود صلیب زنجبیل صعتر عسل بلادر از هریک سه درم عسل صاف
سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند امراض سپرز و جگر را سود دهد
و سده را بگشاید و بول را براند و سنگ گرده و مثانه را پاک و در ابتدا استسقا را

6

نافع باشد صفت زیره کرمانی دوقو عود بلسان سلیخه قردمانا فقاح اذخر
تخم کرفس از هریک یکدرم قسط فلفل دارفلفل از هریک نیم درم مر صاف
سه درم حب الغار ده عدد وج ترکی زعفران از هریک دو درم کوفته
و بیخته بعسل لسرشند شربتی مقابل فندق در آب گرم نافع باشد
اثاناسیا اوجاع کبد و طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال مزمن
و نفث الدم و خدر و وجع کلیه و مثانه و ربو و بواسیر را نافع باشد و بادها
و دردها را ساکن کند صفت مر افیون زعفران جند بیدستر بزرالبنج
قسط قردمانا خشخاش غافث [illegible] راست بزر سوخته جگر گرگ [illegible] مجموع
مساوی آنچه کوفتنیست بکوبند و آنچه گداختنیست در شراب بگدازند و با عسل مصفی
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال با آب سیب
اثاناسیای صغیر منافع او قریب بمنافع کبیر است صفت میعه زعفران
قسط سنبل افیون سلیخه از هریک چهار درم عصاره غافث هشت درم اصل السوس
دوازده درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی بقدر فندق و در نسخه دیگر
عود بلسان مر از هریک چهار درم اضافه میکنند [illegible] جهت
درد سر و درد گوش عظیم نافعست صفت پوست هلیله کابلی پوست هلیله آمله مقشر

ترید سفید از هر یک ده مثقال راز یانه مصطکی اسطوخودوس سقمونیا ریوند چینی

از هر یک پنجمثقال هلیله سیاه دو مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسر شند

شربتی چهار مثقال تا پنجمثقال با آب گرم اطریفل کبیر بواسیر را نافع بوده و لون را

نیکو گرداند و باه را زیاد کند و معده و امعاء و مثانه را قوت دهد و طعام هضم کند

صفت هلیله سیاه پوست بلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل

از هر یک سی درم زنجبیل بسباسه بوزیدان شیطرج زراوند شقاقل تودری سرخ

تودری زرد لسان العصفور مغز حب قلقل کنجد خشخاش سفید بهمنین از هر یک

ده درم کوفته و بیخته بروغن بادام چرب نموده بعسل بسر شند و بعد از دو ماه استعمال

نمایند اطریفل صغیر استرخاء معده و بواسیر را نافع بود و ذهن را

نیکو گرداند و لون را صافی کند صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله پوست

هلیله زرد آمله مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب نموده با سه

مقدار آن عسل بسر شند شربتی دو درم اطریفل کشنیزی معده را قوت

دهد و درد سر و درد چشم و درد گوش را که بسبب آن بخار باشد نافع بود صفت

هلیله سیاه آمله مقشر پوست هلیله کابلی پوست بلیله کشنیز خشک

[illegible] از هر یک مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو چرب نموده با سه چندان عسل

باروغن بادام

هلیله سیاه

بسر شند

بسر شند و بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل مقل بجهت بواسیر عظیم نافع بود

صفت پوست هلیله زرد آمله مقشر پوست بلیله از هر یک ده درم مقل

سی درم مقل را در آب کنند تا حل کنند و شصت مثقال عسل صاف اضافه

نمایند و بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته بان بسر شند اطریفل مقل

طبع را نرم کند و بواسیر را نافع بود صفت پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر

افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم مقل فلوس خیار چنبر از هر یک

سی درم مقل و فلوس را در آب کنند تا حل کنند و با عسل بقوام آورند

و ادویه را کوفته و بیخته بروغن بادام چرب نموده معجون سازند

اطریفل دیدان کرمها بکشد از خورد و بزرگ و حب القرع صفت بیرنج کابلی

ده درم تربد حب النیل قسط تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین

درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل شحم حنظل سعد راسن از هر یک سه درم

کوفته و بیخته با دو مقدار آن عسل بسر شند شربتی دو مثقال تا چهار

مثقال بحسب مزاج میل نمایند نافع باشد اطریفل مقل نوعی دیگر

پوست هلیله زرد هلیله سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر از هر یک

پنج درم تربد سفید هفت درم مصطکی سه درم مقل ازرق روغن بادام

از هر یک پنج درم عسل نیم آب کند تا بقدر حاجت مقل را در آب کنند حل
کنند و ادویه را کوفته و بیخته بروغن بادام چرب نموده با عسل بقوام آورده معجون
سازند شربتی هر شب یک مثقال تا دو مثقال اطریفل افتیمون بیماریهای سوداوی را
عظیم نافع بود و سیاهی موی را نگاه دارد تا زود سفید نشود صفت پوست
هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده درم سنا مکی تربد سفید
افتیمون از هر یک پنج درم سطرج هندی سه درم بسفایج فستقی یک درم انیسون
نمک هندی از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال تا چهار
درم میل کند اطریفل غددی خناق و خنازیر را سود دهد صفت هلیله سیاه
پانزده درم تربد سفید غددی که در گردن گوسفند می باشد خشک کرده از هر یک
پنج درم افتیمون ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس سنا مکی از هر یک هفت درم
شیطرج زرنباد غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون مصطکی خیربوا قرنفل
جوزبوا سنبل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم میل کند
اطریفل امان بهق و برص را سود دارد و سیاهی موی را نگاه دارد و امراض
بلغمی را نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی پنج درم پوست بلیله آمله مقشر
از هر یک ده درم برنگ کابلی پانزده درم شیطرج سعد زنجبیل از هر یک سه مثقال

8

ساذج هندی بسفایج اسطوخودوس از هر یک هفت درم غاریقون شش درم
قسط سه درم مصطکی کندر انیسون قرنفل خیربوا جوزبوا از هر یک دو
درم فلفل دارفلفل نارمشک از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
و معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم اطریفل دیگر
عرق مدنی را سود دارد و اگر ده روز پیاپی استعمال نمایند ماده این
علت را پاک کند صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله
آمله مقشر تربد سفید زنجبیل قنبیل مساوی کوفته و بیخته
بروغن بادام چرب کرده با عسل معجون کنند شربتی سه درم
ایارج فیقرا اعضا غذا را پاک کند و فضول را از دماغ پاک سازد
ولقوه و گرانی زبان را و استرخاء مثانه و معده و سایر اعضاء
و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع بود صفت سنبل دارچینی عود بلسان
حب بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک جزوی
صبر سقوطری دو وزن ادویه کوفته و بیخته شربتی دو درم تا شش با آب
گرم و عسل میل کند ایارج لوغاذیا مالیخولیا و فالج و رعشه و سکته و تشنج
و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه و صداع و نقرس

و دوار وصم وشهوة کلبی وعسر النفس و درد کرده و مثانه و مفاصل
و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب و داء الحیه و ریشهاء کهن را
نافع بود و حیض بگشاید و این مبارکست و اسهال بی زحمت کند
صفت شحم حنظل پنج درم پیاز عنصل مشوی غاریقون سقمونیا
خربق سیاه اشق اسقوردیون از هر یک چهار درم و نیم کمادریوس
مقل صبر از هر یک سه درم حاشا هوفاریقون ساذج فراسیون
جعده سلیخه فلفل سفید جاوشیر جندبیدستر فطراسالیون زراوند طویل
عصاره افسنتین فرفیون سنبل حماما زنجبیل از هر یک دو درم حنطیانا
اسطوخودوس از هر یک یکدرم و نیم کوفته بعسل بسرشند شربتی چهار
مثقال باب گرم و عسل بعد از شش ماه استعمال نمایند ایارج لوغاذیا
منافع هر دو قریب بیکدیگر است صفت شحم حنظل سقمونیا صبر
از هر یک پانزده درم بصل الفار هشت درم افتیمون غاریقون خربق سیاه
از هر یک ده درم فلفل سنبل زعفران دارچینی فطراسالیون از هر یک
چهار درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس کمادریوس
اسقوردیون از هر یک پنج درم زنجبیل جندبیدستر زراوند طویل حنطیانا

اوی

9

رومی از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی چهار درم با یکدرم نمک طعام در طبیخ افتیمون میل کنند ایارج جالینوس
منافع این از لوغاذیا بیشتر است لقوه و فالج و تشنج و استرخاء مثانه
و امراض بلغمی و سوداوی را نافع بود و سلس البول باز دارد و اخلاط غلیظه
و لزجه را از بدن پاک کند صفت شحم حنظل غاریقون بصل الفار اشق
سقمونیا خربق سیاه فرفیون هوفاریقون از هر یک شانزده درم سکبینج کمادریوس
افتیمون سلیخه از هر یک هفت درم سکبینج زراوند طویل زراوند مدحرج
فلفل سیاه فلفل سفید دارفلفل دارچینی جاوشیر جندبیدستر فطراسالیون
از هر یک چهار درم کوفته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال
جرب و حکه و شری و ضعف باصره را نافع باشد صفت توتیای کرمانی
شسته و شیح محرق از هر یک ده درم مروارید ناسفته شش درم نبات
پنج درم صلایه کرده استعمال نمایند اکسیری که قرحه و موسرج را نافع باشد صفت
سفیداب ارزیز هشت درم اقلیمیاء نقره صمغ عربی از هر یک چهار
درم روی سوخته یکدرم نشاسته افیون از هر یک دو درم صلایه کرده
استعمال نمایند اکسیر دیگر که همین منفعت دارد صفت شادنج مغسول

سه درم نشاسته اقلیما و نقره افیون سرمه اصفهانی از هر یک یکدرم صمغ عربی
و انزروت از هر یک دو درم سفیداب ارزیز هشت درم صلایه کرده
استعمال نمایند بکامه معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای
طعام آورد صفت نان تازه گرم در کوزه آب ندیده بگذارند تا سرد شود
بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در افتاب نهند و تا ده روز سرکه بر سر آن
ریزند و ده روز دیگر بدو شاب خمیر انرا تازه کنند و ده روز بشیره انگور
خمیر انرا تازه کنند بعد از آن ادویه نرم کوفته و بیخته بر سر آن ریزند و چون خواهند
کامه رقیق باشد از ترخمیر مقدار یکمن بگیرند و مقدار سه من سرکه کهنه
بر سر آن کنند و کیسه پر از داروهای گرم نیم کوفته در آن اندازند و چهل روز
در افتاب بگذارند و بعد از آن استعمال نمایند باب الباء و باد مهرج
برودة معده و جگر و رحم و احتباس طمث را نافع باشد صفت او و ریاح غلیظ را
دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید صفت آن زرنباد درونج عقرحا افیون چند سنبل
عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه هوم المجوس بزر البنج قسط لبنی جاوشیر زعفران
از هر یک شش درم حلبه هشت درم بادرنجبویه از هر یک دوازده درم
مروارید ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند

البقیه

برشعثا نسخه شیخ ابو علی سینا زکام و نزله را نافع بود و اوجاع را ساکن کند
و قطع خون رفتن کند صفت فلفل سفید بزر البنج از هر یک بیست مثقال
افیون ده مثقال زعفران پنجمثقال سنبل عاقرقرحا فرفیون از هر یک
یک مثقال کوفته و بیخته و باسه چندان عسل بسرشند و بعد از شش ماه کرد در میان
جو نهاده باشند استعمال نمایند بنادق البزور حرقت بول و قروح مثانه
و عسر بول را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار بادرام
مغز تخم کدو بزر البنج تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام مقشر کثیرا نشاسته رب سوس
خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بکوبند و بنادق سازند
شربتی سه درم بشراب خشخاش میل نمایند نافعست بنادق کندری
ذرب و اسهال معدی را نافع باشد صفت مازو سبز یکدرم کندر کرمازج
از هر یک پنجدرم افیون چهار درم حب الاس ده درم کوفته بنادق
سازند بندق بیسر وجع قولنج بارد را تسکین دهد صفت جند بیدستر
شونیز نانخواه کمون افیون از هر یک مساوی کوفته و بیخته بنادق سازند هر یکی
دو دانگ بنادق دیگر مقصود و وجع قولنج مرار ... تسکین دهد صفت ... تخم کاهو تخم خرفه افیون کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا
مساوی
سرشته بنادق سازند هر یکی دو دانگ بنادق دیگر از تراکیب حکمای هند است
بلشبی

و از جهت جذام عظیم النفع صفت هلیله سیاه شیطرج از هر یک ده درم
دار فلفل یکدرم ابهل سفید ده درم نیم کوفته بروغن گاو چرب کنند و بعسل معجون
کنند شربتی یکمثقال بخورد دیگر این مرکب نیز از هند یانست صفت هلیله
بلیله آمله مقشر شیطرج از هر یک چهار ده درم جوز بوا خیربوا قسط کندر
مو فو فلفل دار فلفل نانخواه سک کندش عصاره افتیمون ساذج از هر
عسل چهار مثقال
یک هشت مثقال کوفته و بیخته بعسل بکایند معجون سازند شربتی یکمثقال میل کنند
برود حصرم جرب و بیاضی و دمعه را و سلاق و سبل و ظفره را نافع بالاصفت
توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد زنجبیل دار ده چوبه از هر یک
سه درم نمک هندی یکدرم کوفته و بحریر بیخته پست روز در آب غوره
بپرورند و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته استعمال نمایند
برود بنفشه جرب را نافع بود بنفشه کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی کثیرا
از هر یک دو درم نشاسته سه درم کوفته و بیخته بخوبت در سرکه پرورده و در سایه
خشک کرده دیگر باره صلایه کرده و بحریر بیخته استعمال نمایند برود دیگر
قرحه و موسرجرا نافع بالاسفیداب ارزیر یازده درم اقلیمیا ده درم
صمغ عربی هفت درم و نیم شادنج مغسول روی سوخته نشاسته افیون از هر یک

برود دمعه
دو درم صلایه کرده استعمال نمایند صفت استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم
نمک اندرانی ومازو از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند برود
باصره قوت باصره بیفزاید و محافظت چشم کند صفت توتیا مرقشیثا اقلیمیا
نقره از هر یک یکدرم ساذج زعفران از هر یک یکدرم مروارید دو درم
کافور دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند برود [illegible] چشم
خشک گرداند و سوزش باز دارد صفت شادنج مغسول ده درم [illegible]
سوخته یکدرم مروارید ناسفته یکمثقال و دو دانگ نبات یکدرم صلایه کرده
استعمال نمایند برود سود و دمعه را باز دارد و بیاض ببرد صفت
توتیا مغسول از هر یک دوازده درم ساذج یکدرم زعفران مرقشیثا یکدرم
هشت درم کافور مشک از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
که تاریکی چشم و ابتدا آب و دمعه و جرب و سبل و ظفره و شرناق را نافع باشد
صفت کف دریا اقلیمیا نقره از هر یک ده درم نمک اندرانی ساذج هندی
سفیداب ارزیر فلفل دار فلفل سنبل سرمه اصفهانی از هر یک دو درم نمک
هندی قرنفل دوالی از هر یک یکدرم صبر سقوطری عصاره مامیسا مس سوخته
از هر یک یکدرم مامیران هرنوشادر زرد چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله زرد

چهار درم کوفته و بجز بیخته استعمال نمایند باسلیقون صغیر منافع او قریب بمنافع کبیر است

صفت اقلیمیا نقره پنج درم روی سوخته دو درم و نیم سفیداب ارزیز نمک اندرانی نوشادر

فلفل دار فلفل از هر یک نیم درم کوفته و بجز بیخته استعمال نمایند بنفشه تا یکی

و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفت شادنج مغسول دو درم دم الاخوین

دانگی روی سوخته دار فلفل سنبل از هر یک نیم درم شادنج دو دانگ قاقله مشک

از هر یک دانگی کافور نیم دانگ بجز بیخته استعمال نمایند بر ...ماد رمد را نافع باشد

و ضربان بنشاند و ردع ماده کند و چشم را هم در روز باصلاح آورد شیاف ...

انزروت از هر یک هشت درم کثیرا یک درم زعفران دو درم افیون نیم درم کوفته

و بیخته باب باران سرشته و در وقت حاجت بسفیده تخم مرغ حل نموده در چشم

بخوری که زکام و نزله باز دارد صفت کند رمیعه یابسه مو قسط

سندروس مساوی کوفته و بیخته گلوله سازند و بر آتش نهند و سر بخار دارند

بخوری که نزله و زکام حار را نافع باشد صفت سبوس گندم ارد جو ارد باقلا

صندل سفید گل سرخ بنفشه گل گز از هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته و در ...

خیسانیده خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته بگلاب سرشته و حب سازند و در وقت

حاجت بر آتش نهند و سر بر بخار دارند بخوری دیگر که مقوی ذهن

و دماغ است

12

و دماغ است و خفقان و غشی و ضعف حواس را نافع باشد صفت عود هندی قسط

شیرین صندل سفید از هر یک یک درم مشک و کافور از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته

و گلوله سازند و بخور کنند بخوری که بر آبستنی معین باشد صفت میعه سایله بارزد حب الغار

مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشته و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یک درم از آن بخور کنند

و بعد از آن مباشرت نمایند بخوری دیگر که همین خاصیت دارد صفت سداب خشک کوفته

با موم گداخته بپشم خرگوش سرشته و بخور کنند بخوری که مشیمه و بچه مرده را بیرون آورد

صفت مر بارزد جاوشیر کوکرد مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته و گلوله‌ها سازند

... زیر طبقی سوراخ کرده دود کنند و فرج را بر آن سوراخ نهند برود صفت معده و جگر و درد

ظهر و مفاصل و قولنج ولقوه و نسیان و درد گرده را نافع بود و لون را صاف گرداند و بوی دهان

خوش کند و معده و باه را قوت دهد و حفظ زیاده کند و بول را براند و بادها بشکند

جوش اب انگور سفید صد من گوشت تغلی بخته فربه بیست من عود خام ده درم جوز بوا زعفران

مصطکی خولنجان از هر یک پنج درم سلیخه یک درم خیر بوا کبابه زرنباد قرنفل سعد وفت سه

از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک یک درم عسل ده رطل گوشت را

در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود داروها نیم کوفته در کیسه کنند و سر کیسه را محکم ببندند

در آن اندازند و هر لحظه دست بمالند و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف سازند و در خم

ریزند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند که مرغ و کبوتر بچه و امثال اینها چیزی

اضافه نمایند از گوشت گوسفند چیزی کم کنند باب التاء تریاق فاروق

و از تریاق کبیر نیز گویند مضرت گزیدن افعی و عقرب و رتیلا و سگ دیوانه و همه

جانورهای زهر دار را و دفع مضرت همه زهرها کشنده است و جذام و فالج و صرع

و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و خناق سوداوی و بلغمی و یرقان سدّی

و دوار و صداع و قولنج بلغمی و درد گرده و مثانه را سود دارد و سنگ مثانه و گرده را

براند و سده جگر و سپرز بگشاید و حیض براند و بواسیر و بادهای غلیظ که در احشا بود

دفع کند و ورم صلب جگر و سپرز را تحلیل دهد و هیضه را باز دارد و حب القرع را

دفع کند و شهوه کلبی و نافض و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض سوداوی

و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی برافروزد و روح را قوت دهد و باه را

برانگیزد اما مقدار شربت تریاق کبیر در هر مرضی آنست که در سرفه کهنه و درد پهلو

که بسبب بادهای غلیظ باشد یا بلغم مقدار یک ترمس بماء العسل دهند و از جهت

گزیدن مار و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا یک مثقال در شراب دهند و زنبور

گزیده را در سرکه دهند و در سرکه حل کرده بر موضع مالند و از جهت دفع

مضرت ادویه سمّیه مثل افیون و شوکران و فرفیون و زراریح و امثال اینها

13

در شراب دهند و در یرقان یکترمس در طبیخ اسارون دهند و در استسقا

سرکه ممزوج دهند و از جهت فالج و لقوه و رعشه در ماء الاصول دهند

و از جهت جذام در ماء الجبن دهند و خداوند حب القرع را در طبیخ قیسوم دهند

و در نافض و حمیات بلغمی و سوداوی یکترمس با آب گرم یا شراب دهند و در

قولنج و نفخ معده ریحی و سقوط شهوه و ربو و انقطاع صوت و برص و مقعد

یکترمس با ماء العسل یا شراب دهند و در ضیق النفس بسکنجبین عنصلی

و در صرع و صداع و شقیقه یکترمس در آب گرم دهند و خداوند هیضه را

رود آنکه بشراب سیب دهند و از جهت احتباس طمث و اخراج جنین میّت

در طبیخ ابهل یا مشکطرامشیع یا شراب دهند و در جمیع امراض اندک آن مطبوخ

و بسیار آن که مثقال باشد صفت او اقراص عنصل چهل و هشت مثقال اقراص افعی

و اقراص اندروخوان فلفل سیاه افیون دارچینی هر یک بیست و چهار مثقال

ورق گل سرخ تخم شلغم بری ثوم بری ایرسا غاریقون رب سوس روغن بلسان

از هر یک دوازده مثقال مر مکی زعفران زنجبیل ریوند چینی فیطافلیون فلسون دار

فودنج فراسیون فطراسالیون قسط فلفل سفید اسطوخودوس دارفلفل

مشکطرامشیع کندر فقاح اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جعده از هر یک شش مثقال

میعه سائله کرفس سیسالیوس حرف بابلی کادریوس کافیطوس نانخواه کل مختوم زاج محرق
حماما وج حب بلسان هوفاریقون صمغ عربی قردمانا انیسون اقاقیا از هر یک
چهار مثقال جندبیدستر دو قوقنه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق
زراوند مدحرج سکبینج از هر یک دو مثقال عسل که زنبور الهر بکل حاشا چریده باشد
دو رطل شراب ریحانی هشت رطل بوزن بغداد که رطلی نود مثقال بود صمغها
و عصارها و اقراص را در شراب بخیسانند تا حل شود و عسل بر سر آن کنند
و یک شبانروز بگذارند بعد از آن ادویه کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کنند
و در یکدیگر سرشند و بعد از چهار ماه استعمال نمایند و بعضی گفته اند که
پیش از پنج سال استعمال نباید کرد و بعضی گویند که بعد از دوازده سال
استعمال باید کرد و از آن زمان در غایت خوبی باشد تا سی سال و چون از سی سال
بگذرد تا شصت سال قوة لنزا باقیست و بعد از شصت سال حکم
معاجین کبار دارد و از جهت جمیع امراض مذکوره نافعست الا
دفع سموم و گزیدن جانوران تریاق کل مختوم کسی را که زهر داده باشند
این تریاق بد هند قی آورد و اگر نه صفت کل مختوم حب الغار اثر
مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل سرشند شربتی مقابل یکفندق

تابدن از آن زهر پاک گردد و بدین توان دانست که زهر داده اند یا نه اگر زهر داده اند قی آورد ضر

تریاق اربعه دفع مضرت گزیدن جانوران زهردار کند و بادها بشکند
و قولنج بگشاید و اخراج جنین میت کند و تسهیل ولادت کند و جمیع امراض
بارده را نافع باشد صفت جنطیانا حب الغار مرمکی زراوند طویل مساوی
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال در آب گرم میل کنند
تریاق غافت بعد از تریاق اربعه ساخته اند و منافع این بیشتر از منافع اوست
صفت زراوند طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صاف
قسط تلخ جنطیانا زرد چوبه مساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشند شربتی
یکمثقال تریاق سرطان گزیدن کلب را نافع باشد صفت سرطان محرق ده درم
کندر جنطیانا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکمثقال
تریاق عسکری جهت گزیدن عقرب نظیر ندارد صفت پوست بیخ کبر
حنطانا زراوند مدحرج افنتین طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته دو درم
از آن سفوف سازند تریاق دیگر همین منفعت دارد صفت تخم سداب
زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افنتین زرده جوبه بیخ حنظل
فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند تریاق دیگر همین خاصیت دارد
صفت مغز گردکان بیرا از هر یک دو درم سداب حلتیت مر از هر یک یکدرم کوفته

ترق المعدن ... قف معدن ... و نفع ... صفت شربت ... بعد ... جعفر ...

بالجیر معجون سازند شربتی سه درم با شراب [illegible] دیگر که در گزیدن عقرب نفع
تمام دارد صفت جنطیانا زراوند طویل حب الغار مرمکی قسط فو سداب
جندبیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته با عسل سرشته
شربتی مقابل یکجوز با شراب بنوشند [illegible] آید صفت آن
زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هریک نیم درم کوفته و بیخته با شراب بیامیزند
و بنوشند [illegible] گزیدن رتیلا نافع است صفت شونیز ده درم دوقو
زیره کرمانی از هریک پنجدرم ابهل جوز السرو از هریک سه درم سنبل الطیب
حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا تخم حنده قوقی
تخم کرفس از هریک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی مقدار
یکجوز بشراب کهنه بنوشند تریاقی در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است
صفت انیسون ده درم فلفل سه درم زراوند مدحرج جندبیدستر
از هریک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی مقابل یکجوز
تریاق دیگر که گزیدن عقرب را نافع بود صفت دیوند چینی زراوند طویل
پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف سازند
تریاقی که دافع مضرت افیون و بنگ است صفت حلتیت جندبیدستر ابهل فلفل مساوی

کوفته و بیخته بعسل معجون سازند مقابل یک فندق در شراب کهنه نافع باشد تریاق
[illegible] مروارید ناسفته کهربا عقیق یشب عاج طباشیر طرانیث کشنیز خشک
بریان کرده صندل سفید بهمن سرخ بهمن سفید فوفل سعد زیره کرمانی مدبر مصطکی
گاوزبان ابریشم خام عود خام تخم بادروج ورد احمر مروارید صلایه [illegible]
گرو یا مازو ویسر لک ارمنی شادنج عدسی صمغ عربی اردکنار آرد سنجد حب الآس
عدبه دانه عناب بریان کرده پوست بیرون پسته عجم زبیب از هریک سه درم
ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان خشخاش سفید دانه انگور بزرگ از هریک مورد
پنجدرم عود خام بزرالبنج از هریک دو درم رب به شیرین رب سیب رب
مساوی معجون سازند با آب [illegible] این ترکیب مسمی باسم ملکیست
از ملوک یونان که قدما پیش از زمان جالینوس برای او ساخته اند او جاع
و معده و طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام
و برص و لقوه و رعشه و فالج و جمیع امراض عتیقه مزمنه و انواع سوء المزاج
بارد و رطب را نافعست و قولنج بگشاید و استسقا که از سردی و ضعف جگر
باشد زایل کند و سنگ گرده و مثانه را براند و حرارت غریزی را قوت دهد و بدن را
از اخلاط فاسده پاک کند و بادها را دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ را
نیکو گرداند صفت صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران

دارچيني وج تركي مصطكي روغن بلسان از هر يك سه درم ريوند چيني يكدرم ونيم
عود بلسان فرفيون فلفل جنطيانا حب بلسان فقاع اذخر مو حاما از هر يك
دو درم كادريوس قسط افتيمون از هر يك چهار درم اساران سليخه سقمونيا
از هر يك شش مثقال سنبل سه درم ونيم ادويه كوفته وبيخته بروغن بلسان چرب كرده
باسه چندان عسل بسرشند شربتي چهار مثقال وقوت اين معجون باقي باشد
تيادريطوس ديگر منفعت او قريب منفعت اولست صفت صبر سقوطري
سي درم غاريقون بلسبت دوم درم زعفران وج تركي دارچيني مصطكي سورنجان
سليخه از هر يك سه درم كادريوس فلفل سفيد اساران عود بلسان از هر يك
دو درم فلفل سياه جندبيدستر از هر يك چهار درم ريوند چيني مو سنبل
از هر يك يكدرم عسل سه وزن ادويه شربتي چهار درم بآب گرم باب الجيم جوارشها
سردي جگر ومعده وقولنج وعسر البول را نافع باشد صفت قرفه قرنفل دارچيني
سليخه سنبل الطيب جوزبوا هيل مصطكي قاقله حب بلسان زعفران از هر يك
چهار درم ونيم سقمونيا سه درم تربد حب النيل از هر يك هشت درم قند سفيد
بوزن ادويه كوفته بعسل بسرشند شربتي چهار مثقال باب گرم بدهند جوارش
معده را قوت دهد واشتهاي طعام آورد وبوي دهن خوش كند صفت

پوست ترنج خشك كرده سي درم قرنفل جوزبوا دارفلفل قرفه قاقله خولنجان
زنجبيل از هر يك يكدرم مشك دو دانگ كوفته وبيخته بعسل بسرشند جوارش عود
بادها بشكند وخفقان وتشنگي زايل كند صفت عود هندي را از بار نخم كرفس وج
سنبل از هر يك سه درم لسان الثور مشك سعد فرنجمشك زرنب هر يك يكمثقال
دارچيني زنجبيل قرنفل مصطكي از هر يك دو درم كاوزبان پنجدرم كافور دانگي ونيم
مشك دو دانگ كوفته وبيخته بعسل بسرشند جوارش عود بنوعي ديگر معده را قوة
دهد ودل را نيز وپيرانرا موافق افتد صفت عود خام قرنفل ساذج زنجبيل قاقله
فرنجمشك دارفلفل از هر يك دو مثقال زعفران يكمثقال كوفته وبيخته بعسل بسرشند
بنوعي ديگر هاضمه را قوت دهد واشتهاي طعام آورد وبلغم ورطوبت را دفع كند
صفت قرنفل سه درم قاقله كبار رسل از هر يك دو درم عود پنجدرم زعفران
يكدرم كوفته وبيخته بعسل بسرشند جوارش عود ديگر معده سرد را گرم گرداند
واشتهاي طعام آورد وهاضمه را قوت دهد صفت قرنفل دو درم سنبل يكدرم
عود خام پنجدرم نبات يكمن نبات را در گلاب بگذارند وبقوام آورند وفروگيرند
وتيره بزنند وداروها كوفته وبيخته درو اندازند وبر روي سنگ ببرند جوارش
عود بنوعي ديگر معده را باصلاح آورد واشتهاي طعام پيدا كند صفت

عودخام پنجدرم پوست ترنج ده درم مصطکی یکمثقال نبات یکمن ونیم بان دستور
بریزند جوارش عنبر خفقان وسردی معده وبدی هضم واوجاع رحم را
نافع بود واز برای پیران بغایت مفید صفت قاقله صغار قاقله کبار بسباسه
دارچینی از هریک چهار درم فلفل زنجبیل از هریک ده درم دو درم مصطکی عنبر از
هریک دو درم قرفه قرنفل زعفران از هریک دو درم جوزبوا پنجدرم مشک
یکدرم کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال بنوعی دیگر عنبر یکمثقال قند سفید
یکمن قند را بقوام آورند وبعد از آن فرو گیرند وعنبر را در آن حل کنند وتیره زنند
وبروی سنگ ریزند جوارش مصطکی سردی معده وجگر را نافع بود وبلغم دفع کند
وآب از دهن رفتن باز دارد صفت مصطکی سه مثقال کوفته با یکمن قند سفید
وگلاب سی مثقال بقوام آورند وبر روی سنگ ریزند جوارش جالینوس این
جوارش خاصیت بسیار است همه اعضا را قوت دهد وبوی دهان خوش کند
وبادها بشکند وبسیاری بول که از سردی مثانه باشد باز دارد وباه را قوت دهد
ودیوانگی ببرد وصداع وسعال بلغمی وبواسیر ونقرس وقوبا وبهق وحصاة کلیه
ومثانه را نافع است وسیاهی موی را محافظت کند وگفته اند که هرکه بیست روز
ازین مداومت کند از جمیع امراض مذکوره ایمن باشد صفت سنبل سلیخه قاقله

17

دارچینی خولنجان فلفل سیاه فلفل سفید قرنفل سعد زنجبیل دارفلفل قسط بحری
عود بلسان اسارون تخم مورد قصب الذریره زعفران از هریک دو درم
مصطکی پنجدرم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته وبیخته با دو چندان عسل
بسرشند شربتی دو مثقال تا سه مثقال پس از طعام وپیش از طعام توان خورد
جوارش تمری قولنج وعسر بول را بگشاید صفت زیره کرمانی ملابر بوره ارمنی
فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید هریک دو درم ونیم سقمونیا مشوی پنجدرم
خرما دانه بیرون کرده مغز بادام شیرین مقشر بریان کرده از هریک ده مثقال
ورق سداب ده درم خرما را در سرکه خیسانیده یکشبانروز وبکوبند واز
غربال بیرون کرده وعسل کف گرفته بوزن ادویه بر سر تمر کنند وبجوشانند
وداروها کوفته در آن بسرشند شربتی پنجمثقال یا هفت مثقال با آب گرم بنوشند
جوارش مسک خفقان وباد بواسیر را نافع بود وبادهای معده را دفع کند
صفت خیربوا قاقله زنجبیل دارفلفل از هریک ده درم مشک خالص نیم مثقال
قند شصت درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند جوارش کافور صفرا را اسهال صفراوی
باز دارد وتشنگی وحرارت را بنشاند صفت زرشک منقی ده درم گل سرخ
هشت درم طباشیر سفید کهربا فوفل از هریک چهار درم تخم حماض بریان کرده هفت درم

بوست پسته

حب الآس شش درم آمله مقشر آرد سنجد دو درم آرد سنجد ده درم انار دانه بریان
پنج ده درم کافور سه درم زعفران شاه بلوط از هر یک پنج درم قوقل چهار درم
بشراب حماض بسرشند شربتی ده درم جوارش [illegible] اسهال بلغمی باز دارد و معده را
گرم کند صفت کندر شصت درم فلفل دار فلفل از هر یک دوازده درم
زنجبیل خولنجان از هر یک ده درم قرنفل جوزبوا از هر یک پنج درم مشک نیم درم
قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم جوارش [illegible]
طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سپرز بگشاید و کسی را که بیم استسقا بود
نافع بود و ادرار بول کند صفت قسط قرفه سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک
ده درم جوزبوا پنج عدد قاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج هندی
[illegible] نارمشک از هر یک چهار درم بسباسه درونج عقربی از هر یک پنج درم هلیله کابلی
بروغن زیت بریان کرده پنج درم بلیله ده عدد حب الآس بوزن همه ادویه
نبات دو وزن ادویه بگلاب بگدازند و بقوام آورند و داروها کوفته
و بیخته در آن بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش طباشیر تب
و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت طباشیر حب الآس گل سرخ
از هر یک ده درم تخم حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق اعلا

عصاره لحیة التیس

18

عصاره لحیة التیس از هر یک شش درم زعفران افیون هر یک دو درم کوفته
و بیخته بشراب سیب بسرشند شربتی سه درم بنوشند جوارش [illegible] اسهال صفراوی
باز دارد صفت سماق پسته ده درم حب الآس ده درم [illegible] سی درم
صمغ عربی گلنار انار دانه هر یک پنج درم کوفته و بیخته با مویز منقی
دیگر باره کوبیده شربتی سه درم جوارش [illegible] قولنج بگشاید و بادها را
دفع کند و جشاء حامض را نافع باشد صفت فلفل دار فلفل از هر یک
پنج درم ابرسا زنجبیل از هر یک شش درم انیسون مصطکی رازیانه
نانخواه تخم کرفس هر یک دو درم انجدان پانزده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی دو درم جوارش [illegible] طبع را نرم سازد و قولنج بگشاید صفت
جوزبوا یک درم قاقله دارچینی از هر یک دو درم نارمشک قرنفل از هر یک سه درم
دار فلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا پنج درم نبات سی درم کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم جوارش [illegible] اسهال صفراوی کند
بی مشقت صفت عود خام مصطکی از هر یک یک درم تربد سفید چهار درم
سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم با آب گرم جوارش [illegible]
بواسیر و سردی معده و بدی هضم را نافع باشد و بادهای غلیظ دفع کند [illegible]

ببابه قرفه فاقله صغار زنجبیل دارفلفل دارچینی اسارون از هر یک درم قاقله کبار
نیمدرم فلفل دو درم قرنفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
شربتی یکمثقال جوارش عنبا[...] زحیر و مقص و بواسیر را نافع باشد صفت تخم گندنا
تره تیزک بریان کرده زیره کرمانی مدبر از هر یک یکدرم مصطکی شش درم
هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم کوفته و بیخته بگلاب سرشند جوارش مسهل
معده را قوت دهد و شهوت ردیه زنان حامله را دفع کند و رنگ نیکو گرداند و
اشتهای طعام آورد صفت زرنباد تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک
دو درم کنجد مقشر ده درم کندر زنجبیل فلفل دارفلفل دارچینی از هر یک
سه درم شکر طبرزد نود مثقال کوفته و بیخته بگلاب سرشند جوارشی که
حفظ را زیاد کند صفت زنجبیل نانخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی
از هر یک نیمدرم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکمثقال جوارش مسهل
تنقیه معده و دفع فضلات کند صفت تربد سفید ده درم زنجبیل نیمدرم
قند سفید پانزده درم شربتی سه درم جوارش شهریاران قولنج بگشاید
و فضلات ردیه را دفع کند و معده را قوت دهد صفت فلفل زنجبیل
زیره کرمانی سداب بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یکدرم و نیم ماسه درم نبات

و امراض عین را نافع باشد صفت ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم
حب النیل غاریقون انیسون از هر یک نیمدرم شحم حنظل نمک هندی از
هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بآب کرفس حب نمایند شربتی حب میعه میعه
افیون صمغ عربی رب سوس هر یک چهار مثقال حبها سازند مقدار نخودی
حب صبر اوجاع مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را نافع بود صفت آنکه
صبر سقوطری یکمثقال تربد سفید یکدرم و نیم حب النیل غاریقون از هر یک
نیم درم شحم حنظل دانگی و نیم نمک قدری مقل کتیرا انیسون از هر یک دانگی
کوفته بآب کرفس حب سازند حب سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا را
نافع بود صفت صبر سقوطری ماهی زهرج از هر یک یکدرم سورنجان تربد سفید
از هر یک یکمثقال کتیرا دانگی حب النیل نیمدرم شحم حنظل نمک هندی از هر یک دانگی و نیم
کوفته و بیخته بآب کرفس حب سازند حب سورنجان بنسخه دیگر که همین خاصیت دارد
صفت ایاره فیقرا تربد سفید ماهی زهرج از هر یک یکدرم سورنجان پوست هلیله زرد
غاریقون انیسون از هر یک نیمدرم کتیرا شحم حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته
باب رازیانه حب سازند حب سورنجان بنوع دیگر صبر یکدرم پوست هلیله زرد
تربد سفید از هر یک نیمدرم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی و نیم تخم کرفس نمک هندی

از هر یک انگی باب را زیانه حب سازند حب شبیار درد معده را نافع باشد و روت
با مره بدهد و درد سر و تاریکی چشم برد صفت صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد
ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید هر یک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته حب سازند شربتی یکمثقال
وقت خواب فرو برند و بخوابند حب شبیار بنوع دیگر صبر سقوطری نیم مثقال محموده یکدانگ
تربد دو دانگ غاریقون دو دانگ شحم حنظل یکدانگ زنجبیل یکدرم کوفته و بیخته بلعاب
کثیرا حب سازند شب وقت خواب بخورند حب قوقایا حب جالینوس است صداع
و درد چشم را نافع باشد و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آرد صفت
صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی هر یک مثقالی شحم حنظل سقمونیا از هر یک
نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یکمثقال حب غاریقون
سده را بگشاید و استسقا و امراض کبد را نافع باشد صفت افتیمون صبر سقوطری
از هر یک شش درم غاریقون چهار درم قطراسالیون تخم کرفس دو فو از هر یک
دو درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی دو درم حب
غاریقون بنسخه دیگر همین خاصیت دارد و طبع نرم کند چون هر شب [illegible] شوند
صفت غاریقون ده درم عصاره غافت ریوند از هر یک دو درم قند سفید
پانزده درم کوفته و بیخته با آب حب سازند حب منتن فالج و لقوه و مفاصل

و نقرس که از سردی باشد و وجع ظهر را نافع بود و بادهای غلیظ را دفع کند و حیض بگشاید
صفت سکبینج اشق جاوشیر مقل جربل شحم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد
انزروت مساوی انزروت را در آب حل کرده داروها کوفته بسرشند و حب سازند شربتی
دو درم حب اصطمخیقون بدن را از سودا و بلغم غلیظ و اخلاط غلیظ پاک کند صفت
پوست هلیله کابلی شش درم ملح هندی آمله افسنتین غاریقون از هر یک سه درم
تربد سفید هفت درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک دو درم افتیمون یکدرم
ایارج فیقرا نه درم قرنفل یکدرم فانید چهار درم فانید را در آب بگدازند و دو درم
سقمونیا در آن حل کنند و داروها کوفته و بیخته در آن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب
صداع و درد چشم را نافع باشد صفت صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله زرد
ده درم کثیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج درم
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که داء الثعلب را
نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم دفع کند صفت افتیمون چهار مثقال شحم حنظل
سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال
انزروت بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده مثقال
کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی سه درم حب سکبینج قولنج بگشاید و بادها

غلیظ دفع کند صفت سکبینج شحم حنظل از هر یک ده درم سقمونیا سه درم
با بسداب حب سازند شربتی یکدرم حب بکر که باد بشکند و فتق و اورام خصیه را
نافع باشد صفت تخم کرفس هزار اسپند انیسون مصطکی زعفران از هر یک یکدرم
پوست هلیله کابلی آمله سکبینج از هر یک دو درم قطراسالیون فودنه اذخر قسط
زرنباد روغن اساران از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با آب سداب حب سازند هر روز
یکدرم بخورد کند حب [illegible] استسقاء زقی را نافع باشد صفت ریوند چینی عصاره غافث
تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنجدرم مازریون مدبر سه درم کوفته و بیخته
حب سازند شربتی دو درم حب [illegible] که همین خاصیت دارد صفت تخم مازریون
مغز بادام از هر یک پنجدرم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم
حب خیزران خنازیر و غدد و سلعه را نافع باشد صفت ایارج فیقرا سه درم
غاریقون دو درم و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم تربد سفید
هفت درم جاوشیر کمیفال نوشادر دو درم سقمونیا یکدرم کوفته و بیخته آب
کند تا حب سازند شربتی هر روز یکدرم حب واصلی که همین خاصیت دارد
صفت سنبل سلیخه حب بلسان اساران عود بلسان مصطکی دارچینی زعفران
از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس شحم حنظل از هر یک پنجدرم

21

تربد سفید هفت درم نمک هندی دو درم سقمونیا چهار درم شربتی چهار درم [illegible] کند
حب [illegible] وجع النساء و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع باشد صفت
پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری بیست درم فلفل دارفلفل هر یک یکدرم
خردل سه درم سکبینج نمک هندی شحم حنظل زنجبیل هر یک دو درم فانید سجزی
چهار درم با آب گزر نیک حب سازند شربتی [illegible] درم حب غافث یرقان و درد جگر را
سود دارد صفت [illegible] غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته با آب کرفس
حب سازند شربتی سه درم دو درم حب دیگر که بهق و برص و صداع و اورام
سوداوی را نافع باشد صفت ایارج فیقرا پنجدرم افتیمون ده درم لاجورد مغسول
هفت درم سقمونیا شحم حنظل خربق سیاه از هر یک دو درم سنبل انیسون از هر
یکدرم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب [illegible]
جرب را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد هلیله سیاه از هر یک پنجدرم صبر هفت درم
سقمونیا دو درم و نیم کوفته و بیخته با آب شاهتره بسرشند حب مقل بواسیر را نافع
صفت پوست هلیله زرد هلیله سیاه هر یک پنجدرم هلیله کابلی مقل از هر یک پانزده درم
تربد سفید ده درم سکبینج پنجدرم حنظل دو درم مقل و سکبینج را در آب گندنا
حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند حب مقل بنوع دیگر [illegible] سوداوی [illegible]

وطبع را نرم کند و محرور را موافق باشد صفت پوست هلیله کابلی هفت درم مثقل
ده درم کتیرا حشیشم الخجر سیا عدد در آب بنهند تا مهرا شود و بپالایند و مثقل
و کتیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته با آن لبرشند و حب سازند
شربتی دو درم حب مقل بنسخه دیگر درد معده و امعاء و بواسیر را نافع باشد
صفت هلیله سیاه و بلیله و آمله از هر یک جزوی مقل برابر همه در آب
کنند تا حل شود و داروها کوفته و بیخته با آن لبرشند و حب سازند شربتی دو
درم و نیم حب دیگر که چون سه شب متوالی بنوشند وجع بواسیر را تسکین
دهد صفت هلیله سیاه بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نمک هندی صعتر
مصطکی سورنجان اشق هزاسپند شطرج ناخواه از هر یک یکدرم
سنبل زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر یک هشت درم صبر
سقوطری هفت درم و سکبینج را در آب کنند تا نرم شود و باقی ادویه را کوفته
سکبینج دو درم مقل صبر
و بیخته با آن لبرشند و حب سازند شربتی دو مثقال حب الافاویه بادها
دفع کند و طبع را نرم سازد و قولنج بگشاید صفت زنجبیل قرنفل دارچینی مقل دار فلفل
نارمشک مصطکی از هر یک یک مثقال سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت مثقال کوفته
و بیخته حب سازند هر یک مقدار نخودی هر حب یک مجلس دفع کند حب مسهل

استسقاء لحمی را نافع باشد صفت صبر سقوطری دوازده درم افتیمون
شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تربد سفید مصطکی از هر یک
دو درم زعفران یکدرم و نیم غاریقون سه درم حماما یکدرم کوفته و بیخته
حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که بهق و برص را نافع است
صفت ایارج فیقرا یک مثقال ماحوب و مغسول سنبل انیسون شحم حنظل کتیرا
سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند حب دیگر
از جهت صرع ایارج فیقرا نیم مثقال افتیمون اسطوخدوس بسفایج نمک
هندی غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد شحم حنظل
کتیرا اسقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند حب دیگر
هم از جهت صرع صفت صبر یکدرم غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ
سقمونیا دانگی و نیم مصطکی سنبل هر یک دانگی حب سازند بطبیخ اسطوخدوس
بنوشند حب دیگر جهت ضعف باه صفت ایارج فیقرا تربد سفید هر یک
یکدرم حب النیل انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا
خصیة الثعلب از هر یک نیم دانگ محمودة کتیرا هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب
حب سازند حب دیگر جهت النقرس ایارج فیقرا یک مثقال تربد سفید یکدرم غاریقون

لاجورد مغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هریک نیمدرم سقمونیا دانگی و یک طسوج
انیسون کتیرا هریک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب هلیله جرب
و حکه را نافع بود [illegible] پوست هلیله زرد صبر سقوطری هریک یکدرم سقمونیا ورق
[illegible] گل سرخ از هریک دانگی کوفته و بیخته بآب حب سازند حب [illegible] ایارج
فیقرا تربد سفید غاریقون هریک یکدرم شحم حنظل حب النیل سکبینج هریک دانگی و نیم
اسطوخدوس بوزیدان هریک نیم درم کتیرا دانگی کوفته و بیخته بآب حب سازند
حب جهة استسقا ایارج فیقرا تربد سفید غاریقون هریک یکدرم اسطوخدوس
بوزیدان عود صلیب از هریک نیم درم شحم حنظل مصطکی هریک دانگی محموده
[illegible] بآب رازیانه حب سازند حب دیگر تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیمدرم
غاریقون زراوند مدحرج زراوند طویل هریک دانگی و نیم مقل الیهود
انجره هریک ۵ دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده دانگی اجزا کوفته و بیخته
بآب خالص حب سازند حب دیگر جهة استسقا ایارج فیقرا تربد سفید
از هریک یکدرم قاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین انجره
از هریک نیمدرم نمک هندی دانگی مقل [illegible] دانگ بآب رازیانه حب سازند
حب [illegible] بنفشه دو درم پوست هلیله زرد تربد از هریک
یکدرم

یکدرم نمک هندی بآب رازیانه تخم کرفس از هریک نیمدرم محموده دانگی و نیم بآب
خالص حب سازند حب دیگر ایارج فیقرا تربد صبر سقوطری از هریک یکمثقال
حب النیل نیممثقال شحم حنظل نمک هندی از هریک نیمدرم انیسون یکدرم
فلفل مصطکی کتیرا از هریک دانگی بآب رازیانه حب سازند حب [illegible]
تربد سفید یکدرم و نیم قاریقون ایارج فیقرا افتیمون از هریک [illegible] دانگی هلیله سیاه
شیطرج عصاره افسنتین از هریک دو دانگی سقمونیا نخود مقل انیسون
از هریک دانگی بآب حب سازند حب لقوه تربد یکدرم و نیم ایارج فیقرا
افتیمون از هریک چهار دانگ سورنجان نیمدرم ماهی زهره زنجبیل
از هریک ۵ دانگ محموده مقل هریک دانگی بآب حب سازند حب عشا
تربد یکدرم پوست هلیله کابلی قاریقون از هریک نیمدرم صبر چهار دانگ
گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ بآب حب سازند حب [illegible]
سوء هضم مسهل سه درم تربد یکدرم و نیم سورنجان چهار دانگ بوزیدان [illegible]
هریک دو دانگ بآب حب سازند حب [illegible] که درد نقرس را در ساعت بنشاند [illegible]
زیره کرمانی فلفل سفید دار فلفل مغز حب القرطم از هریک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل
افیون از هریک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان [illegible] درم بآب رازیانه

حب سازند شربتی دو درم بآب تره بنوشند حب حاتر بد یکدرم و نیم غاریقون
ایاره فیقرا افتیمون از هریک چهار دانگ قنطوریون دقیق ماهیزهره عصاره افسنتین
از هریک یکدانگ شحم حنظل سقمونیا از هریک سه حب مقل انیسون از هر دانگی
باب ارمانه حب سازند حب اختلاج تربد دو درم افتیمون نیمدرم عصاره غافث
عصاره افسنتین از هر دانگی و نیم شحم حنظل مقل انیسون مصطکی هریک دانگی
باب حب سازند حب مفاصل تربد کمنعان سورنجان نیمدرم شحم حنظل مقل انیسون
حب الیسل نمک هندی زنجبیل محموده از هریک دانگی و نیم ایاره فیقرا یکدرم
گل سرخ انیسون مصطکی از هریک دانگی مقل دو دانگ کثیرا طسوجی باب خالص
حب سازند حب بعه تربد یکدرم ایرسا روان نیمدرم ایاره فیقرا غاریقون
هریک نیمدرم محموده دانگی مقل دو دانگ بنفشه نیمدرم باب خالص حب سازند
حب عنبه ایاره فیقرا عاقرقرحا هریک پنجدرم جندبیدستر شیطرج هندی
بذر البنج از هریک سه درم سکبینج شحم حنظل از هریک چهار درم کوفته
و بیخته باب حب سازند شربتی دو درم حب یرقان صبر یکدرم محموده دانگی و
نیم غاریقون چهار دانگ عصاره غافث دو دانگ بآب کاسنی حب سازند
حب نافعست از جهت نقرس حار صفت سورنجان یکدرم محموده دانگی

و نیم تخم کرفس دانگی بآب خالص حب سازند حب دیگر که بلغم را از مفاصل
سرفه جذب کند صفت سعد سورنجان بوزیدان هریک نیمدرم ماهیزهره دو
دانگ تربد سفید چهار دانگ شحم حنظل دانگی و نیم فرفیون دانگی باب
حب سازند حب دیگر که وجع ظهر را نافع باشد صفت شحم حنظل سکبینج از
هریک دو درم صبر چهار درم جندبیدستر مقل از هریک یکدرم کوفته و بیخته
باب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب بازریون اوجاع مفاصل و دروز
باصلاح آورد صفت صبر سقوطری تربد از هریک هشت درم پوست هلیله
زرد بوزیدان سورنجان از هریک دو درم انیسون سقمونیا از هریک یکدرم
مقل یکدرم و نیم بآب کنند حب سازند شربتی سه درم بآب گرم حب
لاجورد سودا را دفع کند و امراض سودا وی را نافع بود صفت لاجورد
مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا از هریک یکدرم غاریقون
پنجدرم افتیمون بسفایج از هریک چهار درم ایاره فیقرا شش درم باب
کرفس حب سازند شربتی سه درم در ماء الجبن حب کوکبای اعضای
سر و معده را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را دفع کند
و چون یکدرم از این حب و یکدرم ایاره فیقرا حب کرده بخورد چشم را روشن کند

ومانع نزول آب کردد و اخلاط فاسده را از بدن بیرون آورد صفت آن
صبر زرد سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک دانکی و نیم
مقل دانکی کثیرا نیم دانک باب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه
و فالج را نافع باشد صفت زنجبیل فلفل دار فلفل شیره املج سعد مصطکی دار چینی
سنبل هلیله کابلی از هر یک دو درم صبر بیست درم باب کرفس حب سازند
شربتی دو درم و نیم حب الصدر سرفه کهنه و ضیق النفس و امراض سینه را نافع
باشد صفت غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس شحم
حنظل و ایارج فیقرا از هر یک دو درم باب حب سازند شربتی یک مثقال
حب الملوک نافع است کسی را که از مسهلات بد طعم کراهت داشته باشد
و مسهل را فع کند صفت تربد سفید یک درم و چهار دانک غاریقون چهار دانک
پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک دو دانکی و نیم افتیمون نیم درم کا
و ریوند فرنجمشک بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران کل سرخ از هر یک
دانکی کوفته و بیخته به کلاب حب سازند حب الملوک دیگر قولنج بکشاید و باد
غلیظ دفع کند صفت صبر سقوطری پنج درم تربد سفید ده درم پوست هلیله
زرد پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک هندی دو درم مصطکی زعفران

سادج قط سلیخه ریوند چینی سنبل زنجبیل اسارون تخم کرفس قرنفل فلفل دار فلفل
دار صینی کثیرا اقاقیا از هر یک نیم درم سقمونیا دو مثقال مشک دانکی کوفته و بیخته
بکلاب حب سازند شربتی سه درم حب بنفشه اخلاط غلیظ را از سینه پاک کند
و ربو و ضیق النفس را بغایت نافع بود و حفظ بیفزاید صفت آن بنفشه
دو درم تربد سفید یک مثقال محموده دانکی و نیم رب السوس نیم درم باب حب سازند حب افتیمون
اعضاء سر و معده را از سودا پاک کند صفت ایارج فیقرا شحم حنظل غاریقون
حجر ارمنی افتیمون مقل از هر یک دو درم تربد سفید شش درم محموده یک درم باب
حب سازند شربتی دو درم و نیم حب دیگر امراض سوداوی و صفراوی را نافع
صفت پوست هلیله زرد شش درم پوست هلیله آمله مقشر گل سرخ نمک هندی
از هر یک دو درم ایارج فیقرا پنج درم شاهترج سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک سه درم
تخم کرفس نیم درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته باب کاسنی حب سازند شربتی دو درم
حب السعال صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک دو درم مغز تخم کدو دانه مغز تخم خیار
از هر یک دو درم مغز بادام مقشر خشخاش سفید از هر یک چهار درم شکر طبرزد
فانید از هر یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی
رب السوس صمغ از هر یک چهار درم زعفران یک درم اضافه نمایند حب السعال

نافعست اطفالرا که از بسیاری سرفه قی کنند و سرفه خشک که مانع از خواب باشد در شب

و نوازل حاره دفع کند صفت نشاسته صمغ عربی ربّ السوس افیون مساوی کوفته و بیخته

بلعاب بهدانه حب سازند هر حبی مقدار نخودی حب السعال یا دو مغز تخم خیارین مغز بادام

صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک درم رب السوس دو درم با قلاسه درم بلعاب بزرقطونا

حب سازند حب السعال پوست بیخ رازیانه پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس مغز بادام

مساوی کوفته با جب سازند حب السعال دیگر که سرفه خشک را نافع بود صفت

نشاسته صمغ عربی رب السوس خبازی تخم خطمی کثیرا کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند

حب السعال که مدقوق و مسلول را نافع باشد و سرفه خشک را و گرمرا ببرد صفت

صمغ عربی کثیرا مغز بهدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک سه درم

مغز بادام باقلا مقشر مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا

حب سازند حب دیگر که سینه را پاک کنند و از رعاف کنند و حراره و سرفه را دایم

برطرف سازد صفت مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ بزرگ بریان کرده

جلغوزه از هر یک دو درم کثیرا انیسون صمغ عربی اصل السوس رب السوس

از هر یک یکدرم فانید قند از هر یک چهار درم باب رازیانه حب سازند حب مسک

بوی دهن خوش کند و کبد را قوة دهد صفت فلفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا

از هر یک درم گل سرخ صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر نیمدرم مشک کافور

هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب النعناع که همین خاصیت دارد صفت

قاقله جوز بوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ

پوست ترنج لسان کبابه از هر یک یکمثقال سعد دو درم بگلاب حب سازند حبی دیگر که

همین منفعت دارد صفت مشک قرنفل قرفه جوز بوا سعد سنبل عود خام مساوی

کوفته و بیخته باب زردالو حب سازند هر یک مقدار یک نخود هر صباح و مسا یکی از آن در دهن

نگاه دارند حبی دیگر که بوی سیر و پیاز و شراب از دهن ببرد صفت پوست ترنج تخم ریحان

زنجبیل کبابه بیله سعد از هر یک یکدرم مشک طباشیر از هر یک نیمدرم عنبر نیم مثقال

صندل سفید سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند حبی دیگر

که همین عمل کند صفت کبابه قرنفل قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی

عنبر نیمدرم عود یکدرم کوفته و بیخته بگلابی که صمغ عربی در آن منقوع باشد حب سازند

حب مقل قابض خون از بواسیر باز دارد صفت هلیله سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله

آمله مقشر مقل از هر یک دو درم مرجان کهربا وزغ سوخته هر یک یکدرم مقل را در آب

آهنگران حل کنند و ادویه صلایه کرده با آن سرشته حب سازند شربتی دو درم

حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد صفت هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سی درم

کهربا ده مثقال سقل برابر همه باب حل کنند و ادویه دیگر کوفته و بیخته بال سرشند
و حب سازند شربتی دو درم حب ممسک طبیعت بندد و خون رفتن باز دارد
صفت سماق دو درم مازو یکدرم پوست انار نیمدرم حب الاس ده درم
تخم زبیب سه درم کوفته و بیخته بآب و لعاب صمغ عربی حب سازند شربتی دو درم
بآب مورد بدهند و از عقب بر پاره آب سرو باز خورد حبی دیگر که اسهال خون
باز دارد صفت مازو یکدرم کزمازج افیون مساوی حب سازند شربتی دو دانگ
حبی که اسهال بلغمی باز دارد صفت هر قرفه چند بیدستر مساوی کوفته و بیخته
حب سازند هر یک مقابل یک فلفل شربتی سه حب تا پنج حب سازند حبی
اسهال کهنه و تر خشر را نافع باشد گاهی که حرارت و تب نباشد صفت چند سیر
اسارون میعه سائله بزر البنج ساه کندر مساوی کوفته و بیخته حب سازند شربتی
دو درم حبی که در ساعت سکر ببندد افیون یکدرم اقاقیا دو درم گل گرسماق
حب الاس از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بابی کر صمغ عربی در او منقوع بهر حب سازند
شربتی نیم مثقال حبی دیگر که نعوظ تمام آورد و در بطوء انزال اثر تمام دارد
صفت عود خام قرنفل قرفه کبابه فلفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم
بالنگو دو درم دار فلفل بابونه مروارید عقرقرحا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته

با قند بقوام آورده سرشند و حب سازند شربتی هر یک مقدار نخودی حبی که
مسکن اوجاع است صفت مصطکی حب الغار مر مکی زعفران فلفل قرنفل
جند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یک مثقال و نیمدرم بگلاب حب سازند شربتی
یکدرم حقنه لینه حمیات و سرسام و امراض حاره را نافعست و طبع را
نرم سازد صفت عناب سپستان بنفشه شعیر مقشر کوفته سبوس گندم
خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک کفی انجیر پنج عدد در سه رطل آب بجوشانند
برطلی آید و بپالایند و شکر سرخ پنجدرم روغن بنفشه بادام روغن گنجد هر یک
ده درم ابکامه پنجدرم اضافه نمایند و نیم گرم حقنه کنند حقنه لینه دیگر
انجیر ده عدد اصل السوس دو درم سپستان بیست عدد گل سرخ جو یککف بنفشه
نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یککف جمله را در سه من آب بجوشانند
تا بیکمن آید صاف کنند و ده درم لعاب بزرقطونا و دو درم بوره ارمنی
و یکدرم نمک اضافه نمایند و بیست درم شکر سرخ حل کنند و بنوبت
برریزند حقنه معتدله حلبه بزرگ انجیر عناب بنفشه سپستان خطمی بابونه
اکلیل الملک خشک شبت سبوس گندم از هر یک کفی به برند چنانکه رسمست
و بپالایند و ده درم فانیذ و دو درم بوره ارمنی و یکدرم نمک هندی

وپانزده درم روغن شیره اضافه نمایند وبمکرم عمل نمایند حقنه دیگر شحم حنظل
افتیمون بسفایج از هریک دو درم فودنج یلگف بپزند وبپالایند وبیست درم
شکر سرخ وده درم روغن بابونه اضافه نمایند واستعمال کنند حقنه دیگر
قولنج بلغمی ودرد پشت وبادهای غلیظ را نافع باشد صفت حلبه برزک
قنطوریون بابونه خشک نیمکوب خطمی از هریک کفی انجیر سی عدد عناب
سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر برگ کرنب شبت سداب
از هریک دسته سکبینج مقل جاوشیر از هریک سه درم مغز تخم کافشه بیست درم
بپزند وبپالایند چنانکه رسم است ویکدرم نمک هندی ودو دانگ بوره ارمنی
ونیمدرم جند بیدستر ودو درم شحم حنظل وده درم ابکامه وبیست درم
شکر سرخ اضافه کنند واستعمال کنند حقنه دیگر استرخا وفالج وامراض بلغمی را
نافع باشد سناء مکی پنجدرم شبت بابونه کافشه هم کوفته فانید انجیر نیمکوفته
از هریک کفی پر سیاوشان بادرنجبویه قنطوریون دقیق از هریک دو درم
شکر سرخ پانزده درم ابکامه ده مثقال برگ چغندر روغن زیت از
هریک ده درم نمک هندی بوره ارمنی از هریک نیمدرم بطریق معهود
عمل نمایند حقنه قولنج بلغمی سناء مکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت

از هریک سه درم رازیانه انیسون بسفایج از هریک دو درم بابونه سبوس گندم
گل خطمی از هریک کفی گل سرخ تازه دوازده عدد زیت روغن گل سرخ شکر سرخ اب برگ
چغندر را از هریک کفی ده مثقال ابکامه کهنه گلقند از هر یک ده درم بوره ارمنی
نیمدرم بپزند وصاف کرده چنانکه رسم است عمل نماید حقنه که در شب رود دو اسهال صفراوی را سود دارد
صفت اب برگ خرفه اب برگ لسان الحمل از هریک چهل مثقال تخم مرغ بروغن گل امیخته
یک بیضه اقاقیا نیمدرم دم الاخوین چهار درم کاغذ سوخته بعد اب کهربا مرجان گل مختوم
از هریک یکدرم بیکدیگر ممزوج نمایند واستعمال کنند حقنه دیگر قروح امعاء واسهال مراری را
نافع باشد صفت کشک جو برنج نشاسته سیب کوفته از هریک سی مثقال بپزند وبپالایند
نشاسته از هریک یکدرم زرده تخم مرغ عددی باده درم روغن گل حل کنند ودر بیکدیگر
بیامیزند باب ... حقنه قوی برورده معده واحشا وجگر را نافع بود واعضا را قوت دهد
واز برای بیران مفید بود صفت شراب کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل زنجبیل ده درم
قاقله جوزبوا زعفران از هریک یکمثقال قرنفل مشک از هریک نیمدرم دارصینی فلفل
از هریک یکدرم ادویه را نیم کوفته کند سوای مشک وزعفران ودر کیسه کنند وسرکیسه ببندد
وشراب وعسل را بجوش اند وکیسه را دران افکنند ودر هر ساعت بدست بمالند تا قوت
بقوام اید بس کیسه را بردارند ومشک وزعفران را دران حل کنند ونگاه دارند

خضاب که موی را سیاه کند مازو بکرطل کتیرا روی سوخته شب یمانی از هر یک پنجدرم
نوشادر چهار درم نمک اندرونی دو درم مازو در روغن زیت بکوبند تا شق شود
و با دویه دیکر بکوبند و باب کرم بسرشند و بکذارند تا چهار ساعت بکذرد و بعد از ان
سر و ریش را بشویند و خشک کنند و خضاب را بمالند و بعد از ان بشش ساعت
باب نیم کرم بشویند خضاب دیکر وسمه چهل درم حنا پنجدرم کوفته و بیخته برکل
چرب نمایند و باب کرم بسرشند شب بمالند و صباح باب کرم بشویند
خضاب دیکر کل شقایق ده درم الکه شر پوست باقلای تر از هر یک پنجدرم کوفته
و بیخته بسرکه بسرشند و بیست روز در افتاب بنهند و سرکه اضافه نمایند و بعد از ان استعمال
نمایند خضاب دیکر جوز السرو در سرکه خیسانیده بیست درم مازوی سبز
در روغن زیت بپزند تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست کردکان تر
از هر یک ده درم برسیاوشان شب یمانی اقاقیا آمله از هر یک شش درم
کوفته و بیخته باب کرم بسرشند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب دیکر
حنا چهار درم وسمه هشت درم روی سوخته شب یمانی نمک اندرونی مازوی
سبز بریان کرده در روغن زیت خیسانیده از هر یک سه درم کوفته و بیخته
باب کرم بسرشند و استعمال نمایند خضاب دیکر شکوفه کردکان مقل با روغن
زیت

زیت صلایه کرده استعمال نماید و بعد از شش ساعت باب کرم بشویند
وانرا دواء الملوک نیز کویند اوجاع مفاصل و بواسیر و ناسور و بهق سیاه و سفید و جذام را
نافع باشد و حواس را قوی کرداند و باه را زیاده کند و هر که این معجون را استعمال نماید موی را
جز انکه سفید باشد سفید نکند صفت هلیله سیاه و بلیله و آمله سی و هشت مثقال شونیز بیست و
چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یک بیست و دو مثقال قاقله صغار
ناز مشک سعد از هر یک دو مثقال کبابه عسل بلادر از هر یک شش مثقال فانید سپید مثقال
فانید را در رطیل کنند و در آب بکدازند و داروها کوفته و بیخته و عسل بلادر در ان بسرشند
و قرص سازند هر یکی دو مثقال و دانکی و نیم و هر بامداد یک قرص از ان بخورد و در سال که
این معجون استعمال نماید از ترشیها و لبنیات پرهیز کنند دوا مشک مار ضعف معده
و دل و خفقان و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تشنج و امراض سوداوی را سود دارد
و بادهای زنان البته را دفع کند و رنگ را نیکو کرداند صفت زرنباد درونج
عقربی از هر یک یکدرم مروارید ناسفته کهربا ابریشم مقرض از هر یک نیمدرم بهمن
سرخ و سفید ساذج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر دواله از هر یک چهار
دانک زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانک مشک دانکی و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
که اتشش برنیده باشد و بعد از چهار ماه استعمال نمایند و شربتی یکدرم تا دو درم

رطوبات معده را ببرد و خفقان سوداوی و ورم حنجره را نافع باشد صفت افسنتین

رومی صبر سقوطری از هر یک هشت درم ریوند چینی شش درم نانخواه زعفران تخم کرفس

از هر یک چهار درم مشک باورین سادج هندی مروارید ناسفته از هر یک دو درم جند بیدستر

یکدرم و نیم بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال دوا ... صلابت کبد و طحال و معده و

استسقا و برودت معده را نافع بود و سده بکشاید و بول براند و سنگ کرده و مثانه را

نیز براند و بدن را لاغر کند صفت لک مغسول دو قو تخم کرفس حلبی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک

هشت درم کافیطوس زوفای خشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ جنطیانا رزاوند

مدحرج هر یک یکدرم صبر سقوطری و سنبل از هر یک دوازده درم فوه پانزده درم حب بلسان

سلیخه اسارون مصطکی قصب الذریره مقل از هر یک شش درم کندر چهار درم دار فلفل

رزاوند طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس بیست و هشت درم ریوند جعده اذخر

از هر یک دو درم فلفل قسط از هر یکده درم سیسالیوس سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون

سازند شربتی یکمثقال دوا الکرکم کبیر منافع او قریب بمنافع کبیر است صفت لک مغسول

قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک ده درم ریوند چینی پانزده درم

کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین یا باب کرم دوا الکرکم کبیر

امراض جگر و سپرز کی از سردی بود نافع باشد و سده بکشاید و بادها دفع کند و گرده و مثانه را

قوت دهد و بول براند و استسقا که بسبب ورم سپرز و جگر باشد سود دارد صفت

زعفران دوازده مثقال مر و فو اسارون انیسون فطراسالیون ریوند چینی از هر یک

چهار درم سنبل شش درم قسط سلیخه فقاح اذخر حب بلسان از هر یک یکدرم فوه

دو درم رب السوس جعده مصطکی غافث از هر یک سه درم روغن بلسان پنج درم

مر صاف چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم یا دو درم بماء العسل

دوا الکرکم صغیر منافع او قریب بکبیر است صفت زعفران سلیخه سنبل هر یک

دو درم قسط فقاح اذخر جعدا دار فلفل دارچینی از هر یک یکدرم کوفته

و بیخته یک شب روز بشراب انگوری تر کنند و در روز دیگر معجون سازند بعسل شربتی یکمثقال

دحمرثا با دهای بشکند و قولنج را نافع باشد صفت هراسپند حلبه هر یک سی درم

درنج عقربی عاقرقرحا فلفل دار فلفل اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل

از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم دوا الحلتیث

تب ربع و گزیدن عقرب و رتیلا و مانند ایشان را نافع باشد و از جهت

تب ربع در سکنجبین دهند بعد از آنکه چهل روز گذشته باشد و از جهت گزیدن

جانوران زهردار در شراب صفت حلتیث سداب قرنفل مساوی کوفته

بعسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز دوا ... استسقا و اکثر امراض سوداوی

وبلغمی را نافع باشد ... مازریون را در سرکه خیسانیده یکشبانروز در سایه

خشک کرده زیره کرمانی یکدرم نمک هندی پوست هلیله زرد از هریک نیم درم

افتیمون تربد سفید از هریک یکدرم کوفته وبیخته شربتی دو درم ...

حمیات بلغمی را نافع باشد ... زنجبیل مصطکی از هریک ده درم تربد سفید

بیست درم شکر طبرزد چهل درم شربتی هر شب یکمثقال ... ضعف باه را که سبب آن

حرارت باشد نافعست ... تخم جزر سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند

تا بقوام آید هر شب دو ملعقه بنوشند ... در تقویت باه بی نظیر است

صفت خصیه الثعلب را بکوبند و بپرند و در آب خشک بریزند یکشبانروز در

بپرورند و هر روز پاره کنند چنانکه آب خشک تر سه روز خشک بکار رود

پس خشک کنند و سه درم از آن باده درم شیر تازه و ده درم نبات بنوشند

و سرد مزاج اقدری زنجبیل کوفته وبیخته اضافه نمایند ... تولید منی کند

ونعوظ آورد بغایت مقوی باه است صفت آب پیاز یکجزو عسل دو جزو

بجوشانند تا بقوام آید و در وقت دو ملعقه بنوشند ... منع نزلات

کند و سرفه خشک را بغایت نافع باشد صفت خشخاش سفید با پوست بیست عدد

تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانه شیرین از هریک پنج درم اصل السوس

بیست درم بزرقطونا ده درم مجموع را در پنج رطل آب بار ... خیسانیده

از هریک یکدرم کوفته وبیخته زرور سازند زرور دیگر که نافعست از جهت جرب و سبل

وظفره واکله جفن صفت اقلیمیا صمغ عربی از هریک سه درم زعفران فلفل

شنگرف از هریک دو درم افیون یکدرم ونیم صلایه کرده استعمال نمایند

زرور دیگر که از جهت درد چشم اطفال نافعست صفت انزروت مربی

چشمک از هریک ده درم ماميران دم الاخوین از هر دو درم کوفته وبیخته استعمال

نمایند زرور ... دارفلفل دو دانگ هلیله زرد حضض ... از هریک دو درم

زبد البحر یکدرم ماميران دو دانگ صبر دانگی ونیم کوفته وبیخته استعمال نمایند

زرور سبل توتیای مغسول دو مثقال ماميران دو درم زبد البحر حضض مکی

صبر سقوطری دارفلفل پوست هلیله زرد از هریک یکدرم انزروت عربی

چهار مثقال صمغ عربی کوفته وبیخته زرور سازند زرور بیاض ... هندی

شش درم مس سوخته سرمه اصفهانی توبال مس سوخته از هریک سه درم ...

عدس مغسول ... صاف از هریک یکدرم صدف سوخته ماميران چینی از هریک

دو درم صلایه کرده استعمال نمایند زرور ... نافعست از جهت حرارت

چشم صفت صدف سوخته مروارید ناسفته از هریک دو درم ... یکدرم

کافور دانگی صلایه کرده زرور سازند زرور ... گوشت برویاند و ...

ازجراحت باز دارد و رعافرا نافع باشد صفت انزروت کندر قر دم الاخوین

مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند زرور دیکر که همین عمل کند صفت انزروت

کندر دم الاخوین مر کلنار کل ارمنی از هریک نیم درم عدس مقشر یکدرم کوفته و بیخته زرور سازند

زرور دیکر که کوشت فاسد بخورد و سر جراحت اکثر یدو تری را بچیند و کوشت

کوشت برویاند صفت انزروت چهار درم دم الاخوین دو درم کل مختوم مرداسنگ

کندر از هریک یکدرم و نیم کل ارمنی شیاف مامیثا از هریک یکدرم صبر سقوطری

زراوند مدحرج از هریک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند زرور دیکر نافع

جهت خروج مقعد و سوز و زخم مقعد صفت سفیداب ارزیر کلنار شب یمانی

مازو کوفته و بیخته مساوی عمل نمایند زرور دیکر مقعد را نافع باشد صفت جفت بلوط

مازو قشار کندر شیح سوخته کلنار شاخ کوزن سوخته مرداسنگ صدف سوخته

اقلیمیا مساوی صلایه کرده زرور سازند زرور دیکر که همین عمل کند صفت

جفت بلوط کلنار جوز السرو کاغذ سوخته از هریک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد

افشانند باب لوا روغن قسط نافع بود فالج و لقوه و معده و جگر سرد را نافع بود

و سیاهی مو را نگاه دارد و اعضا را قوت دهد صفت قسط ده درم فلفل فرفیون

از هریک سه درم عاقرقرحا چهار درم جندبیدستر ۷ درم و نیم شراب کهنه صد درم

زیت
روغن پنجاه درم فلفل و عاقرقرحا را نیم کوفته و در شراب خیسانیده یکشب

و صباح شراب را بجوشانند تا به نیم آید بعد از آن روغن زیت بر آن ریزند

بجوشانند که روغن بماند و شراب برود بعد از آن جندبیدستر و فرفیون کوفته

و بیخته بر آن ریزند در زمانی که از آتش فرو گرفته باشند روغن سنبل

را در جکر و معده سرد را و مفاصل و استرخا را نافع باشد صفت قصب الذریره

سنبل ساذج هندی میعه سائله ج کوس قرفه اشنه قسط از هریک سی درم

راسن خانک سلیخه عود بلسان از هریک ده درم قرصاف قرنفل از هریک

پنج درم مجموع کوفته در سه من آب بریزند تا یکمن و نیم آید روغن کنجد بجوشانند تا آب برود

و روغن بماند روغن دیکر سردی جکر و معده را نافع بود چون بمالند و حمل برمحلی ... مالند

که موی رفته باشد موی برویاند و اعضا را قوی کند صفت قسط تلخ صد درم خرما جوز

چهل درم سلیخه شش درم مجموع را نیم کوفته کنند و بخیسانند یکشبانروز دیکر بجوشانند

و بپالایند و سه چهار یک روغن زیت یا روغن کنجد بر او ریزند و بجوشانند تا روغن بماند

روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفت شونیز بیست درم مغز بادام تلخ

سی درم بکوبند و روغن آن بگیرند روغن قسط بنوع دیکر قرنفل سلیخه از هریک ده درم

قصب الذریره سنبل ساذج قرفه اشنه قسط از هریک بیست درم جندبیدستر بنفشه از هریک سی درم

قرنفل پنجدرم روغن کنجد بدستور متعارف ترتیب دهند روغن افسنتین معده و جمیع

اعضا و جگر را قوه دهد صفت روغن زیت یا روغن بادام تلخ یا روغن زردالوی تلخ

نیم افسنتین تازه دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز بر افتاب بیاویزند روغن

فرفیون همه دردها که از سردی بود زایل کند و فالج و استرخا را سود دهد صفت

قطره درم کند ر چهل درم جند بید ستر پنجدرم فودنه کوهی خشک دوازده درم

عاقرقرحا هفت درم میویزج سه درم جمله را کوفته کنند و چهار صد درم شراب کهنه

بریزند تا سه بخش برود و یک بخش بماند و نصف لبر روغن چربی با آن بیامیزند

و بپزند تا شراب برود و روغن بماند در هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه

بریزند و بجوشش بدهند و بردارند روغن سوسن که روده و احشا و رحم را سود دارد

و گرده و مثانه را گرم گرداند صفت حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم قرفه

مصطکی از هر یک پنجدرم زعفران ده درم گل سوسن سی عدد زردی از سوسن بردارند

و یکرطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و ادویه کوفته در روغن کنند و در نزدیکی

افتاب گذارند در سایه چهل روز پس بیرون آرند و نگاه دارند روغن بید انجیر

ساده مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبات پاک کند صفت سداب بید انجیر

بریان کرده بکوبند و بجوشانند و کف بگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند

و آب زرد بماند لبر ابر بریزند و کفها را بجوشانند که تمام با روغن صاف میشود

روغن بید انجیر فالج و لقوه و سده جگر و سپرز را نافع بود و قولنج بگشاید

صفت نانخواه صعتر فودنه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک پنج درم

تخم کرفس تخم رازیانه تخم سوسن راس خشک از هر یک ده درم شیطرج مقل از هر یک پنجدرم

سکبینج جاوشیر زرنباد درونج عقربی از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی فاقله خیربوا

کبابه دار فلفل جوز بوا بسباسه شونیز قسط کردیا از هر یک چهار درم مجموع نیم کوفته

در آب خیسانیده یکشبانروز بعد از آن جوشانید تا نرم شود پس بپالایند و صد و

پنجاه درم روغن بید انجیر ساده بروی آن کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن

بماند شربتی دو درم یا سه درم با ماء الاصول بکار دارند روغن ترب مانند روغن زیت بود و کرم

از روغن بید انجیر بود در درد گوش را نافع بود و باد که در گوش بود دفع کند صفت

آب ترب سه جزو بگیرند و یکجزو روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند

روغن مسک عسر البول را علیم نافع است صفت مسک ده مثقال زنجبیل چهار

مثقال و نیم کوفته در یکی رطل آب و نیم چهار اوقیه روغن کنجد بجوشانند تا آب برود

و روغن بماند روغن کدو بی سردی و مالیدن آن بر سرسام و مالیخولیا نافع بود

کدوی تازه پوست او را تراشیده و با شحم و لحم بکوبند و آب آن بگیرند چهار من

و یک من روغن کنجد بروی آن ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر آنست
که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن بادام روغن ریحان فالج و درد زانو را
نافع باشد صفت آب ریحان دو جزو روغن کنجد یکجزو بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن لاله معده سرد را گرم کند صفت برگ لاله از نبات آن جدا کنند
و در شیشه کنند و روغن زیت بروی آن ریزند و یکماه در آفتاب نگاه دارند روغن
درد گوش را که از گرمی باشد زایل کند صفت روغن گل ده درم روغن بادام تلخ پنج درم
سرکه کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند در گوش
چکانند روغن مصطکی درد که از سردی بود زایل گرداند صفت کنند پنج درم صبر مرمکی
حبه سیر حضض زهره گاو از هر یک یکدرم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم
ادویه کوفته با شراب و روغن بجوشانند تا شراب برود و روغن بماند بعد از آن بپالایند
و در گوش چکانند روغن مورد معده را قوت دهد صفت روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند
و ده درم مصطکی بروی آن ریزند و دیگ تا نیمه آب کنند و آن شیشه را در میان دیگ آویزند
و آتش کنند تا آب بجوشد چنانکه مصطکی آب شود و گداخته شود در روغن مورد که
موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد برویاند صفت آب مورد سه جزو روغن زیت
یکجزو با یکدیگر بجوشانند تا نزدیک آنکه آب برود و روغن بماند قدری لادن در آن

اندازند

اندازند تا بگدازد و فرو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند صفت پوست هلیله کابلی
مازو برگ مورد از هر یک یکجزو در شراب ریحانی خیسانند و یک شبانروز بگذارند پس بجوشانند
و بپالایند و یکجزو روغن کنجد در آن ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن
بیندازند و فرو گیرند تا بگدازد و شب موی را چرب کنند و در حمام بشویند روغن دیگر
که موی را سیاه کند و دراز و از ریختن نگاه دارد صفت سادج هندی حماما
حضض لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با سه رطل آب بپزند تا برطلی آید
یک رطل روغن کنجد بر آن ریزند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند هر روز سر را بشویند
باب برگ کنجد و برگ چغندر و این روغن بمالند که موی را سیاه کند و تا [illegible] نگاه
سیاهی موی را نگاه دارد روغن دیگر بگیرند جوز هندی و سر آن بگیرند و مغز
او را بیرون کنند و پنج درم از آن مغز با ده درم روغن دیگر و دو درم
براده آهن و نیم درم بوره ارمنی درهم بسایند و در میان آن جوز کنند و سر آن
محکم کنند و تمام آن جوز را بگل حکمت گیرند و در میان آتش گذارند چندانکه تمام
بجوشد بعد از آن از آتش بردارند و روغنی که از آن زایده شود در موی بمالند
مقصود حاصل شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع مفاصل را
نافع بود صفت برگ حنا یکچهار یک در دو من آب بجوشانند تا بنیم آید بپالایند و با نیم

روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن آمله موی را سیاه کند و قوی گرداند

صفت آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب بپزند تا [illegible]

صاف کنند و همچندان روغن کنجد اضافه نمایند پس بجوشانند تا آب برود

و روغن بماند و هر شب دو هفته بر هر موضعی که بمالند موی برآید صفت

بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه از آن بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم مرغ

در اندرون خربزه کنند تا پنج روز روغن زیت و برگ مورد کوفته و [illegible] صلایه

کرده از هر یک ده درم و سوراخ خربزه محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک شب

در تنور گذارند و روز دیگر بیرون آورند و گل را از آن جدا کنند و این خربزه را

با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند روغن [illegible] که [illegible] بافراط آورد [illegible] در بینی

مالند صفت نوشادر نمک نفط تخم سپندان تخم حرمل فلفل سیاه زنجبیل کاکنج مساوی

مغلوب کنند و در آب بجوشانند تا [illegible] شود پس صاف کنند و با روغن سپندان بجوشانند تا روغن بماند و آب برود [illegible] معده را قوت دهد و حبس عرق کند

و اگر بروی گشاده کنند و بخورند اسهال باز دارد صفت آب [illegible] جزو آب

برگ مورد بگیرند و در روغن گل بگیرند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند [illegible]

مازریون استسقا را نافع باشد صفت برگ مازریون یکبار یک در سه من آب بجوشانند

35

69

تا به همه آید و [illegible] روغن بادام در آن کنند و بجوشانند تا روغن بماند شربتی

یک درم باشد اعراض را نافع بود روغن بنفشه بادام سرد و تر بود جرب را مالیدن نافع باشد

وصل به مفاصل نرم کند و در ناخن مالیدن صحت او را نگاه دارد و دفع بیخوابی کند

صفت مغز بادام شیرین که پوست از آن باز کرده سفید کرده و بدو نیمه کنند و خشک گردانند

و هر دو من بادام یک من بید مشک بر وی ریزند و در جایی که گرمابه بود ده روز

در میان بید رها کنند بعد از آن بید از آن جدا کنند و بنفشه تازه بی علف پاک کنند

بر وی بریزند هر هفته بنفشه تازه بر وی بریزند و چند روز در زیر جامه خواب کنند

تا بوی بنفشه را بگیرد بعد از آن معلق در آویزند تا نیک خشک شود بعد از آن

بنفشه از آن جدا کنند و روغن از آن بگیرند چنانکه رسم است روغن گل بادام معتدل بود

در حرارت و برودت دماغ را نافع بود و فهم بیفزاید و اسهال صفراوی باز دارد

و دردسر که از گرمی باشد سود دارد و چون در آب سرکه بپزند صاحب جرب [illegible]

مالد سود دارد صفت [illegible] بنفشه بادام است که بجای بنفشه ورق گل سرخ کرده

کنند هر ده من بادام دو من ورق گل سرخ روغن [illegible] و سفید و شقایق و زنبق و یاسمین

و نرگس و سداب و بابونه و هر چه تازه بود دستور آنست که در شیشه کنند و در آفتاب

آویزند یک روز و روز دیگر روغن بر وی کنند و در آفتاب بیاویزند

روغن آجر که انرا دهن المبارک خوانند خواص بسیار دارد و کرمتر از نفط سفید است

ولطیفتر امراض بارده را بغایت نافع است و از جهت کسی که عقرب گزیده باشد

یا افیون و بزرالبنج خورده باشد نافع بود صفت آجر سرخ آب ندیده بادام بادام

و در آتش انداز ند تا سرخ شود به انبر بردارند و در روغن زیت اندازند

بعد ازان بیرون آورند و خورد کنند و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشد سر شیشه را

بموی اسب بگیرند و بگلی بگذارند که سوراخ در تن او باشد پر فحم کنند و آتش در آن

اندازند و چیزی در زیر شیشه گذارند که روغنی که بچکد نگاه دارند روغن

سورنجان مفاصل را نافع باشد صفت سورنجان مقرش و آب کرفس تازه از هر یک ده مثقال

قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب الذریره نیم کوفته بخیسانند یک شبانروز

روز دیگر بجوشانند تا محرآ شود بپالایند و آب کرفس اضافه نمایند و بار دیگر

روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند و گیند با بواسیر را نافع بود

صفت ابکنند با یکمن روغن کنجد نیم باده درم مقل بجوشانند تا آب برود

و روغن بماند روغن تاتوله جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد چون کفعلبا

بابد الدر چرب کنند صفت تاتوله هندی از پوست پاک کنند و نیم کوفته در

شیشه کنند و روغن در آن کنند و سر او را بموی اسب محکم کنند و شیشه را بگل

حکمت

حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد ترتیب دهند و پیچ کاسه را سوراخ کنند

و سر شیشه را از آن سوراخ بیرون آورند و در زیر شیشه پیاله گذارند و کاسه در بالای شیشه

گذارند و آتش بر بالای شیشه کنند و در اندرون کاسه روغنی که از آن بچکد نگاه دارند

روغن عقرب سنگ مثانه را پاره کند و بیرون آرد صفت ریوند چینی سعد هندی

جنطیانا ما لو سیح کبر از هر یک یک اوقیه روغن بادام تلخ یکرطل ادویه کوفته در شیشه کنند

و روغن بر سر آن ریزند و در آفتاب آویزند یکهفته بعد از آن بپالایند و ده عقرب

زنده در آن اندازند و سر شیشه ببندند و یکهفته دیگر در آفتاب گذارند پس بپالایند

و دو قطره از آن در احلیل چکانند روغن بادام منقول از قانون اوجاع بارده

احشا و قولنج و معص ریحی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش را

ساکن گرداند و چون در بینی چکانند صداع و شقیقه بارده را سود دارد و رنگ را

نیک گرداند و رحم را گرم کند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه را دفع کند و این

روغن اشرف روغنهاست و منافع این بسیار است صفت قصب الذریره سعد

ورق الغار عود بلسان لک ساذج هندی برگ مورد اذخر ابهل راس قردمانا

مرزنجوش متساوی کوفته در شراب و آب بخیسانند یک شبانروز و روز دیگر

با روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن دیگر اودام

صلب معده را نافع بود صفت و غرباً یکرطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر
قصب الذریره از هریک یکدرم و نیم کوفته در شیشه کنند و سر او را محکم سازند
و یکهفته در آفتاب گذارند بعد از آن صاف کنند و ادویه را دیگر باره
در آن اندازند همچنین تا سه نوبت بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند
دهن العقارب سنگ کرده و مثانه بریزاند صفت بگیرند عقرب را و در دیگ گذارند
و سر آنرا محکم سازند و در تنور نیمگرم گذارند شش ساعت پس بیرون
آورند و کوفته و بیخته بحریر و استعمال نمایند باه الزا[یدی] زعفرانی پشت و گرده را محکم
کند و معده را قوه دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند و آب از دهن
رفتن باز دارد و باد ها بشکند و ریگ مثانه را پاک گرداند و منی بیفزاید صفت
تخم کرفس تخم گزر تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ
بیخ کرفس از هریک پنجمثقال عاقرقرحا زعفران مصطکی عود خام از هریک پنجدرم
بسباسه قرنفل کبابه دارچینی فلفلمویه از هریک سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل
سه وزن ادویه عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند و ادویه کوفته و بیخته
بان بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی دو مثقال زرعونی دیگر
منی بیفزاید و باه را قوه دهد و پشت و گرده را محکم کند و در امر مجامعت

عظیم

عظیم نافعست صفت تخم کرفس تخم جزر تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه
بادرنگ بیخ کرفس مغز حب قلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل مغز جلغوزه از هر یک
پنجمثقال بسباسه قرنفل فلفلمویه کبابه عاقرقرحا زنجبیل تخم اسپست تخم جرجیر تخم بیاز
حب الرشاد تخم کندنا خولنجان جوز بوا قرفه دارفلفل از هریک سه درم
زعفران کندر مصطکی عود از هریک چهار درم بهمن سفید بهمن سرخ بهمن بوزیدان
شقاقل لسان العصافیر از هریک پنجدرم بصل الفار بریان کرده یکدرم خصیة الثعلب
قضیب گاو سوده مغز سر گنجشک نر خشک مربی کشمش خرما از هر یک ده مثقال عنبر اشهب
دو مثقال مشک خالص نیم مثقال قند سفید بوزن ادویه عسل بوزن مجموع بطریق معهود معجون
سازند مزاج گرم دو مثقال بنوشد از عقب لبن برده درم شیر تازه و ده درم شکر در آن حل کرده
میل کنند و سرد مزاج پنجدرم فرو برد بعد از آن یک کاسه ماء العسل باب السیلی سفوف حلبی مسهل
معده را قوه دهد و اشتهای طعام آورد و قولنج بگشاید صفت سنا مکی اصفهانی نیم ازبوست
و دانه پاک کرده و در سرکه یا شیر بجوشانند تا محرا الحوضه و از غربال بیرون کنند و یکمن
عسل صاف بر سر آن کنند و بجوشانند تا بقوام آید و ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند
زنجبیل دارفلفل قاقله کبار قاقله صغار دارچینی زعفران از هریک سه درم مصطکی بخوردم
تربد سفید سی درم سقمونیا ده درم شربتی از پنجمثقال تا هفت مثقال باب گرم جهت

سفوف که برا مستعمل است
خوردن علاج نبات از
هریک یکمثقال زرن
سفوف خرخیه بخورد و
و شب چهارم مرد با او
مجامعت نماید آبستن
شود

قولنج نافع باشد سفرجلی بستانی صاحب مزاج گرم را موافق باشد در فصل گرم توان داد
از این جهت محمد زکریا این را سفرجلی نام نهاده صفت سقمونیا دو درم و نیم زبره ده درم
مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک پنج درم ورق گل سرخ طباشیر از هر یک دو درم
ترنجبین عصاره به از هر یک پنجاه درم آب به و ترنجبین را بجوشانند چندانکه
شیر ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند و این
جمله ده شربتست سفرجلی ممسک شکم و معده را قوة دهد و دفع قی کردن کند و لون
نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نیم من
و در سرکه بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن بکوبند و نیم من عسل صاف برابر آن کنند
و بجوشانند تا بقوام آید فرود گیرند و این ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند زنجبیل
دار فلفل فلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس نانخواه زعفران از هر یک یکدرم
شربتی چهار مثقال سفرجلیا بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان و قولنج
و عسر البول بلغمی را سود دارد و سده جگر بگشاید و صلابة از او تحلیل دهد
و معده را گرم کند و سرد مزاج را نافع بود صفت به بید ستر افیون دارچینی
اسارون موقو دوقو از هر یک یکدرم فلفل دار فلفل بارزد قطا از هر یک
شش درم زعفران نیم درم بارزد را در عسل بگدازند و ادویه کوفته و بیخته بآن
بسرشند

38

بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یک مثقال تا دو درم سکنجبین ساده
صفرا دفع کند و محرور مزاج را موافق باشد و تبهای حاره و جگر گرم را نافع بود
و تشنگی بنشاند و سده بگشاید و بول براند صفت قند سفید یکمن در دیگ کنند و یکچارک
سرکه صاف برابر آن ریزند و بجوشانند تا قوام آید و یکوقیه گلاب بر سر آن کنند
و فرو گیرند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید و بول براند و استسقا و تبهای
حاره را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت پوست بیخ کاسنی هفت درم
و نیم کوفته در آب و یکچارک سرکه خیسانیده یکشبانروز و روز دیگر بجوشانند و پالایند
و یکمن قند سفید بقوام آورند و بر سر آن کنند و دیگر باره بقوام آورند و فرو گیرند
سکنجبین بزوری حار سده جگر و معده بگشاید و بول براند و فضول را از معده
پاک کند و استسقا را نافع بود صفت تخم کاسنی نیمکوفته تخم کشوث تخم کرفس رازیانه انیسون
از هر یک پنج درم پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه
خیسانیده چنانکه ذکر رفت و یکمن قند سفید اضافه کرده بقوام آورند سکنجبین
ریوندی یرقان و درد جگر را اگر از گرمی بود سود دارد صفت تخم کاسنی نیمکوفته
بیست درم تخم شاهتره تخم کشوث از هر یک ده درم ریوند چینی پنج درم
ریوند را کوفته و در کهنه بندند و با ادویه دیگر در دو من آب بجوشانند و هر زمان

کیسه ریوند را بدبتا لند تا شیره تمام باز دهد بعد از ان صاف کنند و با یکمن قند و چهل مثقال

سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده درم یا بیخ درم با گلاب بنوشد

سکنجبین بزوری جگر را سود دارد و سده بگشاید و تبع را نرم کند صفت ریوند چینی

سه درم تربد سفید بسفایج فستق تخم کاسنی نیم کوفته از هر یک پنج درم غاریقون پنج درم

مجموع را در ده من آب بپزند و سه درم و دو دانک زنجبیل کوفته اضافه نمایند و صاف

کنند و یکجا ریک آب سرکه و یکمن و نیم قند سفید چنانکه ذکر رفت بجوشانند و بقوام

آورند سکنجبین بزوری معتدل سده سپرز و جگر بگشاید و بول براند و تبهای مرکبه را

نافع باشد صفت تخم کاسنی را زیانه تخم کرفس از هر یک سه درم سیه تخم پنج درم

بولس بیخ کاسنی بولس بیخ را زیانه از هر یک هفت درم مجموع را نیم کوفته در سه رطل

آب و پنج درم آب سرکه خیسانیده یکشبانه روز و روز دیگر بجوشانند و با یکمن

قند بقوام آورند سکنجبین رمانی تبهای محرقه و جگر و معده گرم را سود دارد و تشنگی

بنشاند صفت آب انار ترش آب انار شیرین از هر یک نیم من بجوشانند و بقوام

آورند و قدری زرشک و آب سرکه صاف یکجا ریک و قند سفید یکمن اضافه

نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و اگر بعوض آب سرکه تمر هندی کنند شاید سکنجبین

سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتهاء طعام آورد و سده جگر بگشاید

و طعام را هضم کنند صفت آب به صاف کرده با یکجا ریک سرکه و قند یکمن بقوام

آورند و اگر بجای سرکه آب لیمو کنند خوب باشد سکنجبین لیمونی که همین

خاصیت دارد صفت آب به پنجاه مثقال سرکه صاف گلاب آب لیمو

از هر یک سی مثقال قند سفید یکمن جوشانیده بقوام آورند سکنجبین دیگر

که صلابت سپرز را نافع باشد صفت ریوند چینی غاریقون فوه پوست بیخ کبر

پوست درخت بید افتیمون کزمازج غافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده

درم در یکجا ریک آب سرکه و آب حسانید بجوشانند و با یکمن قند بقوام

آورند سکنجبین دیگر که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال صفراوی باز دارد

و کسی را که آبله بدید آمده باشد نافع بود صفت سرکه کهنه و گلاب از هر یک یکمن

برگ گل پنجاه درم گلنار بیست درم در سرکه خیسانیده یکشبانه روز پس بجوشانند و با نیم

و یکمن قند بقوام آورند سکنجبین افتیمونی مالیخولیا و اصحاب توحش و صرع را نافع باشد

صفت افتیمون ده درم بسفایج تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان پرسیاوشان

تخم کاسنی اسارون تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حاشا ورق گل سرخ

کافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک بادرنجبویه زرنباد درونج عقربی

بهمن سرخ بهمن سفید سادج قاقله سنبل الطیب از هر یک سه درم کلقند افتابی بوزن ادویه عنبر

در سرکه و آب جوسانیده بگذارند و روز دیگر بمالند و با یکمن آب بقوام آورند سکنجبین
افتیمون نوع دیگر افتیمون ده درم اسطوخودوس رازیانه تخم شاهترج از هر یک پنج درم
بسفایج سناء مکی پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم نیم کوفته در پنجاه درم آب سرکه جوسانیده
و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین قوی الاستسقا و صلابت طحال و ورم صلب جگر را
نافع بود و سده بگشاید صفت رازیانه پوست بیخ کاسنی خشک زوفا فوه
افسنتین از هر یک ده درم تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعده سنبل الطیب
از هر یک هفت درم در صد درم سرکه جوسانیده و با یکمن قند بقوام آورند
سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت سرکه عنصل
یکجا و یک عسل مصفی یکمن بقوام آورند سکنجبین عنصلی نوع دیگر استسقا و درد پهلو
که از سردی باشد و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را نافع
و سده سپرز را بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت سرکه عنصل یکمن زنجبیل
رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا پودنه دشتی از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی
قردمانا از هر یک پنج درم ادویه را نیم کوفته در سرکه عنصل و یکجا و یک عسل صاف جوسانیده
و یکهفته در آفتاب بگذارند بعد از آن صاف کنند و نگاه دارند پیش از طعام سی درم
استعمال نمایند سرکه عنصل بیخ دندان سخت کند و چون بدان مضمضه کنند و از جهت

ورق النسا

ورق النسا و ضیق النفس و ربو نافع باشد صفت بگیرند پیاز عنصل و بکارد چوبین پاره کنند
و در ریسمان کشند چنانکه بیکدیگر نچسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود
بعد از آن در ظرفی کنند و بهر یکمن پیاز پنج من سرکه داخل نمایند و دو ماه در آفتاب بگذارند
و نگاه دارند مفید باشد سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد صفت گل سرخ طباشیر
از هر یک سه درم کشنیز خشک دو درم آرد جو مروارید ناسفته کهربا از هر یک نیم درم
کافور ده آملی شربتی دو درم با سکنجبین سفوف حلبی سفوف دیگر خفقان سرد را سود دارد
صفت درونج عقربی لسان الثور از هر یک شش درم زرنباد دو درم کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال با یکجا و یک شراب کهنه یا ماء العسل بخورند سفوف عود
معده سرد را نافع بود صفت قرنفل کبابه از هر یک پنج درم مصطکی سنبل از هر یک دو درم
عود خام بیست درم شکر طبرزد بوزن همه ادویه شربتی یکمثقال با دو درم گلقند
سفوف قاقله شهوت طین و شهوات ردیه زنان حامله را نافع باشد صفت
قاقله خیربوا کبابه مساوی شکر بوزن همه شربتی دو درم با آب گرم سفوف خاد
تخم کرنب زرشک منقی سماق عدس مقشر گل سرخ طباشیر مساوی کوفته و بیخته شربتی
سه درم با لعاب اسپغول کافور در آب انار ترش حل کرده بخورند سفوف کرنب دفع شراب
مستی کند صفت تخم کرنب مغز بادام ترش مغز بادام تلخ فوفل از هر یک سه درم

نانخواه نمک سداب زیره از هر یک یکدرم کوفته و بیخته در آب انار حل کرده شربتی دو درم
سفوف انیسون بادهای معده دفع کند و معده را نیز از اخلاط غلیظ پاک کند صفت
نانخواه تخم کرفس از هر یک پنج درم کندر چهار درم فقاح اذخر قسط مصطکی از هر یک سه درم
سعفدان سفید سه درم کوفته و بیخته با فانید بسرشند شربتی نیم درم سفوف جوز
اسهال بلغمی باز دارد صفت جوز بریان کرده سه درم نانخواه یکدرم کندر
نیم درم کوفته با آب گرم بخورند سفوف مقلیاثا بواسیر و مغص کهنه و زحیر و ضعف معده را
نافع باشد صفت تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانیده و خشک
کرده بریان کرده پنج مثقال بزرکتان تخم گندنا هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده
از هر یک دو مثقال مصطکی یک مثقال مجموع کوفته سوای تره تیزک شربتی دو درم
با آب سرد سفوف بلوط که سلس البول را نافع است صفت بلوط پنجاه درم کندر سی درم
کشنیز خشک بریان کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم گلنار [illegible] از هر یک
پنج درم شربتی سه درم با آب خالص سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت
کندر سعد خولنجان زیره کرمانی شاه بلوط حب الآس مساوی کوفته و بیخته بخورند
سفوف نمک معده و جگر و اوجاع مفاصل و هر مرضی که سبب آن امتلا باشد نافع است
صفت نمک طعام سی درم فلفل سفید بیست درم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم تخم [illegible]

تخم جرجیر نانخواه نوشادر فلفل سفید فودنه از هر یک ده درم کوفته و بیخته [illegible]
سه درم با آب گرم سفوف دیگر که ورم جگر را نافع باشد صفت هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
از هر یک چهار درم تخم کرفس انیسون رازیانه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم با شیر شتر بنوشند سفوف دیگر که ورم جگر را سود دارد و بول براند
صفت تخم خربزه تخم خیارین از هر یک پنج درم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم
تخم کرفس انیسون رازیانه رب سوس از هر یک دو درم عصاره زرشک
چهار درم ریوند چینی یکدرم لک مغسول چهار دانگ زعفران سنبل مصطکی
افسنتین از هر یک یکدرم کافور دو دانگ شربتی دو درم تا سه درم سفوف [illegible] فربهی
نخود سفید پنجاه درم در سرکه و قدری آب خیسانیده یک شبانروز و خشک کرده و برنج شسته
خشک کرده از هر یک سی درم مغز بادام مقشر سفید شصت درم نان میده
خشک کرده کشک جو گندم از هر یک سی درم خشخاش سفید شکر طبرزد نیم [illegible] سی درم
مجموع در یکدیگر کوفته ممزوج سازند و هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند
سفوف [illegible] از جهت زحیر مجرب است صفت تخم تره تیزک بریان کرده بزرقطونا
بریان کرده ابهل بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم گندنا تخم شبت
خشخاش انیسون تخم کرفس بزرالبنج از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگی مصطکی

کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف میل کنند سفوفی که سلس البول را نافع باشد صفت

طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم سادنج عدس مقشر مغسول تخم خرفه از هر یک پنجدرم

بسد کهربا مروارید ناسفته خشخاش سفید ربسوس اقاقیا عصاره لحیة التیس

از هر یک سه درم بزرقطونا بیست درم افیون دو درم مجموع کوفته و بیخته سوای

بزرقطونا و سفوف سازند شربتی ده درم با آب بارتنگ یا آب برگ خرفه اگر

حرارت قوی باشد کافور سه درم اضافه این ادویه نمایند سفوف حب الرمان

ضعف معده و امعاء و اسهال حراری را نافع باشد صفت انار دانه بریان کرده

ده درم بلوط زیره کرمانی مدبر سماق سنجد کشنیز خشک بریان کرده خرنوب شامی

آردکنار را از هر یک پنجدرم عود خام نیمدرم آمله یکمثقال کوفته و بیخته با آب به

استعمال نمایند شربتی سه درم سفوف الطین که آنرا سفوف النساء گویند

اسهال مراری و دموی را نافع باشد صفت بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو

نشاسته تخم حماض بریان کرده صمغ عربی طباشیر گل ارمنی مساوی کوفته

بغیر از سه تخم اول در یکدیگر بیامیزند و شربتی سه درم با سبوس و مغز بادام

چرب کرده و بگلاب ترکرده فرو برند سفوف ابریشم که بهر اسهال صفراوی و سرفه

وجع و مغص امعا را نافع باشد صفت نشاسته صمغ عربی تخم خطمی تخم خبازی بریان کرده

از هر یک پنجدرم گل ارمنی دو درم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف زرشک تشنگی بنشاند

و ضعف معده را نافع باشد صفت نانخواه سماق زنجبیل انار دانه بریان کرده زرشک

منقی آردکنار را از هر یک دو درم نبات سفید بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال

سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال معدی را نافع باشد صفت سماق ده درم حب الآس

انار دانه بریان کرده از هر یک پنجدرم خرنوب پانزده درم صمغ عربی گلنار از هر یک

دو درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف ... نقرس و مفاصل و عرق النسا را

نافع باشد صفت سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت درم پوست هلیله زرد

مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران نیمدرم سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم

و اگر ماده بلغمی باشد تربد سفید یکمثقال اضافه نمایند و سقمونیا نیمدرم اضافه نمایند

سفوف سرطان مسلول را نافع است صفت سرطان سوخته دو درم

طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید و سیاه مغز تخم خربزه از هر یک

پنجدرم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار شیرین یا شراب خشخاش

سفوفی که سنگ گرده و مثانه از اطفال دفع کند صفت مغز تخم خربزه کوک

صمغ عربی صمغ آلو مساوی کوفته و بیخته شربتی نیمدرم تا یکدرم سفوفی که خفقان

گرم را نافع باشد صفت گل ارمنی کشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر کهربا

از هر یک نیم درم کافور نیم دانگ کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند سفوف ایضا
که از بهر اسکندر ساخته بود طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را
قوت دهد صفت عود خام قرنفل وج اسارون مصطکی هلیله کابلی بلیله
فنجنکشت نارمشک زیره کرمانی دارچینی اشنه فلفل دار فلفل زنجبیل قرنفل
انار دانه جوز بوا کافور قاقله از هر یک دو درم مشک عنبر از هر یک یکدرم
نبات شش وزن ادویه شربتی یکدرم تا سه درم سفوف [illegible] معده سرد را
نافع بود و جگر را قوت دهد صفت لک مغسول حب الآس بلوط مصطکی
عود بلسان پوست انار مازو از هر یک چهار درم زنجبیل کندر از هر یک یکدرم
نبات پنجاه درم شربتی سه درم [illegible] استعمال نمایند و گوشت نخورد سفوفی که فواق
بلغمی را نافع بود صفت فطراسالیون تخم کرفس سعد از هر یک دو درم و نیم فودنج
بولس بر و پسته انیسون فودنه اسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم
وج ترکی نیم درم شربتی دو درم سفوفی که بدی که در جگر و هیج را ببرد صفت
گل سرخ هفت درم زرشک پنج درم سنبل مصطکی عصاره غافث افسنتین رومی
ریوند چینی از هر یک دو درم فقاع اذخر اسارون ربسوس از هر دو درم و نیم
زعفران یکدرم شربتی دو درم با سکنجبین سفوف دیگر که حرارت جگر بنشاند

و خمار دفع کند

و خمار دفع کند و اسهال صفرائی باز دارد و غلبه خون را ساکن کند و کسی را
که آبله بر آمده باشند سود دارد [صفت] ورق گل سرخ ده درم طباشیر
پنج درم سماق تخم خماص عدس مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش
سفید از هر یک پنج درم صندل سفید دو درم و نیم کافور یکدرم شربتی
سه درم با شراب خشخاش یا شراب غوره یا شراب انار [illegible]
خون بسیار که از زخم رود باز دارد [صفت] گل ارمنی گلنار کهربا دم الا
خوین لک مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با [illegible] بکدا انگ افیون
در بکوفته نقیع سماق حل کرده دهند [سفوف] که از جهت بول الدم نافع بود
[صفت] ساذج مغسول دم الاخوین بسد کهربا گلنار شب یمانی تخم خرفه
گل ارمنی گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب سماق
سفوف سورنجان اوجاع مفاصل را نافع بود صفت سورنجان
هشت درم زیره کرمانی بریان کرده فودنه از هر یک دو درم فلفل
یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوف
حجر الیهود درشت کرده و مثانه را پاره پاره کند و بیرون آورد صفت
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنجاه درم خشک

مربی چهار درم حجر الیهود وفلفل از هر یک سه درم تخم کرفس سیسالیوس
فطراسالیون از هر یک یکدرم صمغ عربی کثیرا از هر یک یک مثقال
کوفته وبیخته شربتی دو درم با شراب خشک سفوف حجر الیهود دنسخه
دیکر تخم خلة پانزده درم مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو از هر یک چهار درم ~~حجر الیهود~~ ونیم سیسالیوس دو درم صمغ عربی
کثیرا از هر یک سه درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد وهشت
درم کوفته وبیخته شربتی دو درم با آب تخود سیاه سفوفی که در ساعت شکم
بر بندد صفت ... بلوط سه درم مازو پوست انار از هر یک چهار درم
تخم ... کرد سماق شش درم حب الآس هفت درم کوفته وبیخته شربتی
دو درم با آب سرد سفوف منوم کندر عود خام از هر یک یکدرم خشخاش
دو درم تخم کاهو پنجدرم زعفران دانکی نبات بیست درم کوفته وبیخته
شربتی یکدرم سفوفی که شهوات رویه زنان حامله را دفع کند ومعده را
قوت دهد واشتهای طعام آورد صفت زرنباد تخم کرفس نانخواه
زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر سه درم کنجد مقشر ده درم نبات
نود مثقال کوفته وبیخته سفوف سازند سفوفی که دفع سرعت انزال
کند

44

کندر وقت طباشیر انیسون کندر خشخاش از هر یک یکدرم جوز السرو سه
درم کوفته وبیخته شربتی دو درم بشراب خشخاش سفوفی که مدقوق ومسلول را
وقروح سینه را ونفث الدم را نافعست صفت صمغ عربی نشاسته کثیرا
مغز بهدانه خشخاش سیاه تخم کاهو تخم خطمی از هر یک شش درم صندل
سفید دو درم سکر العشر طباشیر از هر یک سه درم ورق کل سرخ
تخم خیارین مغز تخم کدو عصاره لسان الحمل کل مختوم کل ارمنی کل
فبرسی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته شربتی دو مثقال با
نیم دانک کافور دو درم رب السرطان وشراب خشخاش وشیره
تخم خرفه نافع باشد سفوف دیکر که باد ها دفع کند واستسقاء طبلی را
نافع باشد صفت رازیانه تخم کرفس انیسون اسارون قسطار نو
چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل سعد از هر یک یکدرم
ونیم کوفته وبیخته شربتی یکمثقال سفوف دیکر که اسهال معده را
نافع باشد صفت انار دانه بریان کرده پنجدرم خرنوب شامی وخرنوب
نبطی ~~...~~ وبلوط در سرکه خیسانیده یکشبانروز در سایه خشک
کرده وبریان کرده از هر یک پنجدرم سماق سه درم کوفته وبیخته

آرد کنار ازو
از هر یک ده درم
گشنیز خشک بریان کرده
با پنجدرم صمغ

شربتی دو درم سفوفی که قرحهٔ مثانه را نافع باشد صفت دم الاخوین
سادج مغسول لک تخم کرفس از هر یک نیم درم صمغ عربی یکدرم
مومیائی دو دانگ کاکنج دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم با شراب
خشخاش سفوف لؤلؤی ذوسطاریا و کبدی را نافع باشد و معده و دل را
قوت دهد و حرارت و تشنگی بنشاند صفت مروارید ناسفته چهار درم
بسد سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم گل صندل سفید
بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد لبت کنار
آرد سنجد کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی بریان کرده سماق
زرشک پست جو بریان کرده طراثیث تخم خرفه بریان کرده
بزرقطونا بریان کرده از هر یک سه درم گل مختوم مصطکی از هر یک یکدرم
انار دانه پنج درم کهربا اقاقیا مغسول از هر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته
بغیر از بارتنگ و بزرقطونا سفوف سازند سفوف [illegible] تخم حماض
زرشک بیدانه عجم زبیب کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ خرنوب سیاه
بلوط طباشیر از هر یک یکدرم سماق حب الاس از هر یک دو درم انار دانه
چهار درم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف خرنوب اسهال معدی
و استرخاء

و استرخاء معده را نافع باشد صفت خرنوب نبطی بر دانه زیره
کرمانی مر بر سماق پست کندر حب الاس مصطکی بلوط کشنیز خشک
بریان کرده مساوی کوفته و بیخته شربتی یک مثقال با آب مورد نافع
باشد سفوف البزور بادها بشکند و معده را قوت دهد صفت
کرویا انیسون زیره کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس از هر
دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دارفلفل از هر یک دو دانگ قند
سفید پست مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف حب [illegible]
شکم ببندد و معده را قوت دهد صفت دانه انگور صمغ عربی انار
چهار درم حب الاس سماق از هر یک دو درم مصطکی گلنار از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف که نافع است از جهت
اسهال که با آن سرفه باشد صفت حب الاس شاه بلوط خشخاش
خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو درم
سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت طباشیر صمغ عربی
گل ارمنی حب الاس از هر یک چهار درم بر سیاوشان کندر از هر یک
یکدرم خرنوب شامی مقل مکی از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی

سه درم بشراب خشخاش سفوف دیگر که حرقت بول و وجع کلیه و مثانه را
نافع باشد و بول براند صفت مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو تخم خرفه خشخاش سفید از هر یک ده درم کتیرا نشاسته رب السوس
از هر یک سه درم بزر البنج سفید ده درم قند برابر همه شربتی سه درم
صباح و سه درم شبانگاه بشراب خشخاش سفوف و یا نبطی
صمغ عربی گلنار گل ارمنی سماق بلوط از هر یک پنج درم کتیرا نشاسته تخم
کاهو تخم خرفه از هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی
سه درم باب انار ترش صفوف مورنجان سورنجان ده
درم سقمونیا یکدرم و چهار دانگ کبابه بلیلا قند سفید سی درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوفی که بواسیر و اسهال و زحیر و
مغص را نافع باشد صفت تخم تره تیزک بریان کرده
کرده نود مثقال تیزک بریان کرده بزر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس
بریان کرده گل ارمنی تخم مرو از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یکدرم کوفته
و بیخته سوای تره تیزک و بزر قطونا و تخم مرو سفوف سازند سفوف دیگر
که نافعست از جهت حرارت جگری و یرقان و نفث الدم و سده جگر صفت

46

بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیارین از هر یک چهار درم گل ارمنی لک مغسول
سرخ سنبل اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر نیم درم مصطکی دو
دو دانگ شربتی دو درم باب سرد سفوفی که نافعست از جهت
یرقان و ورم جگر و تپ صفراوی صفت لک مغسول یکمثقال طباشیر
دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگ و نیم کافور دانگی شربتی دو درم
با شراب الو یا شراب تمر هندی سفوف بلوط معده را قوت دهد
و اسهال را باز دارد صفت بلوط شاه بلوط دانه مویز ازرد کنار از هر یک
ده درم خرنوب نبطی حب الآس از هر یک بیست درم کوفته و بیخته شربتی
سه مثقال سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت دانه مرز
تخم حماض صمغ عربی انار دانه از هر یک سه درم حب الآس شاه بلوط
از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوفی دیگر از جهت سرعت انزال که سبب آن حرارت باشد
نظیر ندارد صفت بزرقطونا دو درم تخم خرفه سه درم کشنیز خشک
یکدرم و نیم شربتی یکمثقال سفوف سازند سفوف دیگر که نافعست
از جهت فواق امتلائی صفت تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی

کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف ... از جهت ضعف معده که بسبب اسهال خراره باشد

صفت کهربا گل سرخ از هر یک یکدرم عود دو درم زرشک ده درم

طباشیر آمله از هر یک سه درم سنبل یکدرم زعفران کافور از هر یک دو دانگ

کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار سرشته سفوف ... که رنگرا سرخ کند

صفت ... رو فاء خشک ده درم زعفران سه درم قند سفید سیزده درم کوفته

و بیخته هر روز دو درم سفوف سازند سفوف دیگر که بسیار بکار آید و طحال را

نافع باشد صفت تخم کاسنی کزمازج از هر یک پنجدرم حب الغار یکدرم و نیم

کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین سفوف دیگر که نافعست بجهت وجع گرده

که بسبب اخلاط بارده باشد صفت قسط سنبل قردمانا حماما تخم کرفس مساوی

کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوف دیگر که بول را فزاید صفت لک مغسول

دو درم نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از هر یک چهار درم مرزنجوش اورده ارمنی

از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی هر روز یکمثقال با گلقند بنوشد سفوف دیگر

که همین خاصیت دارد صفت لک مغسول سندروس از هر یک چهار دانگ

مرزنجوش یکدرم زاج زراوند مدحرج جنطیانا از هر یک دانگی و نیم کوفته

و بیخته شربتی دو دانگ سفوف دیگر که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را فع باشد

... فواق که عارض
شود بهانه را در
... وارند ولعاب
انزا فرو برند
بعد از آن بخایند
و فرو برند ساکن
شود و مجرب ...

صفت تخم سداب سه درم فنجنگشت بیخ سوسن از هر یک دو درم گلنار ورق

گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم از آن در دوغ یا آب

غوره حل نموده بنوشد سفوف دیگر که نافعست بجهت قروح گرده و مثانه

گل مختوم دم الاخوین کندر نشاسته مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو رب السوس لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش

بزر البنج مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم بمطبوخ منضج دهند سفوف دیگر که وجع گرده

و مثانه را تسکین دهد صفت بزر البنج دانگی افیون قیراطی مغز تخم خیارین

سه درم تخم کاهو تخم خرفه از هر یک یکدرم کوفته بشراب خشخاش بنوشد

صفت سفوف دیگر که از جهت استرخاء مجاری بول نافعست صفت دارچینی

حماما سنبل از هر یک سه درم ساذج نانخواه زراوند طویل تخم کرفس

شبت مصطکی دو قوسیا لیوس انیسون از هر یک یکدرم مروارید

ناسفته کهربا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی یکدرم با آب گرم یا شراب

کهنه بنوشد سفوف دیگر که در آبستنی معین باشد صفت نشاره عاج نبات

از هر یک یکمثقال زنان سه شب سفوف سازند و شب چهارم مرد با او مجامعت

کند بشرط آنکه بعد از طهر باشد و بعضی گفته‌اند که نشاره عاج را زنان

دو درم

بریان کرده

صفت روز متوالی با ماء العسل بیاشامد و بعد از انزجاع دهد آب سیر شود

سفوف دیگر که بول براند و حرقت بول را نافع باشد صفت مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو و تخم خرفه و خشخاش نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم

بزر البنج دو درم قند سفید برابر همه شربتی سه درم با شراب خشخاش

سفوف دیگر که قی الدم را باز دارد و نافع باشد صفت گل ارمنی گلنار

صمغ عربی دم الاخوین کندر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته باده درم رب بیهٔ بنوشند

سفوف دیگر که شهوت ملین و شهوات ردیه را نافع باشد صفت المغز

تخم کرفس زیره کرمانی از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل یکدرم نانخواه

کوفته و بیخته شربتی هر صباح و شام یکمثقال سفوف دیگر که همین خاصیت دارد

صفت مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقله تخم ... [illegible] وی نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند

سفوف دیگر که صداع گرم و خشک را نافع باشد صفت آب کاهو روغن نیلوفر

از هر یک یکجزو شیر دختران دو جزو بیکدیگر ممزوج سازند و در بینی چکانند

سفوف دیگر که درد بیخ و درد چشم اطفال را نافع باشد صفت کندس حضض

کندر از هر یک یکدرم صعتر زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته گلولها

سازند و بوقت حاجت بشیر دختران با روغن بنفشه بادام در بینی چکانند سفوف دیگر

که صداع بلغمی و ریحی ... و دوار را نافع باشد صفت صبر فرکند رحضض حبه بستر

زعفران صعتر فلفل دار فلفل سفید از هر یک یکدرم کندش دو درم مشک نیم درم کوفته

و بیخته با آب مرزنجوش بسایند و در بینی چکانند سفوف دیگر که صداع حار را

نافع باشد صفت روغن بنفشه بادام روغن نیلوفر روغن کدو آب کاهو آب گشنیز

شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی چکانند سفوف دیگر که فالج و لقوه را

نافع باشد صفت صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در آب چغندر حل کرده

و در بینی چکانند سفوف دیگر که شقیقه سرد را نافع باشد صفت روغن بادام

با آب مرزنجوش در بینی چکانند سفوف دیگر که سرسام و صداع حار را نافع باشد

صفت آب مورد عرق بید صندل کافور بیکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند

سفوف دیگر که صداع بارد را سود دارد صفت جوزبوا درمنه ترکی قرنفل

مرزنجوش از هر یک یکمثقال نشاسته چهار مثقال کوفته و بیخته با آب مرزنجوش

در بینی چکانند سفوف دیگر که خنازیر را نافع بود صفت بسباسه گاوزبان

از هر یک یکدرم خار ... کافور از هر یک دانگ و نیم زعفران نیم درم کندش

دو درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سفوف دیگر که همین خاصیت دارد

صفت دار فلفل با ... شیلم از هر یک یکدرم مشک اصبع تخم فنجنکشت

سفوفی که خون امدن از بن
دندان و سستی گوشت
بن دندان و جنبیدن
و همه انواع امراض را
نافع بود صفت
مازوی سوخته با سرکه اعشبه
گلنار شب یمانی گل سرخ
عاقرقرحا کزمازو سماق
نمک سوخته اقاقیا الرمان
مصطکی توتیا نشاسته
استخوان هلیله زرد فسل
ساذج هندی زبد البحر
دار فلفل قاقله عود سوخته
... سوخته سلیخه حب الاس فوفل قرنفل کوفته
و بیخته بر و ... افشانند

۸۵۱

از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوط ... که فالج و لقوه و شقیقه
و جمیع امراض بارده رطبه را که در سر بود در چشم نافع باشد سعوط دارد صفت
حضض مر از هر یک ده درم عدس مقشر از هر یک پنجدرم صمغ عربی سداب
زرنیخ جاوشیر جند بیدستر شونیز از هر یک سه درم نبات زعفران از هر یک دو
درم فرفیون صبر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص قرصها سازند هر یک
مقدار عدسی و در وقت حاجت یکی از آن با آب مرزنجوش و روغن بنفشه یا بادام
سائیده در بینی چکانند سعوط دیگر که رعاف را نافع باشد صفت کاغذ سوخته
پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو بسرکه انداخته و سوخته پوست انار ترش کندر قرص سوخته
شادنج مغسول کافور از هر یک قدری کوفته و بیخته با آب بادروج در بینی چکانند سنونی که ضعف اسنان را
نافع باشد صفت سعد ریحان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله زرد صندل سفید گل سرخ مساوی
کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که همین خاصیت دارد صفت پوست هلیله زرد نمک هندی
از هر یک پنجدرم قرنفل پانزده درم دارچینی سعد از هر یک سه درم شب یمانی سماق از هر یک
دو درم عاقرقرحا هفت درم نوشادر دارفلفل آمله زعفران از هر یک یکدرم گل کرسنه مثقال فاقله
گلنار از هر یک چهار درم زرنباد ... درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنون دیگر که حافظ صحت اسنان است صفت شاخ گوزن سوخته کزمازج سعد

سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یکدرم کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که دندانرا
از چرک پاک کند و دندان متحرک را محکم کند صفت گلنار شب یمانی آمله اقاقیا مساوی
کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که همین خاصیت دارد صفت گلنار شب یمانی کزمازج مساوی
کوفته و بیخته با سرکه ترش کنند و در سایه خشک کنند و دیگر باره بکوبند و سنون سازند سنون دیگر
که نافع است از جهت درد دندان که بسبب تری بود و در لثه باشد صفت تخم خرفه کشنیز خشک
سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا کافور مساوی کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند
بعد از آن که سرکه و گلاب را یکساعت در دهن نگاه داشته باشد سنون دیگر که بیخ دندانرا
سخت کند و خون باز دارد صفت شاخ گوزن سوخته نمک اندرانی سوخته پوست
هلیله زرد گل سرخ از هر یک دو درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته بر لثه افشانند سنون دیگر
که دندان را محکم کند و خون رفتن باز دارد صفت پوست هلیله پوست بلیله آمله
مقشر گل سرخ گلنار اقاقیا شب یمانی قرطم طباشیر عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته سنون سازند سنون دیگر که خون رفتن بیخ دندان باز دارد
صفت شب یمانی سوخته یکدرم نمک سنگ بریان کرده دو درم سماق سه درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنون دیگر که بوی دهن خوش کند صفت مرا ابهل خوردو المرو
عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون دیگر که ناصور ... بن دندان ...

باصلاح آورد صفت سنون سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی کلنار مازو سماق از هر یک
دو درم کوفته وبیخته سنون سازند سنون دیگر که زردی و سیاهی از دندان ببرد صفت
کرمازج زنجبیل زبد البحر دار فلفل قاقله از هر یک دو درم نمک بریان کرده ده درم
جو سوخته هفت درم کوفته وبیخته استعمال نمایند سنون یمانی خون رفتن از لثه
بازدارد و بوی دهان خوش کند صفت شب یمانی پنج درم پودنه کوهی ده درم کوفته وبیخته
[illegible] که سبب [illegible] رطوبت باشد
سنون سازند سنون یمانی دیگر فلفل دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا
زنجبیل مویزج از هر یک یکدرم کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی که بیخ دندانرا محکم کند و بوی
دهن خوش کند صفت سعد گل سرخ از هر یک پنج درم کلنار کرمازج فوفل از هر یک دو درم
دم الاخوین کندر قرنفل نمک اندرانی مصطکی پودنه سوخته از هر یک دو درم عود خام یکدرم
کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی که بیخ دندانرا سخت کند و خون رفتن بازدارد صفت
پوست انار ترش ده درم شب یمانی هفت درم عاقرقرحا گل سرخ کرمازج سماق
از هر یک چهار درم نمک اندرانی پوست هلیله زرد از هر یک دو درم کوفته وبیخته سنون سازند
سنونی که خون رفتن از بیخ دندان بازدارد صفت کاکنج هندی فوفل کلنار گل سرخ
سماق دم الاخوین مساوی کوفته وبیخته شب بپاشند و صباح بگلاب و سماق مضمضه کنند
سنون دیگر که دندان سیاه شده را سفید کند صفت پوست هلیله زرد ده درم

فلفل چهار درم حماما سه درم ساذج هندی دو درم مازو سوخته هشت درم کوفته وبیخته
بر دندان مالند سنونی که لثه را محکم کند و نشف رطوبات کند صفت کلنار ده درم
نوشادر دو درم مویزج سه درم مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک
[illegible] و سوخته ده درم کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی که دندانرا جلا دهد
و لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفت شب یمانی سوخته دو درم شاخ سوخته
نمک اندرانی زبد البحر جو سوخته چوب تاک سوخته از هر یک چهار درم کوفته وبیخته سنون سازند
سنونی که خون بازدارد و لثه محکم کند صفت گل گز آمله مقشر از هر یک سه درم
عصاره لحیة التیس گل مختوم الابل از هر یک یکدرم دارچینی نیم درم کوفته وبیخته سنون سازند
سنونی دیگر که دندانرا سفید گرداند و بوی دهن خوش کند صفت زبد البحر ده درم
نمک بریان کرده دو درم عود سوخته سفال چینی سوخته کرمازج عاقرقرحا قرنفل
ساذج گل سرخ سعد سماق از هر یک پنج درم زراوند طویل حب الآس از هر یک
سه درم کوفته وبیخته در دندان مالند سنونی که چون در محل داروی تاکند
مالند و بر دهن و بن دندانها افشانند منع جوشش دهن کند و اگر دهن جوشیده باشد
باصلاح آورد صفت زراوند مدحرج برگ مورد کندر سعد بیخ سوسن
کلنار دم الاخوین مازو مساوی کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی که قلاع

نافع باشد و بوی دهن خوش کند و بیخ دندان محکم کند صفت شیاف ما میثا
تخم گل لسان الحمل پوست هلیله زرد گلنار برگ زیتون گزمازج شب یمانی مساوی
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که آکله و ناسور بن دندان را نافع باشد
و خون رفتن باز دارد [illegible] نوشادر بیخ کوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که همین خاصیت دارد صفت بیخ سوسن
عاقرقرحا از هریک یک درم گلنار شب یمانی مازو سماق از هریک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که دندان متحرک را محکم گرداند صفت توتیا شب یمانی مرزنجوش سماق گل سرخ
پوست انار ترش استخوان هلیله زرد زرلک گلنار گزمازج مازو مساوی کوفته و بیخته
بر بیخ دندان افشانند سنونی بنجان که آکله دهن و لثه را نافع باشد صفت پوست انار ترش
و شیرین از هریک سی درم مازو گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هریک ده درم سماق یازده درم
نمک هندی نوشادر از هریک پنج درم کوفته و بیخته با سرکه سرشند و گلولها سازند
و بسایه خشک کنند و در وقت حاجت دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند
سنونی دیگر بنجان استرخاء و ورم لثه را نافع بود و دندانها را از چرک پاک کند صفت
مازو ... پوست انار ده درم گلنار زرد چوبه سماق شب یمانی از هریک یک درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند باب الشین شراب افسنتین معده را از اخلاط فاسده پاک سازد

51

صفت افسنتین رومی پنج درم ورق گل سرخ بیست درم زبد بغداد ده درم در دو من
آب جوشانیده و پالایند و یک من قند اضافه نمایند و بقوام آورند شراب افسنتین
دیگر معده ضعیف و جگر سرد و سپرز را سود دارد و طبع را نرم کند و بادهای
روده را دفع کند صفت افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی درم
در دو من آب بپزند تا به نیمه آید و با یک من قند شربت سازند شراب افسنتین دیگر
افسنتین پنجاه درم انیسون گل سرخ سلیخه اسارون از هریک ده درم مصطکی سنبل
از هریک هفت درم در دو من آب بجوشانند بغیر از مصطکی و صاف کنند و
با یک من و نیم قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی را صلایه نموده با آن ممزوج سازند
شراب افسنتین که معده را از صفرا پاک کند و سوء المزاج گرم را زایل کند
صفت ورق گل سرخ هفت درم شاهتره افسنتین از هریک پنج درم آلوی سیاه
بیست عدد تمر هندی بیست درم مویز منقی سی دانه در دو من آب بپزند
تا بنصف آید صاف کنند و نیم شکر داخل کنند و بقوام آورند شربتی
ده درم با یک درم صبر سقوطری بنوشد شراب [illegible] سرفه کهنه را بغایت مفید باشد
و سینه را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را نافع باشد صفت انجیر سفید
شش وقیه در قدری خل خمر و آب بخیسانند تا سه روز پس بجوشانند و صاف ...

وصاف کنند و دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند شراب فواکه معده را
قوه دهد و قی باز دارد و دل را قوی کند صفت آب به آب سیب آب انار ترش
و شیرین آب امرود از هر یک یکجزو آب زرشک آب سماق آب غوره آب زرور
از هر یک نیمجزو بجوشانند تا ثلث بماند بمقدار قند که لغاف باشد اضافه نمایند
و بقوام آورند شراب انار ترش [illegible] قی باز دارد و دفع ضعف کند و معده را
قوه دهد آب انار ترش دو من نعناع تازه دو شاخه عود خام مصطکی از هر یک
دو درم پوست بیرون پسته پنج درم کوفته در آب بجوشانند سوای مصطکی تا به نیمه
آید صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند
شراب منعنع فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را قوه دهد صفت
انار ترش و شیرین با تخم بکوبند و آب آن بگیرند دو من و یکمن قند و یکوقیه آب نعناع اضافه
کنند و بقوام آورند شراب آلوی سیاه مسهل صفرا و بلغم دفع کند صفت آلوی سیاه صد عدد
تمر هندی یکچارک تربد سفید و بنفشه از هر یک بیست درم درکیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند
تا بیکمن آید و نیک بمالند و بپالایند و یک من ترنجبین صاف کرده اضافه کنند و بر آتش
بسرشند و بپزند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در آن حل کنند شراب خشخاش
منع نزلات کند و رشح سینه و شش را نافع باشد و بیخوابی زایل کند صفت خشخاش

بزرگ با پوست صد عدد نیم کوفته کنند و با دو من و نیم آب باران بپزند و بپالایند و با یکمن
و نیم قند شربت بپزند و اگر از خشخاش بی پوست بپزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و با یکمن
قند بقوام آورند اما اولی آنست که با پوست بود [illegible] معده و دل را قوت دهد و مفرح
بود و قی را ساکن کند و اسهال صفراوی را باز دارد [illegible] سیب اصفهانی اندرون و بیرون
پاک کرده در هاون چوبین یا سنگین کوفته آب آن بگیرند ده من و بجوشانند تا بدو من آید و
یکمن قند اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید شر[illegible] به دل را قوت دهد و معده را قوی گرداند
و اشتهای طعام آورد و قی و غثیان باز دارد [illegible] به ترش و شیرین اندرون و بیرون
پاک کرده آب آن بگیرند و هر چه من آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند [illegible]
اسهال صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد
ریباس را سر و دنبال بکارد چوبین بگیرند و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند
تا به ثمنی آید و زمانی بگذارند و دیگر باره بپالایند و هر یکمن قند اضافه کنند و بقوام آرند
[illegible] صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع
بود صفت آب حماض نخل پنج مثقال قند سفید یکمن شربت بپزند چنانکه رسمست [illegible]
قوت دهد و اشتها آورد و صفرا بشکند و قی باز دارد و هاضمه را قوی گرداند و دفع
خمار کند صفت [illegible] ماننده حماض است [illegible] تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد و درد سر

که از گرمی بود ساکن گرداند صفت آب برنج یکمن بجوشانند تا به نصف آید و کف زرد
آن بردارند و با دو من قند بشربت پزند شربت [illegible] تشنگی بنشاند و تب گرم را سود
دارد و خمار را دفع کند صفت آب غوره بگیرند و زمانی بگذارند و دیگر باره بپالایند و بهر
یکمن یکمن قند سفید اضافه کنند و بشربت بپزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی
دهن خوش کند و هاضمه را قوی گرداند صفت عود هندی آمله مقشر از هر یک ده درم
سنبل قرنفل مصطکی جوز بوا از هر یک دو درم مجموع نیمکوفته در کیسهٔ کتان بندند
و در سه چهار یک گلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند تا قوت آن بگلاب دهد و یکمن
قند بقوام آورند و فرو گیرند و نیم درم مشک خالص سوده در آن حل کنند شراب حب الآس
معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت حب الآس امرود خشک از هر یک
پنجاه درم قرطاطر اثیث از هر یک ده درم آب به و آب سیب و آب انار از هر یک
یکمن داروها کوفته و بیخته در این آبها بجوشانند تا ثلثی آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند
تا بقوام آید شراب حب الآس دیگر اسهال با سرفه را نافع بود صفت حب الآس یکمن
و بجوشانند تا نیک مهرا شود و بپالایند و بهر دو جزو از آن ده جزو قند اضافه کنند و اگر
قدری طباشیر سفید سوده در آن حل کنند بهتر باشد شراب دینار طبع را نرم کند و جگر و
دل را قوة دهد و سده بگشاید و استسقاء و ذات الجنب را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت

53

105

53

تخم کاسنی بکوفته ورق گل سرخ از هر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم نیلوفر

وگاوزبان از هر یک ده درم تخم کشوت در کتان بسته بیست درم بجوشانند تا مهرا

شود و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال ریوند چینی نیکو

سائیده در ان حل کنند مرفع بلغمی را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط پاک

کند و ربو و ضیق النفس را سود دارد صفت عناب سی دانه سبستان سی دانه

انجیر سفید بیست دانه بنفشه چهار درم پرسیاوشان هفت درم تخم خطمی تخم خبازی

از هر یک پنج درم اصل السوس و زوفا از هر یک هفت درم بجوشانند و پالایند و یکمن

قند اضافه کنند و بعضی پنج درم فراسیون داخل میکنند شراب ... طبع را

نرم کند و صفرا بنشاند و معده را قوت دهد و دق را باز دارد صفت صندل سفید سوده

بیست مثقال در گلاب خیسانیده یک شبانروز روز دیگر اندک جوشی بدهند و ...

آن بگیرند و با یکمن قند شربت پزند شربت ... کرده و مثانه را نافع باشد و منی

بیفزاید و باه را قوت دهد و درد پشت را زایل کند صفت بخور خوب دو من ...

آب بپزند تا یکمن آید و باز یکمن نخود سفید در پنجمن آب بپزند تا یکمن و نیم آب ... ده درم ...

بمالند و صاف کنند و یکمن و نیم عسل صاف بر سر آن کنند و دارچینی و قولنجان و قرنفل

و سنبل الطیب از هر یک یک درم زعفران پنج درم ... کنند و در آن اندازند

چهل درم افتیمون ...

صفت ... بجوشانند و آب اورا بگیرند و یکمن قند اضافه نموده بقوام آورند

شراب صندل ... دل را قوت و صفا ... و جگر را نافع باشد و تشنگی بنشاند

سیر و بجوشانند تا بقوام آید شربتی بجهت سعال ... ذات الجنب و ذات الریه
و تب و سرفه و صداع و درد چشم و درد گوش کی گرده را نافع باشد و بول
براند و سینه را گرم کند صفت شربت بنفشه تازه یکچارک بجوشانند و صاف
کنند و با یکمن قند بقوام آورند و اگر بنفشه تازه نباشد یکوقیه بنفشه خشک
کنند و باید که بسیار بجوشانند شربت نیلوفر صداع حار و تبهای صفراوی
و سرفه و ذات الجنب و ذات الریه را نافع بود صفت گل نیلوفر یکوقیه و اگر تازه
بود یکچارک بجوشانند و با یکمن قند شربت سازند شراب عناب ماشرا و آبله
و حصبه و درد سینه و سرفه کی از غلبه خون باشد نافع بود صفت عناب یکچارک
در دو من آب بجوشانند و بدست بمالند و صاف کنند بی مبالغه و با یکمن قند
بقوام آورند شراب گاو زبان دل را قوت دهد و سودا وی مزاج بغایت نافع بود
صفت آب گاو زبان تازه با یکمن قند بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند
و بیست مثقال گلاب در آن ریزند و فرو گیرند و اگر گاو زبان تازه نباشد
یکچارک گاو زبان خشک کنند شراب بادرنجبویه دل را قوت دهد و خفقان سرد را
نافع باشد و توحش سوداوی را زایل کند صفت ... بادرنجبویه تازه بستانند
و آب بگیرند نیم من و با یکمن قند بقوام آورند و اگر تازه نباشد پنجاه مثقال خشک کنند

شراب هلیله اوجاع مفاصل و تبهای کهن را نافع باشد و طبع را نرم کند صفت
هلیله زرد صد عدد نیم کوفته و بیخته کنند و در ظرفی کنند و آب بر سر آن ریزند
و نگاه دارند و دیگر آب بر سر آن ریزند و سه روز دیگر در آفتاب گذارند و آب
اول و دویم با هم بیامیزند و صد و پنجاه درم ترنجبین در آن حل کنند و صاف کنند
و بر آتش گذارند و بقوام آورند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در آن سوده حل کنند
شرابی که فواق بنشاند خاصه آنچه پس از طعام آید صفت زیره کرمانی
انیسون فودنه کندر را از هر یکی ده درم در دو من آب بجوشانند تا بنصف آید
صاف کنند و جرعه جرعه بنوشند شراب هلیون ریگ گرده و مثانه پاک کند
صفت هلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند
بقوام آورند معده و جگر را نافع بود و بادها دفع کند و مفاصل را آسوده
دارد صفت پوست بیخ کاسنی سی درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یکی بیست درم
رازیانه تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر یکی ده درم تخم کشوث در کتان بسته پنج درم
بجوشانند و صاف کنند با یکمن و نیم قند بقوام آورند شراب ورد مسهل صفرا
و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت ورق گل سرخ تازه نیم من در نه من آب
بجوشانند تا هفت من آید صاف کنند و نیم من دیگر برگ گل در آن بجوشانند

ودیگر صاف کنند چند نوبت چنین کنند تا بیکمن آید صاف کنند و با یکمن
قند بقوام آورند شربتی سه درم باده درم سکنجبین وآب یخ یا برف بسرشند
شراب توت درد گلو و خناق را نافع باشد صفت آب توت سیاه بگیرند و صاف
کنند و بجوشانند تا بنیمه آید و به هر پنج رطل از آن آب سه رطل قند صاف
اضافه و بقوام آورند [illegible] جگر را قوة دهد و تشنگی بنشاند
صفت آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند تا بنیمه آید و هر یکمن از آن آب
یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب [illegible] درد معده و اعصاب را سود
دارد و خفقان باز دارد و ازیل کند صفت عسل ده درم درد و من آب بجوشانند
و کف بردارند و بقوام آورند و عنبر و زعفران سوده از هر یک یکمثقال
اضافه نمایند شربتی پنج درم شراب [illegible] معده را قوت دهد و امراض
بلغمی را نافع باشد و پیرانرا موافق بود صفت عسل یکمن قند یکمن در دو من آب
بجوشانند و بقوام آورند و یکمثقال مشک و یکدرم زعفران سحق اضافه نمایند
شربتی سه درم [illegible] که نافعست جهت اسهال دموی و ضعف معده
صفت رب به شیرین سی مثقال کهنا رعذبه آمله صندل سفید حب الآس
از هر یک یکمثقال گلاب قند سفید از هر یک بیست مثقال بطریق معهود

شربت سازند شراب [illegible] جگر و دل و احشا را قوت دهد و باه را زیاده کند
و نشاط آورد [illegible] ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران خیسانیده شبانروز
و در دیگی سنگی بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند و خولنجان و وج مصطکی از هر یک
سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده اضافه کنند و با یکمن قند بقوام آورند
شربتی چهار درم شراب اسطوخودوس صرع و ماخولیا و صداع بارد و جمیع امراض
دماغی که بسبب برودت باشد سود دارد صفت اسطوخودوس پرسیاوشان
عود صلیب از هر یک پنج درم اصل السوس گاوزبان رازیانه بوزیدان
بیخ کرفس تخم خطمی بنفشه گل سرخ از هر یک سه درم سپستان پانزده دانه
خیسانیده و صاف کرده با یکمن قند بقوام آورند [illegible] پوست بیخ
کبر پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست مثقال انیسون تخم کرفس رازیانه
نانخواه ماهیزهره سورنجان از هر یک ده درم پوست بیخ کرفس بیست درم
قند سفید یکمن بطریق معهود شربت سازند شراب [illegible] مواد غلیظ را
نضج دهد و سده بگشاید و بادها بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده
جگر و معده را نافع باشد صفت پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ
از هر یک سی درم پوست بیخ کبر پانزده درم رازیانه تخم کرفس تخم کاسنی

از هریک پنج درم انجیر زرد پنج دانه مویز منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل
اسارون کبابه از هریک ده درم قند سفید یکمن شربت سازند حاکم کرسمند
شراب [illegible] را نافع بود و باه را قوت دهد صفت کرز پاکیزه شسته
[illegible] ده درم عرسرو بن بیندازند در دیگ سنگی اندازند و آب برآن
آن ریزند و بآتش نرم بپزند و بگذارند تا سرد شود پس سر دیگ بگشایند
و نیک بمالند و آب آن بستانند صاف کنند و برابر آن عسل در دیگ کنند و سنبل
خولنجان قرنفل دارچینی از هریک یک درم زعفران نیم درم مجموع نیم کوب در کیسه
کنند و در دیگ اندازند و هر لحظه بدست بمالند و بجوشانند تا بقوام آید شراب
[illegible] اسهال دموی و نفث و سیلان طمث را نافع بود و معده و جگر
گرم را قوت دهد صفت صندل سرخ و سفید سائیده از هریک پنج مثقال
انجبار هفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید نیم من بطریق معهود شربت
بزنند شراب آمله مقشر سه مثقال حب الآس دو مثقال پوست بیخ انجبار
گلنار گل سرخ تخم حماض از هریک دو درم رب به شیرین و گلاب از هریک ده درم
بیست مثقال شراب صندل سی مثقال بدستور معهود شربت سازند شراب
که از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی را نافع باشد صفت تخم کاسنی تخم خرفه

تخم بادرنجبویه از هریک ده درم گاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم و نیم
ابریشم ساده ده درم و نیم اصل السوس پنج درم رازیانه بسفایج از هریک سه درم و نیم
در شش مثل ادویه گلاب و دو مثل ادویه آب سیب شیرین بجوشانند تا ثلث آید
با یکمن قند شربت سازند شراب قند بلغم را دفع کند و سرد مزاج را نافع باشد صفت
زنجبیل دارچینی از هریک پنج درم هیل قاقله از هریک ده درم قرنفل یک درم مجموع
کوفته در هفت رطل آب بجوشانند تا به پنج رطل آید صاف کنند و با یکمن قند سفید
بقوام آورند و نیم درم زعفران سائیده اضافه نمایند شراب [illegible] معده
و جگر را گرم کند صفت مصطکی سنبل دارچینی قاقله عود هندی جوزبوا از هر
یک درم قرنفل نیم درم مجموع را نیم کوفته در سه رطل آب بقوام آورند شراب
تمر هندی صفت آلوی سیاه تمر هندی بیدانه از هریک پنجاه عدد در شش
رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید صاف کنند و آب انار ترش و شیرین و آب
لیمو از هریک نیم رطل اضافه نمایند و با یکمن قند بقوام آورند شراب غوره
سرعت انزال را نافع باشد صفت آب انگور خام شش رطل سماق گلنار مازو
گل سرخ کشنیز خشک کندر سعد از هریک ده درم زعفران [illegible]
از هریک یک درم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تا بثلث رسد صاف کنند

واستعمال نمایند ... مقوی اعضای رئیسه است و لسان و امراض

بلغمی و سوداوی را نافع باشد و باه را قوه دهد و پیران را موافق باشد صفت

آب انگور صد من به شیرین سه من سیب اصفهانی دو من گلاب نیم آب خالص

ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب کبابه دار فلفل خیربوا خولنجان

از هر یک پنج درم عود خام لباسه دواله از هر یک سه درم زعفران دو مثقال

مشک نیم مثقال عنبر نیم مثقال سیب و به را در آب انگور بجوشانند تا محرا شود

بعد از آن برکشند و صاف کنند و مشک و زعفران و عنبر را در گلاب حل کرده

اضافه نمایند و ادویه نیم کوفته در کیسه کنند و در محل جوشانیدن کیسه را در دیگ

اندازند و بدست بمالند تا شیره باز دهد و چون شیره انگور را در خم ریزند بعد از

ششماه استعمال نمایند ... معده را قوه و هاضمه را قوی گرداند

و لون را نیکو گرداند و بواسیر را نافع باشد صفت تخم کرفس رازیانه زیره کرمانی

انیسون نانخواه انجدان صعتر کاشم کرویا کشنیز خشک فلفل دارفلفل کندر

دارچینی سنبل قرفه جوزبوا تخم جرجیر تخم پیاز سعد زنجبیل از هر یک یک مثقال

خبث الحدید ده مثقال در مقابل ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید صاف

کنند شربتی هر روز سه مثقال بنوشد شراب ریحانی نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد

و معده را قوه دهد و پیران را موافق باشد ... شیره انگور صد من در خم

ریزند و شش من قند اضافه نمایند و دارچینی قرنفل لباسه جوزبوا از

هر یک ده درم مجموع را نیم کوفته در کیسه کرده در خم اندازند و سر خم را بگیرند

و بعد از ششماه استعمال نمایند و باید که اول خم را پاک کنند و اندرون موم

گداخته بگذارند و به مشک و عنبر خوشبو گردانند ... که معده و دل را قوت دهد

و امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد صفت آب سیب سه رطل آب به

دو رطل در دیگ سنگی کنند و قرنفل یک درم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان

بادرنجبویه گل سرخ از هر یک سه درم کوفته در کیسه بسته در دیگ اندازند

و آب سیب و به بجوشانند تا به نیمه آید در خم ریزند و شراب ریحانی دو من بر بالای او ریزند و قند

یک رطل و نیم اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز در آفتاب بگذارند و بعد از آن صاف

نموده استعمال نمایند ... سلاق و غلیظ اجفان و آخر مد را نافع بود شادنج

عدسی مغسول ده درم مس سوخته شش درم ... مروارید ناسفته ساذج هندی از هر یک چهار درم

صمغ عربی کثیرا مر صافی از هر یک ده درم دم الاخوین زعفران از هر یک یکدرم صلایه کرده شیاف

سازند ... شادنج مغسول شش درم صمغ عربی کثیرا مر صافی از هر یک ده درم

دم الاخوین و زعفران مر از هر یک دانگی و نیم کوفته و بجز بیخته شیاف سازند ...

جرب و سبل و بیاض را نافع بود صفت زنگار سه درم اقلیمیا الفره اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک ده درم اشق را در آب سداب حل کنند و باقی داروها را کوفته و بجریره بیخته با آن لبسرشند و شیاف سازند [illegible] کمنه و جرب و سلاق را نافع بود صفت شادنج مغسول ده درم صمغ عربی زنگار و قلقطار سوخته از هر یک پنج درم مس سوخته چهار درم افیون زعفران از هر یک یکدرم با آب رازیانه لبسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض افیونی رمد را نافع بود و درد و ضعف را بنشاند و تجدید برکند صفت سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی پنجدرم افیون و کثیرا از هر یک یکدرم بسفیده تخم مرغ لبسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض ابتداء رمد را نافع بود صفت سفیداب ارزیز هشت درم انزروت مربی بشیر خر کثیرا از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر ظفره و طم را ایدر را نافع بود صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی و مس سوخته از هر یک شش درم قلقطار سوخته زنگار از هر یک دو درم با آب رازیانه سرشته شیاف سازند

باد‌ها را پراکنده کند و آماس ملتحمه را بنشاند صفت مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم اقاقیا دو درم کثیرا صمغ عربی و سنبل و زعفران از هر یک یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف اسود نافعست باد‌ها را که در چشم و جفن بود کشیدن و طلا کردن نافع بود صفت مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم مر و اقاقیا زعفران

شیاف مامیثا

سماق را بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن اسفیداج ارزیز بگیرند و کافور ربع جزو کثیرا سدس جزو و در بعض نسخه‌ها کافور ندارد و بعد از فصد و اسهال و حجامت بکار دارند

58

شیاف مامیثا از هر یک یکدرم و نیم مر و ارزیز یا عنبر بسد از هر یک یکدرم اقاقیا پنجدرم کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند شیاف اخضر [illegible] قرحه و مده غلیظ را نافع باشد صفت سفیداب ارزیز هشت درم افیون انزروت مربی کثیرا از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم با آب باران شیاف سازند شیاف ار قرحه و موسرج را نافع باشد و حرارة بنشاند و جفن را پر سازد صفت اقلیمیاء طلا سفیداب ارزیز مس سوخته سرمه اصفهانی صمغ عربی کثیرا اسرب سوخته از هر یک هشت درم افیون از هر یک یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف ابار دیگر منفعت او قریب بمنفعت اولیست صفت آنار سوخته سرمه اصفهانی توتیا مس سوخته کثیرا صمغ عربی از هر یک شش درم افیون پنجدرم کوفته و بیخته شیاف سازند و بعضی اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک شش درم کندر چهار درم اضافه می‌کنند شیاف کندر قرحه و سره را نافع باشد و گوشت برویاند صفت اشق انزروت از هر یک پنجدرم کندر ده درم زعفران دو درم اشق را در لعاب حلبه حل کرده و باقی ادویه کوفته و بیخته شیاف سازند [illegible] که ابتداء رمد را نافع باشد صفت خربق سیاه بلوقیه فلفل نیم وقیه اشق یکدرم با آب ترب شیاف سازند

شیاف روشنائی جرب وظفره را نافع باشد و انتشار و ابتداء نزول آب را نافع است

صفت اقلیمیاء نقره اقلیمیاء طلا مردارسنگ شسته از هر یک دو درم کافور مشک

از هر یک دانگی صلایه کرده با آب باران شیاف سازند شیاف اصفر بنوع

دیگر هلیله زرد توتیاء هندی از هر یک پنج درم فلفل صمغ عربی از هر یک سه درم

زعفران یکدرم با آب باران شیاف سازند شیافی که جرب و خارش

و سوزش چشم و ظفره را نافع است صفت سماق سی مثقال با آب باران بپزند و صاف کنند و باز بجوشانند

تا غلیظ شود و بگذارند تا سرد شود و ده درم صمغ عربی در آن بسرشند و شیاف سازند

و بعضی آب سماق را می‌جوشانند تا غلیظ شود و سماق با آن سرشته شیاف می‌سازند سبل رقیق

بردارد صفت زردچوبه سادج مغسول صبر سقوطری شیاف مامیثا مساوی کوفته

با آب باران شیاف سازند شیاف وردی صعوبت درد چشم را در حال بنشاند

صفت ورق گل سرخ پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل الطیب دو درم

صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف اسود بنسخه دیگر رمد و حرقه عین و دمعه

و سبل را که با او حرارت باشد نافع بود صفت اقلیمیاء طلا سفیداب ارزیز صمغ عربی از هر یک چهار درم

ترمس سوخته سنبل الطیب از هر یک یکدرم و نیم اقاقیا مغسول چهار درم کوفته و بیخته و بعضی را

سوده که با آب عنب الثعلب شیاف سازند شیاف اسطوفسطوفون استرخاء جفن را و تاریکی بصر

وابتداء آب را نافعست صفت اقلیمیاء طلا فلفل سیاه افیون از هر یک چهار درم صمغ عربی شیاف

مامیثا از هر یک هفت درم انزروت و نمک هندی از هر یک نیم درم از هر یک یکدرم بوره ارمنی

چهار دانگ درم با آب رازیانه شیاف سازند چنانکه رسم است شیافی که نافعست جرب و غلظ

جفن و سبل کهنه که با آن حرارت و حمره نباشد و بیاض و تاریکی چشم را زایل کند

صفت افیون اقلیمیاء نقره از هر یک یکدرم سفیداب ارزیز صمغ عربی و زنگار و اشق

از هر یک دو درم با آبی که اشق در آن حل کنند شیاف سازند شیافی که نافعست از برای

ابتداء رمد و درد ساکن کند و خواب آورد صفت شیاف مامیثا هشت درم زعفران افیون حضض

صمغ عربی از هر یک دو درم کثیرا انزروت از هر یک چهار درم جندبیدستر یکدرم کوفته و بیخته

شیاف سازند شیافی که نافعست قرحه حاره جدیده را و چشم را خشک کند و اوشت

برویاند صفت سفیداب ارزیز ده درم کندر انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم کافور

دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف زنگاری جرب و باد سبل را نافع بود صفت

صمغ عربی سفیداب ارزیز زنگار مساوی با آب سداب شیاف سازند شیاف غوره

جرب و حکه و کمنه را نافع بود صفت زنجبیل نیم درم هلیله زرد صمغ عربی توتیاء مغسول از

هر یک ده درم حضض مکی چهار درم زعفران زردچوبه از هر یک ده درم با آب غوره شیاف

سازند صفت صبر کندر گلنار انزروت دم الاخوین سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار

زنگار دانگی و نیم بگلاب شیاف سازند و سوراخ را از چرک پاک سازند و در آنجا چکانند شیاف ورد
قرحه و سحجه و بثره و موسرج و نتو قرنیه و غشیه کهنه المده و رمد کهنه را نافع بود صفت برگ گل تازه
هفتاد و دو مثقال اقلیمیا توتیه محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست و چهار مثقال افیون سرمه
از هر یک سه مثقال زنگار و توبال النحاس و سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرصاف چهار مثقال
کوفته و بیخته باب باران شیاف سازند شیاف دینار رمد سوداوی را نافع بود صفت
سفیداب ارزیز اقلیمیا از هر یک ده درم افسنتین سه از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم بطراق
معهود سازند شیاف اقلیمیا طلا توتیا سفیداب ارزیز سرمه روی سوخته کندر از هر یک ده درم
دم الاخوین افیون از هر یک یکدرم انزروت یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر
قرحه و نتو را نافع است صفت اشق انزروت از هر یک پنجدرم کندر ده درم زعفران
دو درم بلعاب حلبه شیاف سازند شیاف قلقند از برای ظفره نافعست صفت روی
سوخته پنجدرم زنگار دو درم نوشادر قلقند بوره ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ نیم درم سرکه
بسرشند و یکهفته شیاف سازند استعمال نمایند شیاف مرظفره را نافع بود صفت
کندر مرزعفران از هر یک یکدرم زرنیخ پنجدرم شیاف سازند و باب گشنیز تازه در چشم
چکانند شیاف مرارات انتشار و ابتداء رمد نزول را نافع بود صفت زهره کلنگ
زهره بز کوهی زهره باز زهره عقاب زهره کبک مجموع را خشک کرده ده درم
شحم حنظل

شحم حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یکدرم باب بادامن حل کنند و داروهای دیگر
کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازد شیافی که قایم مقام مرارات است صفت
زهره بز کوهی در ظرف سفالین خشک کرده ده درم شحم حنظل پنجدرم سکبینج دو درم فرفیون
نوشادر از هر یک یکدرم با آب سداب یا آب رازیانه حل سازند و شیاف سازند شیاف
علاکحله و جرب و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع باشد
صفت توتیای مغسول شش درم مامیران چینی شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم زنجبیل فلفل
زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد سنبل هندی از هر یک سه درم زعفران دو درم
کثیرا صمغ عربی از هر یک دو مثقال با آب غوره پرورده شیاف سازند شیاف دیگر خیالات
و ابتدای آب را نافع است صفت هلیله حریق سفیداب از هر یک ده درم سکبینج سه درم
بعسل بسرشند و شیاف سازند شیاف دینار جون بونی دیگر سبل و ظفره و جرب را
نافع است و چشم را جلا دهد صفت اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا
و مر از هر یک پنجدرم مروارید ناسفته لسد دم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ نا آب
اقاقیا از هر یک پنجدرم افیون هفت درم زعفران نشاسته روی سوخته از هر یک دو درم
کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که جرب و سبل و ظلم زاید را نافع باشد صفت سادج
هندی شش درم صمغ عربی پنجدرم زنگار سه درم مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک دو درم

افیون مرّ از هر یک بیست درم زعفران پنج درم آب سداب حل کنند و ادویه کوفته
و بیخته بان بسرشند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت زنگار سه درم سفیداب ارزیز
اقلیمیا نقره صمغ عربی اشق از هر یک یکدرم اشق را باب سداب حل کنند و ادویه
کوفته و بیخته بان بسرشند و شیاف سازند شیاف که بثره و قرحه را سود دارد و نشان
قرحه را ببرد صفت شاخ گوزن سوخته شسته سرب سوخته شسته از هر یک چهار درم
توبال مس سوخته شسته دو درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند
چنانکه رسمست و در چشم کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند
و درد پشت را نافع باشد صفت سکبینج مقل جاوشیر اشق نمک هندی بوره ارمنی
شحم حنظل سقمونیا تربد حب النیل مساوی صمغها را باب سداب حل کنند و ادویه کوفته
و بیخته بان بسرشند و شیاف سازند هر یک درمی شیافی که درد پشت و جمیع انواع
مفاصل که سبب آن سردی و بلغم بود نافع باشد صفت سکبینج جاوشیر بوره ارمنی
مقل اشق زنجبیل سورنجان شقاقل شحم حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی
انزروت چندبیدستر زراوند قسط ماهیزهره خشک مساوی کوفته و بیخته باب سداب
تازه بسرشند و شیاف سازند شیافی دیگر که درد پشت و اوجاع مفاصل و بواسیر را
نافعست صفت سکبینج جاوشیر مقل بارزد شحم حنظل بید انجیر بوزیدان

ماهیزهره از هر یک یکدرم بزرالبنج یکدرم و نیم سورنجان تربد از هر یک سه درم
چندبیدستر پنج درم باب کنند تا شیاف سازند شیاف احمر زعفران حضض مر افیون
کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که قولنج بگشاید و طبع نرم کند
صفت بنفشه دو درم خطمی سه درم سنامکی پنج درم نمک هندی یکدرم عسل خیار چنبر
شکر سرخ از هر یک ده درم شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد
صفت بنفشه پنج درم سقمونیا نمک هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی تربد از هر یک
سه درم فرافرون فانید از هر یک پنج درم شیاف سازند شیاف بنفشه بوره ارمنی
ده درم شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ
ده درم شیاف سازند شیاف دیگر ضعف مثانه و سلس البول و فتق را نافع بود
و باه را قوه دهد صفت نارجیل حب الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام کوهی دانه حب الدم
از هر یک دو درم فرفیون چندبیدستر سداب از هر یک سه درم مقل ده درم
باب کنند تا شیاف سازند شیاف دیگر که مقوی باه است صفت فرفیون حلتیت
از هر یک یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که استسقاء طبلی را
نافع بود و بادها دفع کند صفت سداب حرمل رازیانه تخم کرفس تربد سفید بوره ارمنی
از هر یک یکدرم شکر سرخ پنج درم باب سداب شیاف سازند شیافی که حقنه رفتن

از بول بسیار باز دارد صفت کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرمه زاج سفید از هر یک
یکدرم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و شیاف سازند شیافی دیگر
که همین منفعت دارد صفت قنطوریون دقیق [illegible] انزروت
شیاف دیگر که همین منفعت دارد صفت اقاقیا لحیة التیس گلنار گل ارمنی
از هر یک مثقالی زاج سوخته سفیداب از هر یک نیم درم کوفته با [illegible]
با آب خرفه شیاف سازند شیافی دیگر که همین عمل کند صفت عصاره لحیة التیس
اقاقیا جفت بلوط دم الاخوین از هر یک یکدرم سفیداب صدف سوخته
از هر یک نیم درم با [illegible] سرشته شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل
استعمال کنند اگر در اسهال صفراوی باشد و گرم مزاج را موافق بود صفت [illegible]
خطمی صابون رب سوس نمک طعام از هر یک دو درم شکر سرخ پنج درم شیاف سازند شیافی
که اسهال دموی را نافع باشد صفت اقاقیا مورد سرخ برنج بریان کرده مساوی
کوفته و بیخته با آب مورد سرشته شیاف سازند شیافی که شکم ببندد صفت صمغ عربی
گلنار کزمازج بلوط برنج بریان کرده کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی دیگر نافعست
از جهت زحیر و اسهال دم [illegible] صفت صمغ عربی اقاقیا [illegible] مازو [illegible]
کندر گل ارمنی برنج بریان کرده مساوی کوفته با آب مورد یا با آب [illegible] شیاف سازند

شیاف [illegible] بلوط صفت اقاقیا گلنار صمغ عربی کوفته و بیخته با آب مورد بسرشند و شیاف سازند
و پیش از مجامعت استعمال نمایند شیاف دیگر از جهت کرم کوچک که در امعاء سفلی
اطفال باشد سود دارد صفت قنطوریون شحم حنظل نمک هندی مغز [illegible]
مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند [illegible] که بهق ابیض را [illegible]
[illegible] شیلاح تخم ترب قوه خردل کندش کوفته و بیخته بسرکه کهنه ترکنند و در
بالند [illegible] که برص را زایل کند صفت [illegible] قوه کوفته و بیخته
بدرد شراب ترکنند و چند نوبت بالند [illegible] که همین خاصیت دارد صفت
شیلاح عاقرقرحا خردل حضض شونیز گل شقایق [illegible] قوه مساوی کوفته
و بیخته بخمر بسرشته بالند [illegible] که همین عمل کند صفت شیلاح قوه نیل
[illegible] گل سرخ کوفته یک شبانروز در سرکه خیسانیده روز دیگر بالند [illegible]
که بهق اسود را ببرد و برنگ بدن آورد صفت تخم ترب ده درم کندش قسط از هر یک
دو درم بسرکه کهنه بالند [illegible] که رنگ سرخ گرداند صفت زعفران
قوه کندش [illegible] مصطکی مساوی کوفته و بیخته با آب بلبوس [illegible] شب بالند
و صباح باب گرم بشویند [illegible] که نشان آبله و جراحات و ریشها ببرد و برنگ
بدن آورد صفت مرداسنگ شسته بیخ نی کهنه ارد جو برنج [illegible]

حب ایارج قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه و برزکتان بسرشته شب بمالند و صباح بسبوس و آب

گرم بشویند صمغی که همین خاصیت دارد صفت ایرسا قسط مردارسنگ مغسول

شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق بماء العنصر بمالند ضمادی که صلابت

طحال را نافعست صفت مقل ازرق دو درم اشق یک درم آرد باقلا کرسنه

برزک حلبه بابونه نخود اکلیل الملک ترمس سنبل از هر یک نیم درم انجیر بیست چهار درم

کوفته و بیخته بروغن سداب یا روغن بابونه ضماد نمایند ضمادی که نافعست از جهت

اورام حلبه معده و جگر صفت زعفران و صبر از هر یک یکدرم افسنتین سنبل از هر یک

یکدرم و نیم کوفته باب گرم ضماد نمایند ضماد حی العالم نافع بشر از جهت حرارت

و ورم جگر صفت بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل سفید از هر یک

چهار درم قصب الذریره دو مثقال کافور یکدرم کوفته باب کشنیز تازه ضماد نمایند

ضمادی که ورم جگر را نافع است صفت جو کوفته در سرکه خیسانیده پنج درم طباشیر

فوفل از هر یک نیم درم افسنتین ورق گل سرخ قصب الذریره صندل سفید سنبل مامیثا

از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته در لته کتان بسته و بر موضع جگر اندازند

ضماد آرد جو صفت سبوس گندم آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک مساوی

کوفته و بیخته بروغن بنفشه یا بادام ضماد نمایند ضماد دیگر برزک حلبه از هر یک

از هر یک ده درم میعه سائله چهار درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین

نمایند ضمادی که شکم به بندد صفت اقاقیا مرامکه کندر سعد اذخر

سنبل مصطکی از هر یک پنجدرم کعک ده درم کوفته و بیخته باب آس ضماد

نمایند ضمادی که معده بارد را گرم کند و قوة دهد صفت سعد مصطکی

سنبل قسط افسنتین از هر یک پنجدرم اذخر آمله قرنفل دارچینی قصب الذریره

از هر یک دو درم کوفته و بیخته باب بر ضماد نمایند ضمادی که ورم کهنه معده را

تحلیل دهد صفت مقل حب البان تخم کرنب انیسون از هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی

از هر یک پنجدرم موم سه درم روغن ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند

و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد نمایند ضمادی

که همین خاصیت دارد صفت حلبه شیافی خطمی برزک بابونه مصطکی از هر یک پنجدرم

سنبل سعد قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم موم سه درم روغن بابونه پانزده

درم بطریق معهود ضماد نمایند ضمادی که از جهت معده و جگر گرم نافعست صفت صندل سفید

صندل گل سرخ شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته باب عنب الثعلب و قدری از سرکه

ضماد نمایند ضمادی که استسقاء زقی و استسقاء که با آن حرارت باشد نافع بود صفت

آرد جو سعد پشکل گوسفند کهنه بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد نمایند

ضمادی که نفخهٔ طحال را سود دارد و صلابت نرم کند صفت سداب ده درم بوره ارمنی
فودنج از هر یک سه درم اشق هفت درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه ضماد نمایند ضماد اشق
صلابهٔ طحال را سود دارد صفت اشق مقل بوره ارمنی نمک از هر یک چهار درم اشنه
دکر مازج از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد دو درم انجیر ده عدد انجیر
را در سرکه بپزند و اشق و مقل را در ان بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه کنند
و ضماد نمایند ضمادی که وجع رحم و بواسیر را تسکین دهد صفت زعفران افیون
بزر البنج بیه مرغ از هر یک دو درم خطمی پنج درم بزرگ زرده تخم مرغ نیم پخته
یک بیضه بروغن استخوان زردالو ضماد کنند ضمادی که از جهت فتق نافع
باشد صفت جوز السرو دو درم صمغ عربی سعد مر مرزنجوش مازو اقاقیا کندر از هر یک
یک درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت
دارد صفت جوز السرو صبر ورق سداب مازو بابونه مساوی
کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضمادی که همین منفعت
دارد صفت مصطکی کندر اترار وث جوز السرو برگ سرو مرزنجوش بلوط مساوی
کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که توس باز دارد و بغایا و اورام باره را
تحلیل دهد صفت کندر مقل حلبه بزرگ اشق کوفته و بیخته بشراب ضماد کنند

ضمادی که پیکان را از بدن بیرون کشد صفت اشق پیاز نرگس کهنه کوفته و بیخته
بعسل ضماد کنند ضمادی اصطمیخیقون برودت معده و کبد و طحال را سود دارد
صفت افسنتین سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان
زعفران از هر یک دو درم موم سفید هشت درم موم در روغن ناردین یا روغن
قسط یا روغن زنبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن نرم سازند و
ضماد کنند ضمادی که ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد
نافع بود صفت حب الآس آمله عود گلنار برگ مورد پوست
پوست سیب گل سرخ قصب الذریره صندل سرخ و سفید کوفته
و بیخته بگلاب و سرکه و آب سیب ضماد کنند ضمادی
نقرس و اورام حاره را نافع بود صفت صندل سرخ عدس
مقشر فوفل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب
کشنیز بر کاشی ضماد کنند ضماد قطاریون القوه و فالج و صداع و درد چشم
و شقیقه و درد دندان را نافع باشد و نزلات را از چشم منع کند چون
بر صدغین ضماد کنند و چون بر مثانه ضماد کنند بول براند و چون به گزیدگی
عقرب مالند درد ساکن گرداند و چون بر شکم ضماد کنند اورام احشا

بالطبه را نافع باشد صفت برگ شنقتالو حسک و موم سفید از
هر یک سه درم مقل یکمثقال مرداسنگ دو درم ضماد کنند
چنانکه ریمت نمادی که اورام باروه خصیه را نافعست صفت آرد باقلی حلبه بابونه
زیره مویز منقی بروغن کنجد ضماد کنند ضمادی که خنازیر را تحلیل دهد صفت
کبر انجدان رم نانخواه دو درم صبر یکدرم با آب کشنیز تازه ضماد کنند باب فی الطلاء
که از جهت صداع حاره نافعست صفت صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک
سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک دو درم بیخ بسفایج یکمثقال با آب
برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند مفرد رعاف آرد جو گلنار
اقاقیا عصاره لحیه التیس افیون صندل سرخ از هر یک سه درم کافور دانگی
بگلاب ترساخته بر پیشانی طلا کنند طلای دیگر که همین خصیت دارد صفت
اقاقیا سه گل ارمنی گلنار ساده یا کوفته و بیخته با آب مورد یا آب برگ
تاک یا آب لسان الحمل سرشته بر پیشانی طلا کنند
طلای که موا از ریختن نگاه دارد صفت پرسیاوشان لادن ا
افسنتین حب الغار ساوی یکو بند و در روغن مورد بر بند و طلا
کنند طلای که شکستن و شکافتن موی را سود دارد
صفت

صفت برگ حقیقد لعاب بزر کتان و بزر قطونا برجام بر سر و ریش طلا کنند
طلائی که سپوشه سر را برد صفت آب برگ حقیقد چهل درم بوره
ارمنی دو درم زهره گاو یکدرم بعسل سرشته بر سر طلا کنند طلائی که منع
انبات موی کند صفت وزغ را در سایه خشک کرده بسایند و خون
لک پشت نهری خشک کرده و آهک و نوره و مرداسنگ و صدف
سوخته از هر یک قدری باب سرشته چون موی بغل و عانه را برکنده
باشند بران طلا کنند و نیک بمالند و بگر بر انجا موی نروید و جمیع مخدرات
و مرارات همین خاصیت دارد مثل انکه اگر موی از موضعی برکنند و آن
موضع را به بنگ و افیون و شوکران بخته طلا کنند چند بار منع انبات
طلائی نزد رایان با بیب مجرب صفت شیر انجیر و خایه مورچه زبد البحر و زرنیخ
از هر یک قدری بیکدیگر ممزوج سازند و مو برا برکنده سه مرتبه بر آن موضع
طلا کنند منع انبات کند و اگر پیش از بلوغ و انبات عانه این طلا را استعمال
کنند موی از انجا نروید طلائی که مو بر وباند و داء الثعلب را نافع باشد صفت
لادن سوخته چوب کتان گل شقایق با روغن مورد طلا کنند یا برگ مورد
کوفته بالادن و مصطکی بمالند یا فقاع اذخر قرنفل سعد بازرد کوفته و بیخته

بشراب طلا نمایند یا سم الفار سوخته با روغن دنبه بمالند بعد از آنکه بیا رغنصل چند بار

مالیده باشند که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زبد البحر و برنجاسف سوخته بروغن زرد

طلا کنند همین عمل کند طلائی که حکه و جرب یابس را نافع بغایت صفت مغز استخوان زرد آلو

تلخ ریواس از هر یک بیست درم نمک طعام زیبق مغسول از هر یک دو درم

مجموع را درم ماست ممزوج سازند و در حمام طلا کنند طلائی دیگر که همین

خاصیت دارد صفت زیبق مغسول حنا شحم حنظل اقلیمیا نقره

عدس مقشر کوفته از هر یک مساوی و بسرکه و روغن طلا نمایند طلائی

که همین منفعت دارد صفت مغز بادام تلخ سناء مکی مرداسنگ از هر یک

سه درم کنجد ده درم بسرکه و روغن گل طلا نمایند طلائی که از جهت جرب رطب

نافعست نمک پنج درم بسرکه و روغن گل در حمام طلا نماید طلائی که همین منفعت

دارد صفت زرد چوبه بوره ارمنی مرقشیشا از هر یک یکدرم میعه سائله

پنج درم بروغن گل تر سازند و در حمام طلا نمایند و سه ساعت بگذارند

پس بسبوس و آرد گندم و آب گرم بشویند طلائی دیگر که همین خاصیت دارد

صفت کوگرد زرد یکمثقال پیه بز دو مثقال روغن گل ده مثقال پیه را

در روغن بگدازند و کوگرد را صلایه کرده بدان ممزوج کنند و شب بمالند

دیگ عت بگذارند

پس بشویند صح

وصباح

وصباح در حمام بشویند طلائی که همین منفعت دارد صفت زیبق مقتول

پنج درم کندش دو درم زراوند طویل هفت درم بروغن گل سه روز طلا نمایند

طلائی دیگر که همین منفعت دارد صفت عاقرقرحا مویزج خردل حنا زیبق مقتول

کوگرد موم سفید مساوی کوفته بروغن دنبه ممزوج نموده طلا نمایند طلائی

که از جهت جرب نظیر ندارد صفت کوگرد حنا از هر یک یک مثقال پوست هلیله زرد

زیبق مقتول شیطرج هندی از هر یک نیم مثقال فلفل دانگی بروغن دنبه بیست مثقال

بطریق معهود ممزوج نموده شب بمالند و صباح در حمام بسبوس و سرکه و آب گرم بشویند

طلائی که از جهت حکه نافعست صفت تخم خشخاش و اسفناج کوبیده در سرکه

خیسانیده در حمام بمالند طلائی که حکه خصیه را نافع بود صفت شیاف ماميثا

اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر دانگی زعفران یک طسوج

کوفته و بیخته بروغن گل تر کرده طلا نمایند طلائی که قوت باه را نافع باشد

صفت کوکرد دو درم سفیداب یاشت درم مویزج یکدرم بسرکه طلا نمایند

چنانکه رسمست طلائی دیگر که همین خاصیت دارد صفت خربق سفید

چهار درم ترمس صدف سوخته قطرون از هر یک سه درم کوفته و بیخته

بسرکه تر ساخته طلا نمایند طلائی که همین منفعت دارد صفت اشق ترمس

از هر یک یکدرم بوره ارمنی دو درم بسر کهنه سرشته طلا نمایند وبعد ارساعتی
باب گرم بشویند طلای که قلع ثاليل کند صفت ماز وشب یمانی بحم جرجر کوفته وبیخته
بزهر کاو بسرشند وچند نوبت طلا نمایند طلای که سوختگی اتش را نافع بود صفت
عدس مقشر کل سرخ بپزند تا محراشود پس سفیداب وآرد جو وروغن کل بان بیامیزند
وطلا نمایند طلائی دیگر نیلوفر بنفشه بحم کاهو از هر یک سه درم پوست خشخاش
شیاف مامیثا از هر یک دو درم صندل سرخ وسفید از هر یک دو مثقال
کوفته وبیخته باب برک کاهو ترساخته بر پیشانی وصدغین طلا نمایند طلائی که
اسهال وقی باز دارد صفت کل سرخ پنجدرم اقاقیا ماز وکلنار شب یمانی
جوز السرو صندل سرخ وسفید عدس برک مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم
باب به برشکم ومعده وپشت طلا کنند طلائی که ورم حار جگر را نافع بود صفت
بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت درم کل سرخ چهار درم صندل سرخ وسفید
بابونه اکلیل الملک بحم کاسنی بحم کوشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم
ریوند چینی یکدرم سنبل پنجدرم کوفته وبیخته بکلاب وآب کاسنی طلا نمایند طلائی
که ورم حار خصیه را نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک خطمی شیاف مامیثا پوست درخت بیدی
از هر یک هفت درم صندل سرخ وسفید از هر یک سه درم بنفشه دو درم کوفته وبیخته

بکلاب وآب کاسنی طلا نمایند طلائی که افرا طحیض باز دارد صفت کل سرخ
عدس مقشر از هر یک پنجدرم اقاقیا کلنار صندلین از هر یک سه درم کل ارمنی
چهار درم بلوط طباشیر از هر یک یکدرم کوفته وبیخته باب به بر عانه طلا نمایند
طلائی که از جهت بنات الليل نافع بود صفت خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک
چهار درم پوست ریشه بندی ترمس از هر یک یکدرم مر شیاف مامیثا از هر یک یکدرم ونیم
ارد باقلا سه درم کوفته وبیخته باب کرفس طلا کنند طلائی که از جهت سعفه تر
که بر روی اطفال بود نافع بود صفت سفیداب ارزیز سه درم ورق کل سرخ
دو درم کلنار زرده چوبه از هر یک یکدرم کافور طسوجی موم سفید دو درم ونیم
روغن کل ده درم موم را بروغن بگدازند وباقی ادویه کوفته وبیخته بان ممزوج
نموده طلا نمایند طلائی که همین خاصیت دارد صفت اشنان سبز مرداسنگ
از هر یک پنجدرم کل ارمنی حضض مکی پوست انار از هر یک سه درم حنا قیبل
از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک دو درم بکلاب
ترساخته طلا کنند طلائی دیگر از جهت سعفه نافع بود صفت برک مجب
چهار درم حنا مازو از هر یک دو درم بروغن کاو طلا نمایند طلائی که همین منفعت
دارد صفت اب برک چغندر روغن دنبه از هر یک صد درم بجوشانند تا اب برود

و روغن نمایند بعد از ان برگ محلب و حنا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته باب ممزوج نموده طلا نمایند طلائی که از جهت سعفه که در بدن اطفال باشد نافع بود صفت زرده چوب حنا زراوند مرداسنگ پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند طلائی که از جهت سعفه کهنه نافع باشد صفت نمک سوخته زاج سوخته گوگرد خاک زیبق مازو زرده چوبه زراوند مرداسنگ کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه طلا نمایند طلائی که سعفه را نافع باشد صفت نمک اشنان بسرکه تر کرده چند نوبت بمالند و اگر صابون رقی بگلاب بزنند تا کف بردارد بعد از ان پیه بنفشه و موم سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند و یک ساعت بگذارند پس باب گرم بشویند سعفه را مستاصل نماید طلائی که شپش را دفع کند صفت مویزج زراوند شوره از هر یک دو درم زرنیخ سرخ یک درم و نیم زیبق مقتول یک درم بسرکه و روغن گل طلا نمایند و اگر بدن را بروغن کافیشه چرب کنند و بابی که در ان گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند بشویند بغایت نافع ظاهر بود طلائی که همین خاصیت دارد صفت مویزج زراوند طویل زرنیخ سرخ مساوی بروغن زیت در بدن طلا کنند در حمام بعد از انکه عرق کرده باشند طلائی که کلف را ببرد صفت پوست تخم مرغ اشنان باب خربزه پرورده آرد نخود نی

نی پوست

نی پوست عدس آرد باقلا فوفل کف دریا مامیران حسینی مساوی باب ترب طلا کنند طلائی که ترش را ببرد صفت سفیداب سفید زرنیخ سرخ مساوی بشیر تازه طلا کنند طلائی که اثرهای زردی رو ببرد صفت زراوند مدحرج سطاح هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود عدس مقشر سرخ از هر یک پنج درم بسفیده تخم مرغ تر ساخته شب طلا کنند و صباح بآبی که تخم مرغ و حرف نیم کوفته در ان جوشانیده باشند بشویند طلائی که حصف را نافع باشد صفت حنا و نمک کوفته و بیخته بسرکه تر کرده در حمام بمالند و یک ساعت بگذارند پس باب سرد و سپوس بشویند طلائی که جذام را نافع بود صفت نطرون اشق فرفیون کوکرد زرد برگ الحرمل مساوی بسر که طلا کنند طلائی از جهت کلف صفت ترمس تخم ترب تخم حرف قسط مغز بادام تلخ بوره ارمنی فلفل مقل مساوی کوفته باب برگ ترب طلا کنند طلائی که بهق و برص را زایل کند صفت فوه کندش و شیطرج خردل تخم ترب مازریون تخم حنظل فربیون سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک یک جزو شقایق دو جزو کوفته و در سرکه خیسانند و یک شبانروز و روز دیگر طلا کنند طلائی که بهق اسود و ابیض را سود دارد صفت کل

کل شقایق سفو بنا شسبطرح تخم زب خردل صمغ عربی آلو از هر یک یکمثقال کوفته

و در سرکه خیسانیده یکشبانروز بعد از انکه در حمام کیسه بران مالیده باشند طلا

کنند و مردار سنگ صلایه کرده با سرکه مالیدن همین عمل کند طلائی که حب القرع

و کرم دراز از اطفال اخراج کند صفت افسنتین سه درم برگ شفتالو ده

درم زهره گاو یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند طلائی که چون بر سر اقرع بمالند

موی برو باند صفت فلفل کوفته و بیخته بزهره خوک و عسل سرشته طلا کنند

طلائی که جهت شعیره و بروده نافست صفت کندر مر از هر یک یک درم

لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگی و نیم موم نیم درم در روغن زیت طلا

کنند طلائی که چون بر پیشانی مالند و بر پشت چشم ابتدا رمد را سود دارد و ماده

را دفع کند صفت شیاف مامیثا حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران

مساوی به آب کشنیز تازه یا آب کاسنی طلا کند طلائی که تر ناخنه را

نافست صفت صبر یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا مردار سنگ از هر یک دو درم

کافور دانگی و نیم باب کاسنی بر پیشانی و جفن طلا کنند طلائی که همین

خاصیت دارد صفت صبر شیاف مامیثا حضض یکی زعفران افیون اقاقیا

گل ارمنی صندل سرخ مساوی باب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند

طلائی

طلائی که صداع بارد را نافع باشد صفت صبر مشک فرفیون جند بیدستر صمغ

عربی و زعفران از هر یک دو دانگ افیون دانگی و نیم باب کرفس یا آب

مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ پاره کنند و بر پیشانی و صدغین اندازد

که صداع را نافع باشد صفت صبر زعفران اقاقیا فوفل گل ارمنی صندل سرخ

شیاف مامیثا باب کاسنی یا آب عنب الثعلب طلا کنند طلائی که شقیقه

را نافع باشد صفت جند بیدستر خردل سرکه کهنه بر سر طلا کنند بعد از

انکه سر را تراشیده باشند طلائی که لقوه را سود دارد صفت صبر حضض یکی

مر از هر یک یکدرم زعفران دو دانگ بگلاب طلا کنند طلائی که حجوظ

عین را سود دارد صفت صبر حضض یکی از هر یک دو درم سفیداب ارزیز و

مردار سنگ از هر یک یکدرم قیمولیا پنجدرم کوفته و بیخته باب تر سازند و گلولها

سازند بر مثال کعبتین و در وقت حاجت یکی را از آن باب کشنیز تازه

بسایند و طلا کنند طلائی که شکم را ببندد و اسهال باز دارد صفت اقاقیا

سعد مر کندر کعک جوز السرو مازو گل سرخ آمله گل ارمنی کاورس

برنج عدس بلوط کلنار بزر البنج صندل آب مورد یا آب به بر شکم

طلا کنند طلائی که چون بر خصیه اطفال مالند بگذارد که بزرگ شود

صفت قیمولیا و سفید آب ارزیر از هر یک ۵ درم شب یمانی و مازو از هر
یک یکدرم و نیم و بیخته بعسل و روغن مورد چند نوبت طلا کنند طلایی
که استسقاء لحمی را نافع بود صفت درمنهٔ ترکی صدف سوخته بوره ارمنی
سرکین گاو کهنه مساوی بسرکه طلا کنند طلایی که منع آبستنی کند و اگر
ابستن باشد بچه بیندازد صفت سداب خشک نطرون مساوی کوفته
و بیخته باب ترب بسرشند و بر قضیب مالند و مباشرت نمایند طلایی که در آبستنی
معین باشد صفت حب بلسان جاوشیر مقل با داورد مساوی کوفته و بیخته
با زهره گاو بر قضیب مالند و بگذارند تا خشک گردد و بعد از ان مجامعت
کنند آبستن شود طلایی که همین خاصیت دارد صفت
برگ سنجد خشک کرده بکوبند و با زهره گاو بر قضیب طلا
کنند و مباشرت نمایند طلایی که کراهیت عرق زایل کند از
صفت برگ گل سرخ سنبل سعد شب یمانی از هر یک
قدری کوفته و بیخته بگلاب تر سازند و بر بدن طلا کنند طلایی
که ضماز را نافع باشد صفت زراوند طویل راسن برگ خیار کاغذ
مجموع سوخته زعفران مساوی کوفته و بیخته باب مورد سرشته

کلولها سازند

کلولها سازند و خشک کنند و بعد از ان بغل را انجه را شسته باشند
الوده شود یک کلوله از ان بگلاب سوده بران مالند و در
یکشبانروز بگذارند دیگر نتن نباشد طلایی که حبس عرق کند
صفت برگ مورد گلنار مازو مساوی کوفته و بیخته باب
غوره یا آب برگ مورد تر ساخته بر بدن طلا کنند طلایی
که ضماز را نافع باشد صفت شب یمانی قمر گل سرخ برگ مورد
والهید مورد اسک بغل را باب اشنان بشویند و دارو کوفته
و بیخته باب برگ مورد تر ساخته بران طلا کنند یا بگلاب تر ساخته
بر ان طلا کنند طلایی که منع نزلات کند صفت اقاقیا صبر شیاف مامیثا
حضض ملی گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته بر پیشانی
و شقیقه طلا نمایند نافع بشد طبیخی که حیض براند صفت اسارون یکدرم سداب
نیمدرم رازیانه ده درم لوبیای سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند
و صاف کنند و سه روز متوالی بنوشند طبیخ دیگر که همین خاصیت دارد
و نافعست مردانرا که منی ایشان تحلیل شده باشد صفت افسنتین درمنه ترکی
ترمس سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک ده درم انجیر پنجعدد گلقند ده مثقال

باز خورند و سه روز صح

بجوشانند چنانکه رسمست و صاف کنند و سه روز متوالی دیگر استراحت نمایند
و باز سه روز دیگر بنوشند و همچنین عمل کنند تا ادرار تمام واقع شود طبیخ که قی باز
دارد و معده را قوت دهد صفت انار دانه ده درم مصطکی نعناع خشک از هر یک
یکدرم در یک رطل اب بجوشانند تا بنیمه آید عود مشک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
اضافه نمایند و بنوشند طبیخ دیگر که حیض براند صفت لوبیا سرخ حلبه انیسون
فوه از هر یک چهار درم سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی
آید صاف کنند و قدری شکر اضافه کنند و هر صباح چهار درم بنوشند ناع
طبیخ دیگر که همین منفعت دارد صفت لوبیا سرخ سه درم فراسیون فوه از
هر یک چهار درم فودنه ده درم در پنج رطل اب بجوشانند تا بنیمه آید
صاف کنند و قدری منفسج اضافه نمایند و هر صباح سه درم بنوشند
باب [illegible] که فالج و لقوه و سکته و امراض بارده سر را نافع بود
و تنقیه دماغ کند و عسر البول را سود دارد و اخراج مشیمه کند صفت
کندش شونیز فرفیون فلفل چند بیدستر زراوند حب بلسان مشک عاقر قرحا
بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته بحریره در بینی چکانند دهند عطوس دیگر
دیگر که همین خاصیت دارد صفت شیم حنظل فلفل اسطوخودوس چند بیدستر

از هر یک

71

از هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته و بیخته قدری در بینی
دمند عقد سیماب بزعم اصحاب اکثر است که بجهت سرعت انزال
نظیر ندارد صفت زیبق پنج مثقال با قدری سرکه بدسته ابگینه
یا آهن نیک صلایه کنند تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی داخل
نمایند و مغرفه آهنین پر از سرکه کنند و اینها را در آن مغرفه ریزند
و بر سر آتش گذارند و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک
اندک بجوش آن میدهند و بدسته ابگینه یا آهن بهم میزنند تا بلغمه شود بعد از
ان انرا بوصله مثقالی پاک صاف کنند و انچه در کرباس بماند بستانند
و چندان باب بشویند که تمام پاک شود و چرک از آن برود پس انرا گلولها
سازند و میان او را سوراخ کنند و ریسمان بکنذ رانند و در آب لیمو
اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود مانند حجری بعد از آن در روغن تازه
بجوشانند و در محل حاجت در دهن نگاه دارند و چون خواهند که انزال شود
از دهن بیرون آورند باب الغین غرغره که از جهت ثقل لسان که سببش
بلغم باشد بنوشاد رسه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقر قرحا مویزج صعتر ایارج فیقرا
ایرسا از هر یک بعضا درم زوفا دار فلفل از هر یک ده درم بورا رمنی وج

از هریک پنج درم کوفته و پخته بعسل سرشته و با سکنجبین غرغره کنند غرغره که قروح حلق را
نافع باشد صفت زاج سفید و سیاه کاغذ سوخته مازوی سبز کند رحنا زعفران
از هریک یکمثقال نمک سوخته نوشادر از هریک نیم مثقال کوفته و پخته بسرکه
غرغره کنند غرغره دیگر که همین خاصیت دارد صفت کاغذ سوخته مازوی سبز
زنگار زاج سفید کوفته و پخته بسرکه غرغره کنند غرغره دیگر که همین منفعت دارد
صفت اصل السوس خرنوب کوفته و پخته بعسل و گلاب غرغره کنند غرغره
دیگر که همین عمل کند صفت کندر یکدرم مازوی سوخته یکعدد زنگار نیم درم
کاغذ فرنگی سوخته یکورق زعفران دانگی کوفته و پخته در سرکه و عسل حل کرده
غرغره کنند غرغره که فالج و صرع و لقوه را نافع بود و سر و دماغ را
از اخلاط غلیظ پاک کند صفت ایاره فیقرا اوج خردل مویزج عاقرقرحا
زنجبیل فودنه صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر کوفته و پخته بعسل غرغره کنند
غرغره که ثقل لسان و سکته و فالج را سود دارد صفت مویزج خردل
زنجبیل عاقرقرحا فلفل دارفلفل بوره ارمنی ایرسا مرزنجوش مساوی
کوفته و پخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق و ذبحه صفراوی
و دموی را سود دارد و حرارت بنشاند صفت گل سرخ طباشیر نشاسته

تخم گل زعفران از هریک دو درم تخم کرفس سه درم مازو سماق از هریک
نیم درم قند چهار درم کوفته و پخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که دماغ را
از فضول پاک کند صفت مویزج دانگی و نیم عاقرقرحا خردل از هریک
نیم درم کوفته و پخته علی الصباح غرغره کنند غرغره که قلاع و استرخاء لثه
و ذبحه را نافع باشد صفت سماق برگ مورد گل سرخ زیتون جوشانیده
صاف نموده رب توت ده درم اضافه نموده غرغره کنند غرغره
بهر سقوط لهات را که بسبب رطوبت باشد نافع بود صفت گلنار شش درم
شب یمانی ده مثقال نمک اندرانی دو مثقال و نیم جماع الرمان تخم گل از هر یک
یکدرم و نیم کوفته و پخته برب توت غرغره کنند غرغره که قلاع سوداوی را
نافع باشد صفت سماق گل سرخ گشنیز گلنار برگ مورد خرنوب جوشانیده
غرغره نمایند غرغره که نافعست از جهت سرفه که بسبب نزله باشد صفت
گل سرخ گلنار خرنوب بجوشانند و صاف کنند و پیش از خواب غرغره کنند
غرغره که روی را سفید و صاف و براق کند صفت آرد جو آرد نخود آرد باقلا
قلقشته کتیرا تخم ترب کوفته و پخته بشیر تر سازند و شب بر روی مالند
و صباح بآب گرم بشویند غرغره دیگر که همین خاصیت دارد صفت آرد جو

آرد باقلا آرد نخود از هر یک یکجزو عدس مقشر کتیرا نشاسته زعفران از هر یک

نیم جزو مغز تخم خربزه دو جزو بسفیده تخم مرغ سرشته شب بمالند و صباح

بآبی که در آن پوست خربزه و بنفشه جوشیده باشد بشویند غسولی که بهیں

منفعت دارد صفت باقلاء مقشر کرسنه ترمس تخم ترب مغز تخم خربزه

نخود نشاسته کوفته و بیخته رو را بدان بشویند باب الفا فنجنوش معده را

قوة دهد و بواسیر را نافع بود و باه را زیاد کند و رنگ را نیکو کرداند و دفع

سرعت انزال کند صفت پوست هلیله کابلی هلیله سیاه پوست بلیله

آمله مقشر شیطرج هندی سنبل الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل سعد از هر یک

ده درم تخم شبت تخم کندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم

عسل سه وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانروز در سرکه خیسانیده

بعد از آن خشک کرده و صلایه نموده چند انکه بر روی آب نایستد و بته

آب فرو نرود و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و بعسل معجون سازند

و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم و بعضی دو درم مشک

اضافه میکنند فیروز نوش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض

زنان حامله که بسبب برودت بآن سود دارد و بادهای غلیظ دفع کند

و سرهین باید از برای آنکه سرهین علامت قوة جلد و دمانست و در میان فصلها

باید گرفت که آفتاب در ثور باشد و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد

بآخر بهار یا در اول زمستان باید گرفت تا قوی باشد و ماوای او در میان

درختان نباشد خاصه درخت بلوط و با آب نزدیک نباشد بلکه در زمین صحرایی

پاکیزه باید و در زمین شوره نباید گرفت و بهتر آن باشد که در محلی که آنرا

بکیرند بکشند تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلوده نکردد و بیمار نشود و کشتن

آن چنان باید که مقدار چهار انگشت از سر و دنبال چهار انگشت بینداز نیز بیندازند

نیز چنانچه قطعه هیچ پوست بروی نماند و یکضرب جدا شود زیرا که زهر در دو آن

دو جانب براو باشد و فضلهای به دو جانب دنبال و چون کشته باشد نظر کنند

اگر از وی خون بسیار آید و تا دیر گاه حرکت کند نیک بود و اگر زود از حرکت

فرو ایستد ضعیف باشد سرهین کار نشاید و آنکه شایسته این کار باشد شکم او

بشکافند و پاک کنند و پوست آن باز کنند و آنرا باب صافی چند نوبت بشویند والات اندران اورا

پس در آب صافی و اندکی نمک با چند شاخ چوب شبت بجوشانند تا مهرا بیرون کنند

شود و گوشت از استخوان جدا کرده و بگذارند تا سرد شود و آب از آن

بپالانید و آن گوشت را با چهار یک وزن آن نان سفید بریان کرده

بکوبند و با آن آب که از آن پالوده باشند بسرشند و دست را بروغن
بلسان چرب کنند و اقراص سازند هر یکی یک مثقال و در سایه خشک کنند
چنانکه مطلقا اثر نم در آن نباشد و در ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که در وقت
پختن افعی و کوفتن و قرص کردن بینی را بگیرند تا بوی آن بدماغ نرسد قرص
اندروخون مستعمل است در تریاق فاروق و این نسخه اختیار حنین بن اسحق است
صفت دارشیشعان قصب الذریره اسارون عود بلسان فوه سلیخه
مصطکی از هر یک شش مثقال نقاح اذخر زعفران از هر یک دوازده مثقال
دارچینی حاما از هر یک بیست و چهار مثقال اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته
بشراب ریحانی بسرشند و دست را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند
قرص فرفیون مستعمل در مشرودیطوس از هر یک دوازده مثقال دارچینی
مقل اظفار الطیب سنبل رومی سلیخه اکلیل الملک سعد حب الغار از هر یک
سه درم قصب الذریره نه درم زعفران یکدرم فقراسیو دو درم و نیم
کوفته و بیخته بشراب بسرشند و اقراص سازند قرص اندروماکه در مخلص اکبر مستعمل است
صفت حاما دارشیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض نانخواه از
هر یک سه درم فوه یکمثقال سنبل الطیب سرخ هندی از هر یک نعنع مثقال

مرور دارچینی مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته بشراب صاف
بسرشند و اقراص سازند قرصی یکمثقال و در سایه خشک کنند قرص کوکب معده
ضعیف را قوة دهد و نگذارد که فضول بآن منرفع شود و چون بر پیشانی
طلا کنند صداع را نافع باشد و منع نزلات کند و چون با زردبا او مایزند
و بدندان کرم خورده نهند درد ساکن کند و چون بآب مرزنگوش در گوش
چکانند درد بنشانند و نفث الدم و سیلان خون از هر موضع که باشد
باز دارد و سرفه کهن را سود دارد و تبهای دایره را نافع باشد
چون با آب مرزنگوش دهند و چون بآب سداب بیاشامند جمیع زهرها و
گزیدن جانوران را نافع باشد و اگر بشراب بنوشند اسهال مزمن و قروح
امعا و مثانه را نافع باشد صفت مر حب پسته سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح
از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض دانرا طلق کومیندا از
هر یک پنج درم انیسون توفوسیالیوس بذرالبنج میعه سایله تخم کرفس از هر یک
هشت درم صمغ عربی را در شراب ریحانی حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن
بسرشند و اقراص سازند قرصی یکدرم و در سایه خشک کنند قرص طباشیر ملین
سرفه و خشونت سینه و تبهای محرقه را نافع بود و طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند

صفت طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سفید سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
نشاسته صمغ عربی خشخاش کتیرا از هریک یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته
اقراص سازند قرص طباشیر ممسک تبهای صفرائی را نافع بود و شکم به بندد و خون
باز دارد و تشنگی را بنشاند صفت گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم
حماض گل ارمنی از هریک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقی از هریک
هفت درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته اقراص سازند قرص [illegible] طباشیر
و مروارید ناسفته از هریک سه مثقال کهربا تخم حماض طراثیث صمغ عربی
از هریک ده درم خشخاش بریان کرده پنج درم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند
[illegible] تب دق و محرقه و سرفه گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت گل سرخ
طباشیر صندل سفید مغز تخم خیارین تخم کاسنی تخم کاهو تخم خرفه از هریک مثقال
کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص [illegible]
خون رفتن از شکم باز دارد صفت کهربا مروارید ناسفته تخم خرفه از هریک یکدرم
شاخ بزکوهی سوخته بیضه سوخته بولبیقه [illegible] صمغ عربی از هریک سه درم کشنیز
خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه از هریک شش درم و زاغ سوخته و بزر
البنج از هریک دو درم کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص گلنار

خون رفتن باز دارد صفت سلیخه گل ارمنی صمغ عربی از هریک چهار درم
گل سرخ اقاقیا از هریک سه درم کتیرا دو درم کوفته و بیخته باب گلنار
اقراص سازند [illegible] ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را
نافع بود صفت عصاره زرشک مغز تخم خربزه از هریک سه درم
گل سرخ ترنجبین از هریک شش درم تخم کشوث رب سوس طباشیر
تخم کاسنی از هریک دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته باب ترنجبین
اقراص سازند قرص [illegible] صفت زرشک منقی پانزده درم تخم کاسنی
تخم خرفه مغز تخم خیارین از هریک سه درم گل سرخ پنج درم بوره ارمنی
سنبل از هریک یکدرم بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص [illegible]
زرشک پنجدرم لک مغسول ریوند چینی عصاره غافث سنبل انیسون
مصطکی از هریک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص زرشک [illegible]
زرشک پنجدرم رب سوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاسنی
از هریک دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربتی دو مثقال
بسکنجبین و اب کاسنی و آب عنب الثعلب قرص [illegible] ورم و صلابت
جگر و سپرز و تبهای کهنه را نافع باشد صفت ریوند چینی شش درم

قوة لک منقی از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافث
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته باب خالص اقراص سازند
قرص خشخاش ریش سینه و شش را نافع باشد صفت کل سرخ صمغ عربی
از هر یک چهار درم نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک دو درم خشخاش سفید
وسیاه از هر یک سه درم زعفران نیم درم طباشیر یکدرم باب خالص اقراص
سازند شربتی یکمثقال باده مثقال شراب خشخاش بنوشند قرص کل
درد معده و تبهای بلغمی را سود دارد صفت ورق کل سرخ شش درم
رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر دو درم عصاره
غافث چهار درم کوفته و بیخته بسفیدی بیضه سرشته قرص سازند قرص کل
دیگر اقوی از اول صفت کل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث
افسنتین از هر یک چهار درم مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بکلاب قرص سازند قرص کل دیگر شطر الغب و تبهای مرکب را
نافع باشد و معده را اقوی کرداند صفت کل سرخ اصل السوس از هر یک
چهار درم طباشیر سنبل افسنتین از هر یک دو درم ترنجبین سه درم بکلاب
قرص سازند قرص غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهن را

76

نافع بود و سده بکشاید صفت عصاره غافث بیست درم سنبل ده درم
طباشیر سفید چهار درم کوفته باب صافی قرص سازند قرص کافور
قروح کلیه و مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت مغز تخم خیار بن جهار مغز تخم
مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا کندر
از هر یک دو درم تخم کرفس ده درم افیون یکدرم باب صافی اقراص سازند
شربتی یکدرم تا یکمثقال قرص مقل ورم صلب معده را نافع باشد صفت
کل سرخ ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران مر از هر یک یکدرم
قسط مغز بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم مقل سه درم مقل را در شراب
حل کنند و ادویه کوفته بان سرشته و اقراص سازند قرص ... یرقان
و تب کرم را سود دارد صفت زرشک منقی طباشیر کل سرخ از هر یک
هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کثیرا از هر یک سه درم مغز
تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک یکدرم صندل سفید رب السوس
از هر یک دو درم کافور یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند
شربتی دو درم قرص ... دیگر تب دق و غب و محرقه را نافع بود و تشنگی
بنشاند صفت طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هر یک یکدرم تخم کاهو رب السوس

صندل سفید از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت درم
ترنجبین ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا قرص سازند
قرص شبرم استسقاء زقی را نافع باشد صفت شبرم هلیله زرد
مساوی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دانگی با سکنجبین و بزر
اضافه نمایند قرص لک استسقاء لحمی را سود دارد و سده بگشاید
صفت لک مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم اساران
زراوند طویل جنطیانا سنبل الطیب مصطکی انیسون
تخم کرفس نانخواه اذخر ابهل قسط مغز بادام تلخ
فوّه افسنتین عصاره غافث از هر یک دو درم
فلفل زنجبیل از هر یک یکدرم شربتی یک مثقال
قرص افسنتین درد معده که از پس طعام بدید آید سود
دارد صفت افسنتین تخم کرفس انیسون از هر یک

انیسون از هر یک

انیسون از هر یک یکدرم سنبل هشت درم فلفل جندبیدستر افیون از هر یک دو درم
کوفته و بیخته باب صافی اقراص سازند قرص افسنتین دیگر حمیات بلغمی و عسر البول را
و برودت جگر را نافعست صفت اسارون افسنتین تخم کرفس مغز بادام مساوی
کوفته و بیخته باب خالص بسرشند و اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص کبر
اوجاع طحال را نافع باشد و سده بگشاید صفت پوست بیخ کبر اشق از هر یک
چهار درم زراوند طویل دو درم تخم فنجنکشت فلفل از هر یک شش درم اشق را
در سرکه کهنه حل سازند و باقی ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند و اقراص سازند
تب بلغمی و جگر ضعیف را نافع باشد صفت انیسون افسنتین
مغز بادام تلخ سنبل صبر از هر یک چهار درم عصاره غافث ساذج هندی
اسارون از هر یک سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
بگلاب قرص سازند شربتی یکدرم با طبیخ افسنتین دهند قرص ابرسا
سپرز صلب را نرم سازد صفت ابرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک
دو درم اشق را در سرکه حل کرده و باقی ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند شربتی دو
درم با سکنجبین قرص فنجنکشت سده سپرز و جگر بگشاید صفت تخم فنجنکشت
تخم کاکنج تخم خرفه مغز تخم کدو مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند و اقراص سازند

و سده طحال و جگر را بگشاید

قرص عود طحالرا نافع باشد صفت فوه دوازده درم پوست بیخ کبر ابهل زراوند طویل
از هریک ده درم کوفته وبیخته بسکنجبین بسرشند واقراص سازند ودر طبیخ انیسون
استعمال نمایند قرص عود قی وهیضه باز دارد صفت عود چهار درم کبابه
مصطکی قرنفل سنبل از هریک دو درم قند سفید دوازده درم کوفته
وبیخته اقراص سازند شربتی دو درم معده را قوه دهد وطعامرا
هضم کند واشتهای طعام آورد صفت قرنفل مصطکی از هریک سه درم
قاقله سنبل بسباسه از هریک دو درم عود خام قرفه پوست ترنج از هریک
پنجدرم زعفران جوزبوا زنجبیل فلفل از هریک یکدرم قند سفید بوزن
ادویه کوفته وبیخته اقراص سازند قرص قرنفل قی وهیضه باز دارد صفت کندر
سه درم قرفه پنجدرم کبابه چینی قاقله از هریک دو درم مشک کافور
از هریک دانگی قرنفل یکدرم کوفته وبیخته قرص سازند شربتی یکمثقال
باده درم شراب انار منعنع قرص راسن قی وهیضه باز دارد وخواب آورد
صفت قرنفل ده درم سک قرفه راسن از هریک دو درم مصطکی افیون
پوست بیخ لفاح از هریک یک کوفته وبیخته اقراص سازند قرص حب الآس
اسهال وقی باز دارد صفت سماق حب الآس کزمازج گل ارمنی نشاسته
بریان کرده.

بریان کرده بلوط از هریک ده درم مقل یکدرم پوست انار مازو از هریک
کوفته اقراص سازند شربتی دو درم با آب به یا آب سیب بنوشند
قی بلغمی وسوداوی را قطع کند ومعده را قوت دهد صفت
پوست بیرون پسته گل سرخ از هریک چهار درم عود خام مصطکی از هریک
سه درم سک پنج درم کوفته وبیخته باب سیب قرص سازند شربتی یکمثقال قرص
سرمه قریب المنفعت بقرص لبد صفت سرمه اصفهانی سادنج مغسول دم
الاخوین از هریک سه درم گلنار مازو از هریک دو درم شاخ بز سوخته
اقاقیا از هریک یکدرم لادن زعفران از هریک نیمدرم پرسیاوشان
یکدرم ونیم کوفته وبیخته باب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو درم
قرص لبد فی الدم را نافع باشد صفت لبد مغسول ده درم کندر اقاقیا
صمغ عربی از هریک چهار درم کثیرا گل مختوم از هریک سه درم دارچینی
یکدرم کوفته وبیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال بشراب الجبار قرص
قرحه مثانه وبول الدم را نافع بود صفت طباشیر گل مختوم کثیرا صمغ عربی
صمغ فارسی خرفه تخم خربزه مغز تخم خیارین کوفته وبیخته بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند قرص سنبل ورم صلب جگر ومعده را نافع بود صفت

[illegible marginal notes]

سنبل فقاع اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم

زعفران انیسون مرقط فلفل از هر یک یکدرم مقل مصطکی از هر یک

دو درم اشق نیمدرم اشق و مقل را در مثلث حل کنند و داروهای دیگر کوفته

و بیخته بآن بسرشند و قرص سازند شربتی دو درم جهت ورم معده با مثلث

و از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند قرص کرمازج ترکیب جالینوس است سپرز

صلب را بکداز د صفت کرمازج چهار مثقال فلفل سفید سنبل

اسارون اشق از هر یک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کرده

و ادویه دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و اقراص سازند شربتی یکمثقال

با سکنجبین قرص کهربا بول الدم را نافع بود صفت کهربا صمغ عربی نشاسته

کثیرا مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک سه درم گلنار اقاقیا از هر یک

یکدرم و نیم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم و نیم

تخم خرفه قرص شب همان خاصیت دارد صفت شب یمانی شاخ گوزن

سوخته کثیرا اکل ارمنی گلنار تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته بآب خرفه اقراص

سازند قرص شب بنوع دیگر صفت دم الاخوین شب یمانی گلنار از هر یک

سه درم نشاسته شش درم صمغ عربی دو درم کوفته و بیخته بآب خرفه اقراص سازند

و با شراب حب الاس

79

[illegible marginal notes]

و با شراب حب الاس بدهند قرص بزور جرب مثانه را نافع بود صفت

مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیارین پنجدرم مغز تخم کدو مغز تخم خطمی

مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی

تخم کرفس از هر یک دو درم بزر البنج یکدرم کوفته و بیخته اقراص

سازند و بشراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع بود صفت

بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیارین کثیرا

گل سرخ از هر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر یک سه درم

مصطکی یکمثقال سنبل یکدرم و نیم کوفته اقراص سازند شربتی یکمثقال

قرص بنفشه مسهل چون با تب و سرفه قبض طبیعت بود صفت

بنفشه پنجدرم تربد سفید ده درم رب السوس سه درم و نیم سقمونیا سه درم

مصطکی یکدرم و نیم کثیرا نیمدرم کوفته و بیخته شربتی دو درم و نیم با گلاب

دهند قرص غافت بقول سپرز غلیظ را بکدازد صفت غافت

گل سرخ از هر یک پنجدرم طباشیر زرشک از هر یک دو درم عصاره غافت

سنبل ک مغسول ریوند چینی پوست بیخ کبر در سرکه خیسانیده و خشک کرده از

هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین نوشند

قرصی که ضعف معده وضیق النفس و سلس البول را نافع بود صفت گل سرخ سنبل
از هر یک سه درم صمغ عربی نارمشک از هر یک دو درم مصطکی یکدرم گلنار طباشیر
از هر یک مثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم با گلقند میل کنند
قرص صموغ دشواری وضع حمل را آسان کند و بچه مرده زاد در ساعت بیرون
آورد صفت مر جاوشیر سکبینج از هر یک یکدرم حلتیت نیمدرم مجموع
یک شربتست با بسداب یا طبیخ حلبه دهند و به تبخیر اینها نیز عمل کنند
قرصی که قی الدم را نافع بود صفت اقاقیا تخم گل افیون بزر البنج گل ارمنی
گلنار صمغ عربی مساوی کوفته و بیخته با بخرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال
به آب به یا سیب قرص کهربا دیگر اسهال دموی را و افراط خون بواسیر
وحیض را نافع بود صفت خشخاش مصطکی کهربا از هر یک ده درم
زعفران دو درم کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص لک
معده را قوه دهد و قی و اسهال باز دارد صفت گل سرخ طباشیر
انار دانه کشنیز خشک بریان کرده از هر یک دو مثقال پوست بیرون پسته
مصطکی از هر یک نیم مثقال سماق سه درم زیره کرمانی مدبر نیم مثقال کوفته و بیخته
بگلاب اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص لک دیگر لک مغسول قوه تخم کرفس

دو قو

80

دو قو عنب الثعلب از هر یک یکدرم رازیانه انیسون از هر یک یکمثقال
تخم کاسنی تخم کوشوث از هر یک دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص مبارک تب دق و محرقه و تبهای حاره و یرقان را نافع بود
صفت گل سرخ ترنجبین از هر یک پنجدرم طباشیر مغز تخم خیارین
از هر یک دو درم و نیم تخم کاهو سه درم و نیم مغز تخم خربزه سه درم کثیرا
چهار درم مغز تخم کدو دو درم رب سوس یکمثقال کافور دانگی و نیم کوفته
اقراص سازند قرص انجبار اسهال دموی و افراط طمث و قی الدم را
نافع بود صفت بیخ انجبار چهار درم گل سرخ صمغ کهربا تخم خرفه از هر یک
سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی بسد طباشیر رب سوس از هر دو درم اقاقیا
یکدرم و نیم با آب مورد قرص سازند قرصی که استسقا را نافع بود صفت
گل سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دارچینی فستق از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص الاوس همین خاصیت دارد صفت
مغز بادام تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون مساوی کوفته و بیخته قرص سازند
قرص ابلاوس تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی
از هر یک چهار درم فلفل مر افیون جندبیدستر از هر یک دو درم با آب خالص اقراص

سنبل الطیب
سازند شربتی یکمثقال قرصی که فواق امتلائی [illegible] را نافع بود صفت قطع تلخ صبر
اذخر تمام فودنه کوهی نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هریک
یکدرم افیمون [illegible] و نیم کل سرخ نیم درم کوفته و بیخته ثلث آن برشند و اقراص سازند
قرص زحیر خون شکم و زحیر و نفث دم را نافع باشد صفت کل مختوم کل ارمنی
قرط طباشیر طراثیث بلوط اردکنار حب الاس از هریک دو درم تخم حماض بریان
کرمانی
صمغ عربی کندر را از هریک چهار درم نشاسته کل سرخ از هریک یکدرم مازو زیره
در سرکه خیسانیده بریان کرده از هریک سه مثقال کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند شربتی یکدرم [illegible] سرطان از سل و دق و نفث الدم را نافع باشد
صفت کل مختوم کل ارمنی نشاسته کل سرخ از هریک شش درم سرطان سوخته
ده درم کتیرا طباشیر شادنج مغسول از هریک پنجدرم رب سوس سه درم کوفته
و بیخته اقراص سازند قرص سعال تخم خیارین ده درم تخم خرفه اصل السوس
از هریک چهار درم طباشیر سرطان محرق از هریک دو درم نشاسته کتیرا از هریک
یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرصی که اسهال دموی و سعال و نفث الدم را نافع باشد صفت تخم حماض
بریان کرده زرشک منقی نشاسته طباشیر حب الاس شاه بلوط از هریک پنجدرم عفص

[illegible marginal notes]

یکدرم

یکدرم کل مختوم صمغ از هریک ده درم کهربا بسد از هریک سه درم
کوفته و بیخته باب جالص اقراص سازند شربتی دو درم قرص دیگر
که نفث قدیم را نافع باشد صفت رب سوس صمغ عربی نشاسته مغز تخم کدو
از هریک دو مثقال انزروت مربی ریوند چینی از هریک یکمثقال مغز بادام
سه مثقال بلعاب بزرقطونا و لعاب تخم مرو سرشته قرص سازند شربتی
دو مثقال قرص [illegible] نسخه محمد زکریا است معده و دل را [illegible] و جگر بارد را
قوه دهد و غشی و خفقان بازدارد و اوجاع معده بارده را نافع باشد
صفت مصطکی قرنفل عود دارچینی سنبل مشک جوزبوا کبابه
ال پوست ترنج قاقله از هریک یکمثقال مشک دانکی کوفته و بیخته بشراب
ریحانی اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص [illegible] نسخه ثابت ابن قوه
صفت حب الاس تخم حماض معشر از هریک دو درم صمغ عربی نشاسته از هریک یکدرم
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی دو درم قرص [illegible]
طباشیر رب سوس از هریک ده درم تخم کاهو بیست درم تخم خرفه پانزده درم
کل سرخ کشنیز خشک از هر پنجدرم اقاقیا صندل سفید کل ارمنی کلنار
از هریک دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بکلاب قرص سازند شربتی سه درم

باب انار ترش قرص ... كنند دم الاخوين گلنار از هر يک سه درم و دو دانگ
كهربا پنج درم شادنج مغسول ده درم شب يماني دو درم و نيم افيون دارچيني از
هر يک دو درم مجموع را ده قرص سازند شربتي يكعدد با آب خرفه قرص مرواريد
دل و دماغ را قوه دهد و يرقان و خفقان حار را نافع باشد صفت گل سرخ
دو درم طباشير مرواريد ناسفته بسد صندل سفيد از هر يک يک درم مغز تخم خيارين
مغز تخم كدو از هر يک پنج درم تخم خرفه سه درم زعفران نيم درم كوفته و بيخته
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتي يک مثقال با سكنجبين قرص كه تب و صداع
و سرسام را نافع باشد و تشنگي بنشاند و خواب آورد و هذيان دفع كند صفت
مغز تخم خيارين مغز تخم كدو تخم كاهو از هر يک ده درم رب السوس نشاسته كثيرا
افيون از هر يک سه درم كوفته با آب كاهو بلعاب بزرقطونا بسرشت قرص سازند
شربتي يكعدد يا دو عدد قرص ذات الجنب رب السوس ده درم نشاسته كثيرا بنفشه ده درم
تخم خطمي رازيانه از هر يک سه درم كوفته و بيخته بلعاب بزرگ و بزرقطونا
و بهدانه قرص سازند شربتي سه درم بشراب بنفشه قرص فواد مغص
ريحي و امتلائي را نافعست صفت كندر پنج درم انيسون فودنه سداب تمام از هر يک
سه درم صعتر نانخواه سعد از هر يک يک درم و نيم بگلاب قرص سازند شربتي يک مثقال

بطبيخ زيره

بطبيخ زيره قرصي كه استسقاء زقي حار را نافع باشد صفت تخم كاسني ده درم مازريون
غاريقون عصاره غافت از هر يک دو درم و چهار دانگ گل سرخ مغز تخم خيارين
از هر يک دو درم و نيم كوفته و بيخته مجموع را ده قرص سازند و هر روز يک قرص
بدهند قرصي ديگر كه استسقاء حار و فساد جگر و سپرز كه باسهال رود نافع باشد
صفت طباشير گل سرخ گلنار زرشک سماق گزمازج تخم حماض تخم كاسني تخم خرفه
تخم خرفه از هر يک يک درم سعد فقاع اذخر انيسون سنبل ريوند لک پوست بيخ كبر
افيون از هر يک نيم درم كافور دانگي كوفته و بيخته قرص سازند شربتي سه درم
قرص افيون قولنج را مستاصل نمايد صفت تربد افيون از هر يک ده درم سكبينج دو درم
كوفته و بيخته ده قرص سازند هر روز يک قرص با ماء الاصول بدهند قرص افيون
كه نافعست زحير را كه بان رياح و مراحات باشد و حرارت نباشد صفت
بزرالبنج شبت رازيانه از هر يک پنج درم نانخواه دو درم و نيم افيون سه درم تخم كرفس
ده درم كوفته و بيخته اقراص سازند شربتي يک مثقال قرص قرنوبا اسهال دموي و غير
دموي را نافعست صفت مازو خرنوب گزمازج گلنار از هر يک يک جزو افيون
صمغ عربي از هر يک نيم جزو كوفته و بيخته اقراص سازند شربتي دو درم برب به
قرص طباشير قابض اسهال با فراط و حرارت را نافع باشد صفت طباشير گل سرخ

تخم کاهو تخم خرفه تخم گلنار سماق از هر یک یکدرم گلنار صندل افیون از هر یک

نیمدرم تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانگی باب خالص قرص سازند شربتی یکدرم

قرص منع اسهال با سرفه را نافع باشد صفت حب الاس ده درم پرسیاوشان مغز تخم

خربزه از هر یک پنجدرم رب السوس صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته

اقراص سازند شربتی سه درم قرصی که بول الدم را نافع باشد صفت مغز تخم خربزه

مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک ششدرم و نیم صمغ عربی کندر دم الاخوین

از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند

شربتی دو درم بشراب خشخاش قرص مر که حیض براند و تسهیل ولادت کند

صفت مر صاف سه درم ترمس پنجدرم سداب فودنه فودنج نانخواه مشکطرامشیع

قوه حلتیث جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی

دو درم بطبیخ ابهل قرص عشر الادویه تب ربع و وجع کبد و ترهل را نافع بود

صفت انیسون عصاره غافث از هر یک چهار درم اسارون سادج افسنتین

تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بطبیخ

افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم باب گرم قرص منوم حار تخم شبت

دو درم مر زعفران جوز البنج میعه از هر یک دانگی افیون یکطسوج کوفته و بیخته

83

بلعاب حلبه قرص سازند شربتی یکمثقال قرص منوم بارد تخم کاهو باقلاء مقشر خشخاش

تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون یکطسوج کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا قرص سازند

قرصی که نافعست از جهت افراط خون بواسیر صفت مرجان کهربا و زغ سوخته گل ارمنی

از هر یک دو درم هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک پنجدرم کندر سه درم مقل دو درم مقل را

در آب گندنا حل کنند و ادویه کوفته و بیخته بان بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم

با ده درم آب آهنگران قرصی که قی و هیضه باز دارد و طبع ببندد و خواب آورد

صفت سک قرنفل از هر یک ده درم کزمازج پوست انار مازو از هر یک پنجدرم

افیون دانگی کوفته و بیخته برب به سرشته اقراص سازند قرص معفر زرده چوبه مغز

بادام تلخ از هر یک یکجزو مقل دو جزو مقل را در سرکه کهنه خیسانیده سه روز

متوالی و زرده چوبه و مغز بادام را کوفته داخل نمایند و با یکدیگر نیک صلایه

نمایند و اقراص سازند و در وقت حاجت باب گشنیز بسایند و طلا کنند

قرص مثلث صداع و شقیقه و سرسام را نافع باشد چون بر پیشانی و صدغین

طلا کنند صفت افیون مصری مر مکی لادن کافور زعفران بزر البنج پوست بیخ لفاح

از هر یک پنجدرم کندر انزروت آمله گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته و بیخته بگلاب

یا آب کاهو سرشته اقراص سازند سه پهلو تا از اقراص دیگر ممتاز باشد و در وقت

حاجت استعمال نمایند قرص زرنیخ آکله دهن و لثه را نافع باشد و عفونت دفع کند
صفت زرنیخ زرد و سرخ آهک زنده مازو از هر یک ده درم زنگار قلقطار
از هر یک پنج درم شب یمانی اقاقیا گلنار از هر یک سه درم کوفته و بیخته
در سرکه خیسانیده یک هفته در آفتاب گذارند و بعد از آن اقراص سازند
و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت دانگی از آن بلثه و دهن بمالند
و یک ساعت بگذارند و بعد از آن قدری روغن گل در دهن نگاه دارند قرص
فراداره بعد از آنکه سبل چیده باشند استعمال نمایند صفت نوشادر مس
سوخته از هر یک دو درم توتیا دوازده درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ بسرشند
و در پوست تخم مرغ کنند و در گل حکمت کنند و در کوزه نو نهند و در کوزه فخاری
میگذارند تا پخته شود بعد از آن صلایه کرده استعمال نمایند قطوری که نافع است از جهت
قرحه گوش و چرک که از گوش آید پاک کند صفت انزروت جزء براده الحدید
کوفته و بیخته بسرکه در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند
و فتیله را بعسل تر سازند و با دویه مذکوره بگردانند و در گوش نهند قطور دیگر که طنین
و گرانی گوش را ببرد صفت کنند زعفران فرفیون جندبیدستر خربق سفید از
هر یک سه درم نطرون بوره ارمنی از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته در شراب کهنه

بچکانند

بچکانند قطوری که کرم گوش بکشد صفت آب برگ شفتالو آب برگ فودنه
آب برگ ترب از هر یک پنج درم خربق سفید بوره ارمنی سقمونیا افتیمون
زراوند از هر یک کوفته و بیخته با بهای مذکور بیامیزند و در آفتاب گذارند
تا خشک شود بعد از آن بسایند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش که از سردی
باشد ساکن گرداند صفت افیون جندبیدستر از هر یک دو درم کوفته و بیخته
در ده درم میفختج بپزند تا قوام آید با روغن گل سوسن حل کنند و نیم گرم در
در گوش چکانند قطوری که طرش را نافع باشد صفت خربق سفید یکمثقال جندبیدستر
نیم مثقال نطرون دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند یا آب سرگین تازه در گوش
چکانند یا آب ترب با عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را نافع باشد
صفت افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر
مخلوط ساخته نیمگرم در گوش چکانند قطوری که همین خاصیت دارد صفت زهره گاو تازه
دو مثقال روغن خیری ده درم بجوشانند تا تری زهره گاو برود و روغن بماند
قطره قطره در گوش چکانند قطوری که درد گوش بارد را نافع باشد صفت سیر نیمکوفته
با زهره گوسفند بجوشانند و نیمگرم در گوش چکانند قطوری که منفعت از جهت
آبی که در گوش رفته باشد صفت آب ترب آب پیاز بجوشانند و در گوش چکانند

قطوری دیگر که گرانی گوش ببرد صفت شحم حنظل سه درم بوره ارمنی
یکدرم جندبیدستر زراوند قسط فرفیون افستین از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته
بزهره گاو بسرشند و گلولها سازند و در وقت حاجت یکی از آن بروغن بادام
تلخ بسایند و نیمگرم در گوش چکانند قطوری که شب کوری ببرد صفت
آب سداب آب گشنیز مساوی بجوشانند تا به نیمه آید و سه نوبت در چشم
چکانند قطوری که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع بود صفت
سفیداب ارزروت کندر صمغ عربی نشاسته دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته
گلولها سازند و در وقت حاجت یکی از آن بشیر دختر بسایند و در احلیل
بچکانند قطوری که دوی و طنین و گرانی گوش را نافع بود صفت شحم حنظل یکدرم
بوره نیمدرم جندبیدستر زراوند مدحرج از هر یک یکدرم و نیم عصاره افستین
قسط فرفیون از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و گلولها سازند
و در وقت حاجت با روغن بادام دو قطره در گوش چکانند باب الکاف ...
کلکلانج بزوری استسقا و برودت معده و بهای کهن و سرفه بلغمی و ضیق النفس
و قولنج و صرع و طحال و سلعه بلغمی و بهق و احتقان رحم را سود دارد و بول
بگشاید صفت هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم

فلفل

85

فلفل دارفلفل زنجبیل فلفلمویه نمک هندی سرخ نمک هندی سیاه نمک
اندرانی نمک جمیر لسان العصافیر شیطرج هندی سعد تربد اقراقر تنقل
صعتر بزر کرفس کابلی سقنقور شونیز حب النیل زیره کرمانی ساذج هندی
تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک پنجدرم تربد سفید صد و پنجاه درم
فلوس خیار شنبر ده درم مویز منقی سیمن شیره آمله یکمن مویز را در شش
من آب بپزند تا بدو من آید و بپالایند و خیار شنبر در آن آب حل کنند و سه
من فانید هم در آن آب بگدازند و نیم زدعن کنجد با آن بیامیزند و بجوشانند
تا بقوام آید و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنجدرم
با شیر خشت یا آب عنب الثعلب کلکلانج بارد استسقاء
حار را نافع باشد ماذریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد از
هر یک پنجدرم عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن گل سرخ تخم
کاسنی مغز تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم ترنجبین
فلوس خیار شنبر فانید سکری از هر یک یازده درم صاف کرده
بقوام آید داروهای دیگر کوفته و بیخته با وی بسرشند شربتی دو درم
تا چهار درم کلکلانج حار تا فعت استسقای ... که با حرارت

نباشد صفت مارزیون مربر غاریقون پوست هلیله زرد کلنج
ازهریک پنجدرم ابرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافت سنبل
الطیب افتیمون ازهریک دو درم بدستور معهود کوفته
وبیخته بعسل معجون کنند شربتی سه درم یا چهار درم کموزن بر
وجع معده وشهوت کلبی وحمیات بلغمی وسوداوی وفواق بلغمی
وامتلائی وفتق وقولنج ریحی را نافع باشد وبا دکشکه صفت
زیره کرمانی مربر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل سه بالی ازهریک
بیست درم بوره ارمنی پنجدرم عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسمست شربتی یکمثقال کحل زعفران حکه جفن وتاریکی چشم ودمعه
وسیلان را نافست صفت زعفران سنبل ازهریک دو درم دار
فلفل یکدرم فلفل سفید کافور ازهریک دانکی ونیم توشادر نیمدرم مازو
سه درم کوفته وبحریر بیخته در چشم کشند کحل دیگر که همین خاصیت
دارد صفت سادج مغسول دو درم دم الاخوین سادج هندی سنبل
دارفلفل ازهریک نیمدرم مازو یکدرم قاقله مشک ازهریک دانکی
کافور نیمدانک کوفته وبیخته بدان اکتحال نمایند کحل دمعه توتیای

مغسول ده درم لبسد هلیله زرد صبر ازهریک چهار درم فلفل نیمدرم یکدرم
کوفته وبیخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر را قوت دهد وتیرگی برانداز صفت
سرمه اصفهانی بیست درم مارقشیشا پنجدرم اقلیمیای طلا دوازده درم
مروارید ناسفته سه درم زعفران نیمدرم سادج هندی دو درم صلایه کرده
در چشم کشند کحل الجواهر نسخه دیگر سرمه شش درم توتیا چهار درم لبسد
مارقشیشا ازهریک دو درم مروارید ناسفته هفت درم سادج هندی
یکدرم مشک یکطسوج صلایه کرده چنانکه رسمست استعمال نمایند کحل الجواهر
بنوعی دیگر سرمه اصفهانی توتیای هندی ازهریک ده درم مارقشیشا
مرجان سرخ دهنه فرنگی عقیق سرخ طلا نقره مامیران چینی فلفل سفید
دارفلفل اقلیمیاء طلا اقلیمیاء نقره روی سوخته ازهریک چهار
درم سرطان بحری مروارید ناسفته سادج هندی ازهریک شش درم
یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران توبال مس سوخته ازهریک دو درم
صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنائی نافعست ازجهت ضعف
بصر وشبکوری صفت مس سوخته شادنج مغسول ازهریک پنجدرم
فلفل دارفلفل شحم حنظل زعفران ازهریک نیمدرم زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری

از هر یک یکدرم اقلیمیا دو درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را [illegible]
و تاریکی چشم ببرد و دمعه و سبل را نافع باشد صفت سرمه اصفهانی کوفته
یکدرم اقلیمیا نقره اقلیمیا طلا شادنج عدسی مغسول توتیا هندی مس سوخته
از هر یک دو درم پوست هلیله زرد ساذج هندی فلفل دار فلفل نوشادر
صبر سقوطری حضض مکی زعفران سرطان بحری از هر یک یکدرم زنجبیل
نیمدرم کافور نیم دانگ مشک سوخته قرنفل از هر یک دانگی صلایه کرده
در چشم کشند کحل [illegible] بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را
سود دارد صفت شادنج عدسی ساذج هندی از هر یک دو درم دار فلفل
دم الاخوین از هر یک نیمدرم روی سوخته مازو از هر یک یکدرم فلفل قاقله
مشک از هر یک دانگی کافور [illegible] کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند کحلی که
بیاض و آثار قروح از چشم ببرد و شعیره را نافع باشد صفت زبد البحر اقلیمیا
نقره سفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم سنبل مروارید ناسفته
از هر یک دو درم صمغ عربی کثیرا انزروت بعر الضب [illegible] قونیا از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحلی که نزول آب را نافع باشد صفت زیره
کرمانی شاخ بز کوهی ده درم شحم حنظل یک مثقال فرفیون نوشادر از هر یک

نیم مثقال سکبینج نیمدرم کوفته و بیخته با آب سداب یا آب رازیانه سرشته خشک کنند
و دیگر باره صلایه نمایند و در چشم کشند کحل دیگر که مژه برویاند صفت استخوان
خرمای سوخته نیمدرم دخان کندم چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک دو درم
لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفنها کشند کحل بنفشجی تاریکی چشم و دمعه
و جرب را نافع باشد و حکه را صفت شادنج مغسول دم الاخوین از هر یک دانگی
روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیمدرم ساذج هندی دو دانگ
قاقله مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند کحلی که
صحت چشم را نگاه دارد صفت توتیا دو درم شیاف مامیثا سه درم
صبر سقوطری حضض مکی از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته با آب غوره
یا آب سماق بپرورند و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند
گل حکمت گل زرد پاک چهار من بکوبند و بپزند و بکمر کاغذ و نیم [illegible] در آب کنند
و بدست بمالند تا حل شود بعد از آن گل بر سر الک ریزند و [illegible]
بمقراض چید و [illegible] سرگین اسب بیخته داخل کنند و نیک بمالند و هفت
روز بآب تر می کنند و می سرشند و آنگاه وصله وصله خشک کنند و در وقت
حاجت که خواهند بکوبند و بآب بسرشند و استعمال نمایند [illegible]

سرفه و خشونت حلق را نافع بود و سینه را نرم کند و نفث آسان گرداند و طبع را
نرم کند صفت سپستان دویست عدد مویز منقی چهل درم فلوس خیارشنبر
پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید و بدست بمالند
و صاف کنند و یک رطل قند سفید اضافه نمایند و بقوام آورند لعوق زوفا
ربو و سرفه کهنه را نافع بود و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت
زوفاء خشک بیخ سوسن از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند
تا برطلی آید صاف کنند و با یک رطل قند سفید بقوام آورند لعوق ارشاد
سرفه بلغمی را نافع بود و سینه را از اخلاط غلیظ پاک سازد صفت حب الرشاد
ده درم اصل السوس چهار درم انیسون رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیمکوفته
در دو رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و با یک رطل عسل صاف
بقوام آورند لعوق بزر الکتان ربو و سعال مزمن را نافع بود و سینه را از
اخلاط پاک کند و بر نفث اعانت دهد صفت بزرک بریان کرده سی درم
فوذنج ده درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق طباشیر
سل و قرحه ریه و سرفه حار را نافع بود صفت نشاسته کتیرا از هر یک ده درم
طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز جلغوزه صمغ عربی فاقله از هر یک [illegible]

88

قند سفید شصت مثقال کوفته بروغن بادام و عسل بسرشند و استعمال نمایند
لعوق حلبه بحوحه و غلظ صوت را نافع بود و سینه را نرم کند و نفث را آسان
گرداند صفت بزرک ده درم حلبه مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم کتیرا
اصل السوس مغز جلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک دو درم کوفته بعسل
بسرشند و لعوق سازند لعوق بادام سرفه و خشونت حلق و حنجره را سود
دارد صفت صمغ عربی کتیرا نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو
مغز بادام از هر یک پنج درم قند سفید بیست درم کوفته بگلاب بسرشند
و بروغن بادام چرب کنند و لعوق نمایند لعوق رب السوس سعال مزمن را
نافع بود و فضول لزجه را از سینه دفع کند و بر نفث یاری دهد صفت
رب السوس کتیرا بارزد مغز بادام رازیانه از هر یک مساوی کوفته بعسل صاف
و روغن بادام بسرشند لعوق اسقیل ربو و سعال مزمن که با مطبوب مبتلی
نافع بود صفت پیاز عنصل مشوی یک درم ایرسا دو درم فراسیون زوفا
از هر یک یک درم کوفته و بعسل مصفی بسرشند و لعوق نمایند لعوق که سرفه
خشک را نافع بود و سینه را نرم کند صفت رب السوس بهدانه مقشر از هر یک
دو درم ماقلا نشاسته کتیرا صمغ عربی تخم خطمی مغز تخم خیار مغز تخم کدو مغز

تخم خربزه از هر یک پنجدرم خشخاش دو درم مغز بادام مویز منقی از هر یک بیست درم
مویز را در روغن بادام بپزند و ادویه دیگر را کوفته بان بیامیزند و با مسیح
بسرشند و لعوق سازند لعوق خیارچنبر نسخه یحیی بن ماسویه است درد
حلق و تب و تشنگی و خشونت زبان را نافع باشد صفت عناب پنجاه
عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست پنجدرم بنفشه
اصل السوس کوفته از هر یک پانزده درم کتیرا شانزده درم بزرقطونا
بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا بثلث آید صاف کنند
و پنجدرم مغز خیارچنبر در آن بمالند و دیگر باره صاف کنند و یک رطل
مسیح و سی درم فانید داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با
روغن بنفشه بادام بپزند لعوق دیگر سل و قرحه امعا و نزف دم و سرفه بلغمی را
نافع باشد صفت پوست خشخاش سفید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند تا به رطلی
آید رطلی قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن رب السوس
و مغز بادام و مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم کوفته بان ممزوج سازند شربتی
ده درم بلیسند لعوق خشخاش بنسخه دیگر نزله گرم را که رقیق باشد ساکن گرداند
صفت تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم

مغز تخم کدو

مغز تخم کدو مغز بیدانه شیرین از هر یک سه درم کوفته و بگلاب بسرشند لعوق نافع
لعوق حب قصب سینه را از اخلاط پاک کند صفت مغز بادام شیرین ده درم
مغز پنبه دانه دو درم آرد باقلا پنجدرم کرسنه فراسیون از هر یک سه درم
فانید شصت درم فانید را در آب بگدازند و بقوام آورند و ادویه کوفته
و بیخته بان بسرشند شربتی یک ملعقه باید در شبانگاه لعوق کرنب سینه را از
اخلاط غلیظ پاک گرداند صفت آب کرنب پخته یکمن و نیم با نیم من عسل بپزند
و بقوام آورند بعد از آن مغز جلقوزه و مغز پنبه دانه و آرد باقلا از هر یک
ده درم سرزک بریان کرده حلبه از هر یک پنجدرم مغز پسته پانزده درم کوفته
بان بسرشند شربتی پنجدرم بشیره خرما نافع باشد لعوق سیر سرفه بلغمی را سود دارد
و ماده را نضج دهد و سینه را پاک کند صفت سیر پاک کرده نیم من در نیم من روغن گاو
بپزند تا محرا شود پس بکوبند و نیک بمالند و با یکمن عسل صاف بقوام آورند
لعوق جلقوزه ربو و سعال مزمن و ضیق النفس را نافع بود و سینه را
از اخلاط پاک گرداند صفت مغز جلقوزه رب السوس صمغ عربی کتیرا بزر کتان بریان
کرده خرمای بی دانه از هر یک پنجدرم کوفته با دو رطل عسل بسرشند و در دو رطل
روغن گاو شربتی دو ملعقه لعوق سپستان چنین با شیر مادر در حلقوی اطفال

ببرند سرفه و خشونت سینه را نافع بن صفت صمغ عربی کثیرا رب السوس فانید
از هر یک چهار درم مغز بادام یکدرم کوفته بعسل بسرشند لعوقی که ربو و ضیق النفس و سرفه
بلغمی را نافع بن صفت بزرک بریان کرده و کوفته ده درم یکمثقال روغن بنفشه بادام و پنجدرم
عسل بسرشند و لعوق نمایند لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت بزرک کرسنه
مغز بادام از هر یک ده درم مغز جلغوزه پنجدرم بیخ سوسن هفت درم صمغ عربی کثیرا
از هر یک سه درم بعسل صاف سرشته لعوق سازند لعوق دیگر که همین منفعت دارد
صفت مغز جلغوزه چهل درم مغز بادام چهل درم بیخ رب السوس بیست و پنجدرم بعسل بسرشند
بلیسند لطوخ که شقیقه را نافع بن صفت مرکخم کاهو از هر یک یکدرم بزر البنج
و کثیرا از هر یک دو دانک افیون نیمدانک کوفته و بیخته ببرکه بسرشند و بر کاغذ
پاره کنند و بر شقیقه چسپانند درد را ساکن کند لطوخ دیگر که همین منفعت دارد صفت
زعفران افیون دم الاخوین صمغ عربی سفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین چسپانند لطوخ
دیگر که همین خاصیت دارد صفت تخم کاسنی و تخم کاهو از هر یک دو درم مرکخم
خشخاش سه درم افیون نیمدرم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بر دو صفحه کاغذ
کشند و بر صدغین چسپانند لطوخ که خواب آورد صفت تخم گل و تفاح از هر یک
یکدرم افیون دانکی کافور دو دانک کوفته در ظرفی کنند و ببویند لخلخه که منع

عفونت کند و صداع را نافع بن صفت صندل سفید سائیده کشنیز خشک گلاب برگ
در ظرفی کنند و ببویند لبوب کبیر کرده را گرم کند و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط
آورد و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه گرداند و رنگ روی را
نیکو گرداند و مر اعصاب را محکم کند و در امر مجامعت نظیر ندارد صفت مغز پسته
مغز فندق مغز بادام مغز حبة الخضرا مغز زردالو مغز جلغوزه مغز حب الزلم
ماهی ریبان نخود الوندی خولنجان شقاقل بهمن سرخ و سفید تودری سرخ و زرد
زنجبیل کنجد مقشر دارچینی از هر یک پنجدرم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل
کبابه چینی حب قلقل تخم کزر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم شبت تخم هلیون
لسان العصافیر درونج عقربی زرنباد از هر یک سه درم جوزبوا
بسباسه دوالمه سیاه دارفلفل از هر یک دو درم خصیة الثعلب نارجیل تازه مغز
سرنجبک خشخاش از هر یک ده درم قضیب گاو سوده سورنجان بوزیدان نغاع خشک
از هر یک چهار درم مایه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال
عود خام دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب
یکمثقال مشک ترکی نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند
هذا لبوب صغیر منی زیاد کند و کلیه و مثانه را قوی سازد و انسان را نافع باشد

ورنگ را نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد صفت مغز بادام مغز کدو کان

مغز حبة الخضرا مغز جلغوزه مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته تازه نارجیل

حب فلفل خشخاش سفید تودری کنجد مقشر تخم حرحر تخم پیاز تخم شلغم

تخم شبت بهمنین زنجبیل دارفلفل کبابه قرفه دارچینی شقاقل خولنجان

تخم هلیون از هر یک مساوی عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه

رسمست باب المیم مثرودیطوس قریب المنفعت به تریاق فاروق

لیکن تریاق فاروق در دفع سموم انفع است و مقدار شربت این در امراض

مذکور زیاده از آنست صفت زعفران غاریقون زنجبیل دارچینی کتیرا

از هر یک ده درم سنبل کندر حرف سفید عود بلسان اسطوخودوس سیساليوس

قسط کافیطوس قنه علک البطم دارفلفل عصاره لحیة التیس جند بیدستر

ساذج هندی میعه جاوشیر از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سیاه سورنجان

جعده سعد مازریون دوقو اکلیل الملک جنطیانا روغن بلسان حب بلسان

اقراص فرفیون مغاث از هر یک هفت درم سداب دو درم اشق

سنبل رومی مصطکی صمغ عربی فطراساليون قردمانا رازیانه افیون

گل سرخ مشکطرمشیع از هر یک پنج درم انیسون وج فوه سکبینج اسارون

مضمضه ... پوستهای ریشه سماق مساوی کوفته جوشانیده مضمضه کنند

ایضا مضمضه که تحت جون رفتن دندان نافع است

پوست خشخاش گلنار هلیله سیاه پوست هلیله زرد جوز سرو ماش طباشیر گل ارمنی آب گرم مضمضه کنند

ا۸ ا۸ ا۸ ا۸ ا۸ ا۸ ا۸

از هر یک سه درم اقاقیا ناف سقنقور هیوفاریقون از هر یک چهار درم و نیم

شراب ریحانی کهنه چند که صمغها در آن حل کنند عسل دو وزن ادویه

بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند خلقش اکبر

صداع و دوار و صرع کهنه و رعشه و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل

و درد دندان و وسواس و زبد بلغمی و قروح امعا و مغص ریحی و گرده

و مثانه را نافع باشد و نفث الدم را باز دارد و چون با لسان الحمل دهند درد

معده و سپرز را نافع بود و چون با آب رازیانه بنوشند و تنهای کهنه را زایل

گرداند و تحلیل اورام بورد و دفع سموم کند و چون بر قضیب طلا کنند

نعوظ آورد صفت سلیخه اذخر مر از هر یک وقیه و نیم جند بیدستر فطراساليون

از هر یک پانزده مثقال تخم کرفس دو وقیه سیساليوس یک مثقال قسط دارچینی

اقراص اندروماخیا میعه سائله اسارون از هر یک شش مثقال فلفل سفید هم

دوازده درم سنبل هفت مثقال حماما زعفران دارفلفل از هر یک چهار

درم افیون انیسون از هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند

چنانکه رسمست و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یک درم تا یک مثقال

معجون فلاسفه و آنرا ماده الحیوت نیز گویند هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد

وبلغم را دفع کند ونسیان وسلس البول ودرد پشت ودرد گرده واوجاع
مفاصل را نافع باشد ومنی بیفزاید وباه برانگیزد ودندانها سخت کند ودل را قوت
دهد ونشاط آورد ورنگ را نیکو گرداند وبوی دهن خوش کند وپیرانرا موافق
باشد صفت زنجبیل دارفلفل فلفل دارچینی آمله مقشر پوست بلیله شیطرج هندی
زراوند مدحرج خصیة الثعلب مغز جلغوزه عروق بابونه نارجیل تازه از هریک
ده درم بابونه پنجدرم مویز منقی سی درم عسل مصفی دو مقابل ادویه معجون
سازند شربتی دو درم معجون جالینوس گرده ومثانه سرد را گرم کند وسده بگشاید
صفت فلفل سیاه وسفید حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره ساذج هندی
زعفران تخم کرفس انیسون عاقرقرحا تخم انجره تخم سداب مساوی کوفته وبیخته
بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال در ماء الاصول یا در آب بادیان وآب
کرفس معجون ابومسلم این معجون را فریادرس گویند همه دردها را تسکین کند
صفت افیون بزرالبنج از هریک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل عاقرقرحا
سورنجان قاقله دارفلفل از هریک پنجمثقال کوفته وبیخته بعسل برسشند
شربتی از دانگی تا نیم مثقال معجون ترلاشه قولنج صعب را در زمان بگشاید صفت
خیربوا قرفه دوج هندی فلفل دارفلفل زنجبیل از هریک دو درم آمله مقشر

قرنفل از هریک یکمثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هریک نیممثقال تربد
سقمونیا از هریک دو مثقال کوفته وبیخته باسه چندان عسل برسشند شربتی
دو درم معجون زبل الذئب که همین خاصیت دارد صفت زبل الذئب
چهار درم تربد پنجدرم تخم کرفس انیسون از هریک سه درم کوفته وبیخته
بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار مثقال معجون تربدین قولنج
بگشاید وبلغم دفع کند ودرد پشت را ساکن سازد صفت سقمونیا
ده درم قاقله کبار وصغار زنجبیل دارچینی قرفه نارمشک قرنفل
فلفل از هریک پنجدرم تنکار سرخ تربد سفید از هریک صد مثقال عسل مصفی
بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دو درم معجون لوزین صفرا وبلغم دفع
کند صفت مغز کافیشه مغز بادام سقمونیا از هریک ده درم زعفران
یکدرم نبات بیست درم نبات را در گلاب بگدازند وادویه کوفته بدان
برسشند شربتی یکمثقال معجون اسود زحیر واسهال کهنه را سود دارد صفت
افیون چند بیدستر میعه بزرالبنج زعفران اسارون مر تخم کرفس سلیخه
انیسون سنبل کل مساوی کوفته وبیخته باسه چندان عسل معجون سازند
شربتی یکدرم با آب مورد یا آب به بنوشند معجون حجر الیهود سنگ گرده

ومثانه بریزاند صفت مغز سه تخم مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک پنجدرم
حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل سرشند شربتی دو درم تا سه درم
بنوشند معجون عقرب سنگ گرده ومثانه بریزاند وگزیدن عقرب را
بغایت نافع بود صفت عقرب محرق سه درم ونیم جنطیانا یکدرم وسیم
زنجبیل یکدرم فلفل دارفلفل از هر یک سه درم کاکنج پنجدرم ونیم [illegible] سه
چهار درم کوفته وبیخته بعسل سرشند ومعجون سازند شربتی دانکی باب
کرفس بنوشند معجون کاکنج قرحه گرده ومثانه وبول الدم را نافع باشد
صفت بزر البنج تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم
مغز تخم خربزه مغز تخم خیار [illegible] افیون مغز چلغوزه بریان کرده مغز فندق
مغز بادام تلخ بریان کرده از هر یک سه درم زعفران [illegible] درم ونیم کاکنج
بیست وپنج عدد کتیرا چهار درم کوفته وبیخته به [illegible] سرشند شربتی
یکدرم با خندستون یا ماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند
معجون مبدل المزاج لقوه وفالج ورعشه وبرص وخدر را نافع باشد
صفت زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط [illegible] از هر یک ده درم
سداب حلتیت زراوند جنطیانا شطرج حب الغار جندبیدستر [illegible]
از هر یک ششدرم

از هر یک یکدرم با عسل صاف معجون سازند چنانکه رسم است شربتی یک مثقال
معجون حب الغار نسخه محمد زکریا قولنج بکشاید واستسقاء طبلی وجمیع
امراض ریحی را که سبب آن حرارت نباشد نافع بود صفت سداب خشک
پنجدرم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز صعتر کرویا فطراسالیون
مغز بادام تلخ فلفل دارفلفل فودنه زوفا حب الغار جندبیدستر از هر یک
دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها را در شراب حل سازند
وادویه کوفته وبیخته داخل نمایند وبعسل بسرشند شربتی دو مثقال
معجون زراوند وانرا معجون ربوتیر گویند از تراکیب محمد زکریاست ضیق النفس
وسرفه بلغمی را نافع بود صفت زراوند مدحرج [illegible] فلفل کرسنه تخم [illegible]
مغز بادام تلخ تخم انجره از هر یک پنجدرم ربسوس پرسیاوشان زوفا از هر یک
دو درم کوفته بعسل بسرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفا معجون ابهل [illegible]
بارده را دفع کند وبادها بشکند صفت ابهل نانخواه وج کندر دارچینی
ساذج کوفته بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون سعال نافعست
سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت مغز چلغوزه سه درم مغز پسته پنجدرم
مغز بادام مقشر بزرگ از هر یک ده درم فانید سی درم بطریق معهود

معجون سازند شربتی یک کردکان ... ورم جکر را نافع باشد صفت کل سرخ
چهار درم بیخ سوس هفت درم ریوند چینی لک مغسول از هر یک یک مثقال و نیم
سلیخه مر زعفران از هر یک درم مر نیم مثقال زعفران را در سرکه حل کنند و باقی
ادویه را کوفته بدان مخلوط سازند و بعسل بسرشند معجون راحت قولنج در ساعت
بگشاید صفت فلفل دارفلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان قرفه
از هر یک ده درم سقمونیا هفتاد درم عسل صد و چهل درم شربتی یک مثقال
معجون وج ابتداء نزول را نافع باشد صفت وج حلتیت زنجبیل را زیانه مساوی
بعسل معجون سازند معجون لؤلؤی ترکیب جالینوس است و هفت منفعت
دارد قضیب را سخت کند و اوعیه منی را بگشاید و شهوت زیاد کند و اعصاب را
قوه دهد و در خون تغیر عظیم پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد در دل
زن پیدا کند صفت مروارید ناسفته بهمن سفید از هر یک یک مثقال انیسون
از هر یک سه درم کابنج بیخ لبلاب از هر یک یک درم فقاع اذخر سعد کزمازج سلیخه
دارچینی اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی کثیرا از هر یک نیم درم
کوفته با چندان عسل بسرشند و در وقت خواب و نزدیک مجامعت یک مثقال
با آب گرم بنوشد معجون انجیر که اعضاء رئیسه را قوه دهد و باه را زیاده کند

و نشاط آورد و معده را قوی گرداند و اشتها آورد و زنگ را نیکو گرداند و طعام را
هضم کند صفت دارچینی سنبل الطیب پوست بیرون پسته جوز بوا خولنجان
مغاث بهمن سرخ و سفید شقاقل دواله سیاه پوست هلیله بادرنجبویه گاوزبان
از هر یک سه درم مصطکی هیل زرنب زنجبیل قرنفل اساران سادج هندی
کبابه چینی پوست ترنج درونج عقرب زرنباد صندل سفید حب قلقل انیسون
نعناع لسان الحمل هلیله سیاه بوزیدان زعفران مامیران کهربا مروارید صلایه
کرده مرجان از هر یک دو درم سعد کوفی ورق گل سرخ از هر یک چهار درم ماهی
روبیان خصیة الثعلب تودری سرخ از هر یک پنج درم مشک تبتی نیم مثقال
عنبر اشهب یک مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد قند و عسل مصفی نیم
معجون سازند ... معجون ... تقطیر بول و سرعت انزال را نافع باشد
صفت ... کندر ... جفت بلوط بزر النفخ ... مساوی کوفته با دو مقدار
العنب آن
آن عسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون کندر که همان خاصیت دارد صفت
کندر بلوط شونیز کندر کشنیز خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی کرویا نانخواه
از هر یک پنج درم پوست هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر از هر یک سه درم
کوفته و بیخته با سه مقدار عسل بسرشند شربتی دو مثقال صباح و مسا بنوشند

158

وغذا کباب معجون اشبود با که همان خاصیت دارد صفت کبابه چینی فوفل قرنفل

سنبل خصیة الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک ده درم با نیم عسل معجون سازند

شربتی دو درم معجون بزور در تقویت باه بی نظیر است صفت تخم گزر تخم پیاز

تخم شلغم تخم ترب تخم هلیون تخم اشبت تخم جرجیر جلقوزه حب قلقل حب النخلم

بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل بهمنین

دار فلفل حرف حلتیت قرفه مساوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی سه درم

باده درم شیر تازه یا شراب بهترین معجون انفع این معجون از مفرحات است

و بعضی از تریاقات شمرده اند و منافع این بسیار است صفت قرنفل فوفل

زنجبیل سنبل دار فلفل خیربوا جوزبوا قاقله کبار شیطرج هندی لسان العصافیر

درونج عقربی بادرنجبویه مصطکی لسان الثور خولنجان فرنجمشک مروارید

صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گل سرخ یاقوت رمانی بهمن سرخ و سفید

از هر یک دو درم نشاسته شش درم پوست ترنج سه درم پوست بلیله یک درم

عنبر اشهب زعفران از هر یک یک درم و نیم مشک نیم درم کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی یک درم تا دو مثقال معجون بوتمرش حافظ راوت

دهد و نسیان را نافع باشد صفت بلادر افیون از هر یک ده درم حب شش درم

159

95

غاریقون بیست و چهار مثقال سلیخه زراوند زعفران دارچینی مصطکی از

هر یک شش مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از هر یک بیست مثقال عسل را

سه چهار یک بطریق معهود معجون سازند معجون اصطمخیقون بتباهی مزاج و درد معده

سود دارد صفت قسط حماما سنبل سلیخه مصطکی از هر یک دوازده درم

زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی

دوقو فطراسالیون کاشم اسارون فستین الجدانی فودنه نعناع از هر یک

چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند معجون تمر قولنج بکشاید صفت

زنجبیل فلفل سفید از هر یک بیست درم سقمونیا ده درم خرما دانه بیرون کرده

مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم خرما را در سرکه خیسانیده

یک شب نروز و بکوبند و ادویه کوفته و بیخته با نیم عسل صاف معجون سازند

شربتی سه درم تا چهار درم معجون جنطیانا صلابت سپرز و جگر و درد معده

و گرده و مثانه را نافع بود و سده بگشاید صفت جنطیانا زروی فلفل سیاه

از هر یک ده درم قسط ساذج هندی سنبل ریوند چینی از هر یک هفت مثقال

کوفته و بیخته با سه وزن آن عسل سرشند شربتی دو درم با ب سداب معجون

افسنتین درد معده و جگر که از سردی باشد زایل گرداند و استسقا را نافع

صفت انیسون تخم کرفس فستین مغز بادام تلخ کوفته و بیخته یکدرم چند
عسل برشتند شربتی دو درم معجون سنبل معده و جگر را نافعست صفت
سنبل الطیب فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم مویز منقی
سلیخه از هر یک پنجدرم زعفران تمر انیسون از هر یک یکدرم فلفل
مقل از هر یک دو درم مقل و مویز را در مثلث حل کنند و داروها
کوفته و بیخته بدان بیامیزند و با عسل معجون سازند معجون دقی سرد و درد
جگر و درد معده و سینه را سود دارد و او از صافی کند و بول براند صفت
مویز منقی بیست پنجدرم زعفران سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان
از هر یک یکدرم قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک دو درم و نیم
انچه حل کردنیست در مثلث حل کنند و انچه کوفتنیست بکوبند و بیزند
و مجموع را با عسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم با شراب زوفا یا آب گرم بنوشند
معجون قباد الملک مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای کهن
و ضیق النفس و سرفه کهن و ریش روده و تاریکی چشم را
نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت جنطیانا رومی
اسطوخودوس قردمانا جاوشیر کافنطوس تخم سداب فراسیون

اسقوردیون

96

اسقوردیون میعه سائله از هر یک پنجمثقال بزر زعفران قسط فلفل سفید
اذخر سنبل فرفیون پوست بیخ لفاح اشق فودنه رازیانه زوفا قوروق
گل سرخ باردین حب بلسان از هر یک سه درم فرفیون بیست مثقال
سلیخه تخم عصاره غافت تخم جند فوتی صمغ بادام از هر یک
چهار درم افسنتین بزر البنج سفید از هر یک شش درم مثقال قند سفید
چهار درم انچه حل کردنیست در مثلث حل کنند و انچه کوفتنیست بکوبند
و با او ممزوج سازند و بعسل بسرشند و معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند معجون جبر خفقان بارد و صرع را و درد معده که از سردی
باشد و فواق امتلائی را نافع باشد و سده بگشاید صفت چند بیدستر
رب السوس سلیخه قسط تلخ فلفل سیاه افسنتین میعه زعفران
سنبل از هر یک سه درم جاوشیر یکدرم ورق عقرقرحا باد مروارید
اسفنه از هر یک نیم درم مثلث حوائج کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی مقابل یکنخود معجون که از جهت ضعف معده نافع است صفت
طباشیر پوست سنگدان فروس از هر یک دو مثقال گل سرخ
سه درم نعناع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج پوست هلیله زرد

از هر یک مثقال لهم سرخ و سفید صندل سرخ و سفید صعتر کشنیز خشک
بریان کرده حب الاس از هر یک دو درم کوفته و بیخته با شراب غوره اکثر معجون سازند
شربتی دو مثقال معجون نجاح مسهل آنچه از سودا و بلغم بود و امراض سوداوی
و بلغمی را نافع بود صفت هلیله سیاه پوست هلیله کابلی آمله مقشر افتیمون
از هر یک ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس تربد سفید از هر یک پنج مثقال
غاریقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم
سقمونیا سه درم کوفته و بیخته با صد و پنجاه درم عسل بسرشند پنج مثقال تا
هفت مثقال معجون خیارچنبر مسهل صفرا و بلغم باشد صفت تربد سفید
چهل درم بنفشه سی درم نمک هندی ربسوس از هر یک هفت درم
رازیانه انیسون مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم عسل خیارچنبر صد درم
روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک صد مثقال مغز خیارچنبر را در عسل
و قند حل کنند و داروها کوفته بروغن بادام چرب کنند و بیکدیگر بسرشند شربتی
از هفت مثقال تا پنج معجون سورنجان مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص
بمفاصل و نقرس و عرق النسا است صفت سورنجان شش مثقال
ماهیزهره زیره کرمانی پوست بیخ کبر شیطرج هندی برگ حنا زبد البحر فلفل سفید

رازیانه صعتر از هر یک یک مثقال گل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک
از هر یک سه درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام چهار درم و نیم عسل مصفی
صد و پنجاه درم شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون مشک درد جگر و معده
ضعیف را نافع باشد و سده بگشاید و اورام صلبه را تحلیل دهد صفت سنبل
مشک سلیخه ساذج هندی لک مغسول ریوند چینی جنطیانا رومی از هر یک
دو درم و نیم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی قرنفل از
هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند معجون نانخواه
معده را پاک کند و اشتهاء طعام آورد و باه را قوه دهد صفت صعتر نانخواه
زوفا نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل بسرشند معجون مسیحی درد پشت و درد پا را نافع باشد و باه را قوت دهد
و معده را پاک گرداند و موی را زاید و روی را سفید گرداند و سودا را دفع کند
و سرعت انزال را سود دارد صفت گل سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل
مصطکی زرنباد زعفران قاقلتین جوزبوا مساوی قند و عسل منصف
بقدر احتیاج قند را در گلاب بگدازند و با عسل بقوام آورند و دارو به کوفته
و بیخته با آن بسرشند معجون غیاثی اشتهای طعام آورد و بوی دهن خوش کند

معجون علائی مستعمل جهت زیاد کردن منی و دفع ضعف گرده و معده و اشتها مجرب

سنبل الطیب قرفه قرنفل وحفظ بیفزاید و منی زیاد کند صفت زعفران عاقرقرحا بزر البنج فرفیون
خولنجان فاقله کبار دار فلفل جند بیدستر مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل سرشند
معجون سیر لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع باشد و معده را
قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوه بیفزاید و رنگ را سرخ گرداند و حرارت
غریزی برافروزد و پیران را بغایت سودمند بود صفت سیر پاک نیم رطل در
شیر گاو بپزند تا مهرا شود و سه چهار یک عسل و سی درم روغن گاو بر سر آن
ریزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از آتش فرو گیرند و این ادویه کوفته
و بیخته بان بسرشند قرنفل جوزبوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله صغار و کبار
پوست هلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود خام زعفران
از هر یک پنج درم شربتی مثقالی یک گردکان معجون نمک هندی معده را پاک
کند و قی بلغمی و سوداوی را باز دارد و دوار سوداوی و بلغمی را نافع باشد
صفت هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم
افتیمون چهار درم کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند شربتی دو درم با آب گرم مجرب
اوجاع کبد و معده را نافع باشد صفت دارچینی قسط سلیخه از هر یک سی درم
انیسون ریوند چینی تخم کرفس از هر یک ده درم اسارون بیست درم زعفران
هشت درم

۱۹۵

۹۸

هشت درم فقاع اذخر از هر یک بیست و چهار درم مر را در شراب حل کنند و ادویه
دیگر کوفته و بیخته بان ممزوج سازند و بعسل صاف معجون کنند معجون
فالج و لقوه و استرخاء و امراض بلغمی را نافع بود و چون بر عضو مفلوج
و مستر خی طلا کنند نافع باشد صفت افیون فرفیون جند بیدستر دارچینی
دار فلفل بزر البنج سنبل زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
معجون که نقرس بلغمی را نافع بود صفت پوست هلیله زرد سورنجان عاقرقرحا
از هر یک پنج درم فلفل سفید یک درم و نیم زیره کرمانی هفت درم زنجبیل دو درم
افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال بنوشند
معجون سکنجبین قولنج را نافع باشد صفت سکبینج تخم کرفس جند بیدستر
از هر یک یک جزو سقمونیا را در بادام روغن بستانند و سکبینج در عسل
حل کنند و با یکدیگر بیامیزند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بدان بسرشند
شربتی سه مثقال بنوشند معجون جلغوزه عسر البول را نافع باشد صفت
دوقو ریوند چینی اذخر حب بلسان افیون انیسون سلیخه زعفران دار چینی
اسارون فطراسالیون کاشم فیطوس از هر یک سه درم مغز جلغوزه
سی درم نعناع خشک نیم درم کوفته بعسل بسرشند معجون ریوند چینی

دارچینی قسط از هر یک [illegible] درم زنجبیل تخم کرفس اسارون [illegible] از هر یک [illegible] بسه چندان عسل بسرشند [illegible] نافع [illegible]
راسن چهار درم [illegible] الافسنتین [illegible] [illegible] اسارون تخم کرفس زنجبیل [illegible] افسنتین [illegible] [illegible] معجون [illegible] اصناج نافع

درد جکر و معده و اورام رحم را نافع باشد صفت ریوند چینی شهدانه
وج بیخ الجذر تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه مساوی بعسل
بسرشند و بعضی شهدانه را سس کنند شربتی یکمثقال بماء العسل
معجون فیقرا شهوت رویه را نافع باشد و صداع را دفع کند صفت ایارج فیقرا دو از
درم پوست هلیله کابلی بلیله آمله از هر یک دو درم ملح نفطی دو درم تخم کشنه
و بیخته معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم در طبیخ فودنه معجون فودنه
بادها بشکند و طعام هضم کند صفت فودنه برگ صداب زنجبیل بلفلفل
نانخواه بروناکاشم دارچینی دار فلفل مساوی بعسل معجون کنند شربتی
دو درم معجون مقل بواسیر و اورام مقعد را نافع باشد و بادها را مع اول بشکند و خون
رفتن از مقعد باز دارد صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله تخم کشنیز
تخم کندنا تخم ریحان از هر یک پنج درم مقل چهار درم مقل را در آب حل کنند
و ادویه باقی را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی دو درم معجون سلس بول و سیلان
منی باز دارد صفت اقاقیا کلنار را از هر یک سه درم صندل سرخ و سفید
عدس قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی طباشیر رز هر یک دو درم
حب الآس دو مثقال کنند یکدرم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند شربتی یکدرم

معجون انقطاع اسهال دموی و بلغمی و زحیر را نافع باشد
صفت افیون جند بیدستر میعه سائله بزر البنج زعفران
اشاروان تخم کرفس سلیخه انیسون کلنار سنبل الطیب تخم کل ارمنی مرکی
مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی یکدرم با مکدرم
با رب به یا با رب مورد یا با رب سماق معجون ... امراض صفراوی را
دفع کنند صفت بنفشه مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم کاسنی
سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو سقمونیا از هر یک چهار درم کتیرا
یکدرم اصل السوس دو درم کوفته بقند و گلاب معجون سازند شربتی
یکدرم بگلاب کرده معجون قراط نسیان و مالیخولیا و صرع و بهق
و برص و اوجاع مفاصل را سود دارد و درد معده و داء الحیه و
داء الثعلب و داء الفیل و تقطیر البول و سرفه کهنه و تب ربع
و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان سدی و طحال را نافع
و دفع کند غائله سموم و دل را قوت دهد و باه را زیاد کند و حب القرع را
دفع کند و سنگ گرده و مثانه بریزاند و حیض بگشاید و بوی دهن
خوش کند و بوی عرق خوش کند و گرانی زبان را ببرد و صداع زایل کند

وجمیع امراض بلغمی وسوداوی را سود دارد و پیرانرا بغایت مفید باشد
صفت جنطیانا قردمانا ارمشک تخم فنجنکشت حب الغار زراوند
طویل از هریک یکمثقال انیسون جندبیدستر حب بلسان عود بلسان
سلیخه اسارون مصطکی از هریک یکدرم مروج دورونج عقربی
زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم گندنا از هریک دودرم صبر سقوطری
ده درم تربد سفید بیست درم عود خام دوازده درم جوزبوا ریوند چینی
قرنفل فاقله اشنه بسباسه سنبل زعفران اسقیل بریان کرده زرنب
شیطرج افلیجه دارچینی از هریک سه درم ورق گل سرخ بادرنجبویه
لک مغسول از هریک پنجدرم سعد حب محلب از هریک چهار درم هلیله سیاه پوست
بلیله آمله از هریک شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کرده و
شش ماه در میان جو گذارند شربتی از دو درم تا پنجدرم معجون دیگر
که نافعست از جهت کسی که بواسطه درد معده طعام را قی کند صفت
اصول اذخر سعد از هریک یکدرم اشنه بلیله فلفل کندر نانخواه از هریک
نیم درم دانه مویز منقی زنجبیل دارچینی سلیخه فودنه از هریک دانکی و نیم
مصطکی عود خام از هریک دو دانگ قرنفل سک از هریک دانکی دانه مویز برا

بکوبند

بکوبند وقدری آب اضافه کنند و شیره آن بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود
ادویه دیگر کوفته و بیخته بدان سرشند و هر روز مقابل یکفندق تناول نمایند
معجون دیگر ضعف معده و بواسیر را نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی
پوست بلیله آمله گل سرخ از هریک ده درم اصل السوس جوزبوا سک سنبل مصطکی
اذخر از هریک هفت درم مشک یکدرم خبث الحدید مدبر صد درم کوفته و بیخته
بعسل سرشته معجون سازند شربتی سه درم معجون راسن اورام صلب معده
و جگر را نافع باشد صفت ریوند چینی زنجبیل راسن استرغاز از هریک پنجدرم و
تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه از هریک نیم جزو کوفته و بیخته بعسل سرشند
شربتی مقابل یکفندق معجون مسهل اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد کاهی که
با آن حرارت و تب نباشد صفت جندبیدستر اسارون افیون میعه سائله
بزر البنج کندر مساوی بعسل سرشند شربتی دو درم تا سه درم بنوشند
معجون [illegible] مصروع را نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی پوست
هلیله زرد پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس از هریک ده درم عود
صلیب پنجدرم عاقرقرحا سه درم مویز منقی یکرطل ادویه را کوفته و بیخته
با مویز منقی کوفته معجون سازند شربتی پنجدرم بنوشند معجون [illegible]

همین خاصیت دارد صفت [illegible] اسطوخودوس از هر یک
ده درم غاریقون پنجدرم قردمانا حلتیت زراوند مدحرج از هر یک
دو درم کوفته به سکنجبین عنصلی بسرشند شربتی یک مثقال بخورند
معجون [illegible] نافع باشد صفت کندر وج سعد از هر یک
ده درم فلفل زنجبیل از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی یکمثقال بنوشند معجون که منع منی کند [illegible]
[illegible] خوشه مغز بادام تلخ کرنب [illegible] نقطه
سداب [illegible] مساوی کوفته بعسل معجون سازند [illegible]
که سلس البول را باز دارد صفت کلنار ده درم کندر بلوط از هر یک
بیست درم سعد کرویا از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند معجون دیگر که همین خاصیت دارد صفت شاه بلوط
هفت درم کلنار دو درم دار فلفل خصیة الثعلب از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم معجون دیگر که بادهای زنان [illegible] را
دفع کند و [illegible] محافظت چنین نماید صفت زرنباد درونج عقربی
از هر یک دو درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم جند بیدستر

یکمثقال

یک مثقال دواء المسک سنبل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
و معجون سازند شربتی یکمثقال معجون [illegible] زرنباد درونج جند
بیدستر حلتیت مازو طباشیر از هر یک یکدرم زنجبیل ده درم
قند سفید دوازده درم مشک نیم مثقال کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی دو درم معجون [illegible] سورنجان ده
درم سنای مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی
دار فلفل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو مثقال با آب گرم بنوشند معجون مفرح [illegible] توحش [illegible]
[illegible] صفت ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک
پنجدرم بسباسه پوست ترنج قرفه تخم فرنجمشک از هر یک سه درم مشک [illegible]
کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند معجون معتدل [illegible]
و خفقان را نافع باشد [illegible] آورد و رنگ را نیکو گرداند و تشنگی
بنشاند صفت مروارید ناسفته بسد کهربا گاوزبان عود خام از
هر یک دو درم کهربا [illegible] کاسنی کشنیز خشک از هر یک پنجدرم صندل
سرخ و سفید طباشیر از هر یک هشت درم افتیمون گل سرخ از هر یک

از هر یک ثلث مثقال ساذج هندی زرنباد تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه
خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک چهار درم زعفران عنبر
درونج رومی از هر یک دو درم کافور یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته
بشراب سیب معجون سازند معجون حار خفقان و ضعف دل را که
از سردی باشد نافع است صفت گاوزبان بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید
تخم فرنجمشک از هر یک هفت درم آمله مقشر بریان کرده هشت درم
عود قماری ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یکمثقال زعفران
یکدرم ابریشم سوخته کهربا سوخته قرنفل زرنب کشنیز خشک دارچینی از هر یک
نیم درم عسل هلیله کابلی رب یاقوت و زر محلول از هر یک نیم درم درونج
عقرب یکدرم و نیم مویز منقی نیم من قند نیم من عسل هلیله و
منقی را در یکدیگر بجوشانند و بقوام آورند و داروها را
کوفته و بیخته بان بیامیزند شربتی یکمثقال معجون بارد
خفقان حار را نافع بود و دل را قوت دهد صفت
گل سرخ طباشیر بهمن سرخ و سفید گاوزبان کشنیز
خشک بریان کرده سفید از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو

مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه پانزده درم زرشک
منقی شش درم کهربا مروارید ناسفته زعفران کافور از هر یک
نیم درم نبات مصری صد درم نبات را در عرق بید
مشک بگدازند و با پنجاه مثقال آب سیب بقوام آورند و
9 داروها را کوفته و بیخته با آن بیامیزند معجون بارد دیگر
مروارید ناسفته ابریشم سوخته طباشیر کهربا گاوزبان گل
ارمنی از هر یک دو درم مشک نیم درم قند سفید سی درم
معجون سازند چنانکه رسم است
خفقان و ضعف دل را زایل کند و نشاط هر چه تمامتر آورد
بهمن سرخ و سفید پنج درم پوست هلیله کابلی پوست
بیرون پسته و پوست ترنج ابریشم خام مقرض مروارید
ناسفته از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه
از هر یک ده درم کشنیز خشک طباشیر از هر یک سه درم
بسد کهربا زرنباد درونج عقرب رومی از هر یک یکدرم عود
خام یکمثقال آب انار آب به حماض آب زرشک از هر یک

204

دهد درم قند سفید شراب بنفشه از هر یک مثقال آنها را با قند و شربت
بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته بان سرشته معجون [illegible]
خفقان و ضعف دل که از سردی بود سود دارد و نافع باشد و دل را قوت دهد
پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان مغز تخم خیارین از هر یک پنجدرم
بهمن سرخ و سفید از هر یک ده درم و نیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید
کنجد مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی [illegible] درم و نیم تخم کرفس
یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنج مثقال نبات مصری ترنجبین سفید
از هر یک [illegible] نبات و ترنجبین را در گلاب حل سازند و بقوام آورند و ادویه
کوفته و بیخته بان سرشته [illegible] طباشیر بهمن سرخ و سفید گل سرخ
کهربا مروارید بسفشه از هر یک یکمثقال صندل سفید کشنیز خشک از هر یک
دو درم تخم خرفه هشت درم زرشک سیدانه [illegible] ملحول از هر یک
نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید یکمن آب ترنج
چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند مفرح [illegible] دل و جگر را
و دماغ را قوت دهد و مبهی [illegible] بیفزاید و اشتهای طعام و جماع آورد
و باه را قوت دهد [illegible] گاوزبان [illegible] بادرنجبویه گل سرخ از هر یک

205

پنجدرم خولنجان قرنفل کبابه سنبل قاقله کبار و صغار جوز بوا تخم
فرنجمشک مصطکی پوست ترنج لسان العصافیر بسفایج [illegible] از هر یک
سه درم [illegible] چهار درم مروارید بسفشه سادج هندی سعد کوفی
عنبر اشهب از هر یک دو درم زنجبیل دارفلفل از هر یک
یکدرم خصیة الثعلب ده درم مشک [illegible] ملحول از هر یک نیم درم
لعل کهربا بسد از هر یک یکدرم جوز بوا جزو اعظم سی مثقال [illegible]
دو وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست [illegible] لعل
[illegible] سه از هر یک پنج مثقال زعفران سه مثقال جزو اعظم و دو مثقال
قند سفید پنجاه مثقال قند را در گلاب بگدازند و بقوام آورند و ادویه
کوفته و بیخته بان سرشته [illegible] که خفقان [illegible] سوداوی را نافع باشد
[illegible] سادج سعد [illegible] انیسون تخم کرفس تخم [illegible] از هر یک سه درم
پنجدرم عصاره افسنتین شش درم زعفران و مشک از هر یک یکدرم
بادرنجبویه ده درم پوست ترنج دو درم گاوزبان هفت درم [illegible]
و بیخته باب افتیمون جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم [illegible] هلیله
معده را قوت دهد و هاضمه را قوی گرداند و طبع را نرم کند و [illegible]

نافع باشد و باصره را تیز گرداند و نسیان زایل کند و خون نگاه دارد

صفت هلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان آب
بر سر آن ریزند که آنرا بپوشاند و خاکستر پاک پنجاه درم بر سر آن
کنند و چهار نوبت آن خاکستر را تغیر کنند و هر سه روز یکبار
بجوشانند چنانکه پوست از آن جدا نشود و در دیگ کنند
و آب صاف بر سرش بریزند و یک کف جو مقشر نیم کوفته اضافه
آن کنند و بجوشانند تا جو پخته شود بیرون آورند دیگر باره بدان
دستور بشویند و هر هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرفی کنند
و چندان عسل بر سر آن بریزند که آنرا بپوشاند و بیست روز
بگذارند بعد از آن از میان عسل بیرون آورند و آن عسل را
نگاه دارند و دیگر عسل تازه بر سر آن ریزند و ده روز دیگر بگذارند
و بعد از آن عسل اول را در دو دم بجوشانند تا بقوام آید و این
داروها را داخل کنند بهتر باشد قرنفل قاقله زنجبیل
جوزبوا مصطکی عود از هر یک پنج مثقال مشک نیم درم
زعفران یک مثقال در ظرف چینی کنند و بعد از چهل روز

استعمال نمایند

104

استعمال نمایند برای [illegible] باه را قوت دهد و نقوط تام نماید و مثانه را سود
دارد و صفت شقاقل تازه را در آب خیسانیده و یکشبانه روز در آن
آب بگذارند و یک شبانه روز دیگر در آب تازه خیسانیده باز آن
آب بریزند و یکشبانه روز دیگر در آب تازه خیسانیده بعد از آن
مقشر کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود و آنگاه عسل صاف بر سر آن ریزند
و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و در ظرف کنند و بعد از چهل روز تناول
فرمایند برای [illegible] معده را قوت دهد و فرح آورد و صفت
گوشت ترنج را در دیگ کنند و با آب بجوشانند تا نیم پخته شود و در ظرفی
کنند و بعد از آن بفشارند و عسل صاف بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوشانند
تا بقوام آید اگر بقند خورند همچنین اما مربای تمر و بالنگ و شقاقل و جوز
و گردکان بعسل بهتر باشد و مربای تمر هندی و آلو و به و سیب و امثال
اینها بقند مربای جوز باه را قوت دهد و سینه نرم کند و پشت محکم گرداند
صفت گوز بزرگ را پوست بگیرند و پاره پاره کنند و میان
آن را بیندازند و در آب و عسل اندازند و اندک بجوشانند تا پخته شود و بعد از آن
بیرون آرند و در عسل اندازند و اندک جوش بدهند و در ظرفی کنند و بعد از

چهل روز تناول نمایند مربای [illegible] گرده و مثانه و معده بارده نافع باشد
و بول را ابرانند و ریحهای بلغمی را سود دارد و باه زیاده کند صفت زنجبیل
ازاد خوب را در زیر ریگ ریزند و بیست روز بهر روز آب بران
میریزند و بعد از آن بیرون آورند و بشویند و ریشه کنند و به آب و عسل
بجوشانند تا بقوام آید مربای [illegible] معده را قوت دهد و باه را زیاد کند
صفت بستانند گردکان تازه که هنوز صلب و پوست از آن جدا کنند
و بعسل بجوشانند تا بقوام آید مربای [illegible] قولنج ریحی و فالج و صرع را نافع
باشد صفت [illegible] ترکی فربه سه شبانروز در آب بخیسانند و بعد از آن
بیرون آورند و در آب عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای [illegible] حرارت را
دفع کند و تشنگی نشاند صفت [illegible] بستانند پوست هندوانه و
سبزی از آن بتراشند و سه روز در آب و آهک خیسانند
روز چهارم در آب و نمک خیسانند و یک شبانروز بگذارند پس
بیرون آورند و سه شبانروز در آب شیرین اندازند
و بعد از آن در آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس
بیرون آورند تا آب از آن برود و دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند

تا بقوام آید

تا بقوام آید مربای [illegible] سینه و شش و مثانه را نافع باشد صفت
کدوی تازه را بتراشند و مغز از آن بیندازند و پاره پاره کنند و به آب
عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای [illegible] صفرا دفع کند
و تب زایل گرداند و محرور مزاج را موافق باشد [illegible] تمرهندی را
از چوب و دانه پاک کنند و در گلاب خیسانند یک ساعت بعد از آن
قند را بقوام آورند و تمر بر روی آن ریزند و چون یک جوش بزنند فرود
گیرند مربای سیب معده و دل را نافع باشد [illegible] سیب را پوست
باز کنند و دانه بیرون آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته
شود پس با قند بقوام آورند مربای [illegible] صفت مربای به مثل مربای
سیب است اما سیب درست مربا کنند و به نرمی آتش
معده را قوت دهد و قی و غثیان و [illegible] و فواق و درد جگر را
نافع باشد [illegible] آب به ترش چهارم شراب [illegible]
عسل مصفی دو من مجموع را در دیگ ریزند و زنجبیل و قاقله و مصطکی
صعتر و دارچینی و کبابه چینی و قرنفل از هر یک [illegible] زعفران سه درم همه را
نیم کوفته کنند سوای زعفران و در کیسه ریزند و در آن اندازند

وبجوشانند و زمان زمان کمه را دست می مالند تا شیرتمام باز دهد و زعفران
سابیده اضافه نمایند و بقوام آورند [illegible] معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بول براند و مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد [illegible] عسل یکجزو
و اب دو جزو بجوشانند تا ثلث برود و ثلث بماند و اگر مفوه خاهند
دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی زعفران هیل جوزبوا بسباسه کوفته و بیخته
بقدر احتیاج اضافه نمایند [illegible] ماخولیا و یرقان و جرب
و کلف و امراض سودا و یرا نافع باشد و صفرا براند و با افتیمون مسهل سودا
باشد [illegible] بز سرخ جوان صحیح البدن که چهل روز از زاییدن او گذشته
باشد هر روز کشنیز تازه بدهند یا کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا علف جو یا ارد جو
یا شاهتره تازه بدهند بعد از آن دو رطل شیر آن بستانند و در دیک
سنگین با آتش نرم بجوشانند چند جوش بزنند یک رطل سکنجبین صادق الحموضه
بر سر آن ریزند و بجوشانند و چوب انجیر پوست کنده می جنبانند تا پنیر شود
و پس از آتش فرو گیرند و در کرباس ریزند و بیاویزند تا آب از آن بچکد
آن آب را بگیرند و یکبار دیگر بجوشانند و کف بردارند و با سکنجبین بنوشند
هر روز یک رطل بدفعات چنانچه میان هر دو دفعه دو ساعت باشد و بعد از

هر دفعه بنوشند بی چند گام بروند [illegible] نقرس و اوجاع مفاصل
بلغمی و سوداوی را نافع باشد [illegible] پوست بیخ رازیانه پوست کرفس بیخ کاسنی
اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس سورنجان زیره
کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز منقی از هر یک بیست درم
در سه رطل اب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کرده هر روز سی درم
با ده درم گلقند بنوشند [illegible] اوجاع مفاصل حار را
نافع باشد [illegible] عناب سپستان از هر یک سی عدد پوست بیخ کاسنی پوست
بیخ رازیانه از هر یک پنج درم سورنجان سه درم در سه رطل اب بجوشانند
تا به نیمه آید صاف کرده و هر روز سی درم با ده درم گلقند بنوشند
[illegible] لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را
نافع باشد و سنگ گرده و مثانه را براند و سده بکشاید و استسقا و اوجاع
مفاصل را سود دارد پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم
پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار
درم حب بلسان اسارون از هر یک دو درم سلیخه جنطیانا از هر یک دو
درم و نیم عود بلسان بوزیدان هزار اسفند از هر یک سه درم مویز منقی

بیست درم در روغن آب بپزند تا نیم آید بپالایند شربتی سی مثقال
با دو مثقال روغن انجیر و پنجدرم روغن بادام تلخ بنوشند ماء الاصول کرده
بگشاید از معده و جگر و برودت معده و جگر و سپرز و استسقا بلغمی را
نافع باشد صفت پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هریک هفت درم بیخ
اذخر و فقاع اذخر از هریک پنجدرم سنبل مصطکی از هریک یکدرم و نیم فوه
لک منقی عود بلسان از هریک درم غافث افسنتین گل سرخ شکاعی بادآورد
پوست بیخ کبر از هریک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در سه
رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف کرده هر روز چهل درم با یکدرم
روغن بادام تلخ و یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند ماء البزور بادها پراکنده
سازد و اخلاط غلیظ را دفع کند و قولنج و استسقاء طبلی را نافع باشد
دخواه کاشم زیره کرمانی کرویا صعتر شونیز از هریک کفی در سه رطل
آب بجوشانند تا بیک رطل آید صاف کنند و هر صبح و شام بیست درم
از آن با سه درم روغن بید انجیر بنوشند مطبوخ هلیله اسهال صفرا کند
صفت پوست هلیله زرد شش مثقال آلوی سیاه بیست دانه سپستان
سی دانه شاهتره سنا مکی از هریک پنجدرم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد

رازیانه تخم کاسنی تخم کشوث از هریک دو درم عنب الثعلب اصل السوس
بنفشه نیلوفر از هریک سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید
صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی از هریک ده مثقال ترنجبین
بروغن بادام چرب کرده از هریک پانزده درم در آن حل کرده بنوشند
فواکه حمیات حاره را نافع باشد و صفرا را دفع کند صفت سناء مکی
نیم درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هریک سه درم عناب سپستان
آلوی سیاه از هریک بیست عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل آب
بجوشانند تا بنیمه آید صاف کرده و تمر هندی و شیرخشت از هریک
ده درم ترنجبین بیست درم در آن حل کرده بنوشند مطبوخ افسنتین
معده گرم و ضعیف را نافع باشد صفت افسنتین پنجدرم گل سرخ
شش درم تمر هندی بیست درم ترنجبین سی درم گل و افسنتین را بجوشانند
و صاف کنند و تمر هندی در آن حل کنند و یکدرم ایارج فیقرا حب ساخته فرو برند
و از عقب آن این مطبوخ بنوشند مطبوخ افتیمون صفراء سوخته و بلغم
و سودا را دفع کند و امراض سوداوی را نافع باشد صفت سنا مکی ده درم
گل سرخ چهار درم افتیمون نور لسته بسته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هریک

پنجدرم بسفایج اصل السوس رازیانه از هر یک ده درم اسطوخودوس پرسیاوشان
شاهتره گاوزبان بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی
سپستان از هر یک سی عدد در سه رطل آب بجوشانند تا نیمه آید
صاف کرده گلقند آفتابی ده درم مغز خیار چنبر روغن بادام
چرب کرده ترنجبین از هر یک پانزده درم در آن حل کنند و بنوشند
مطبوخ سورنجان اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت سنا مکی
هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان
رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه انیسون قنطوریون دقیق از هر یک
دو درم گاوزبان پرسیاوشان بادرنجبویه از هر یک سه درم جوشانیده
و صاف کرده گلقند و ترنجبین بیست مثقال در آن حل کرده بنوشند
مرهم شاخ بواسیر و شقاق مقعد را نافع باشد صفت ساذج مغسول
گل ارمنی عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم افیمون نیم مثقال و چهار حبه
سفیداب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه بادام روغن گل بادام
از هر یک ده درم موم سفید پنجدرم روغن را بگدازانند و ادویه کوفته و بیخته
بان ممزوج سازند با ده درم شیر دختران در هاون نیک بمالند تا مرهم شود مرهم کافوری

ترکیدن لب و مقعد و سوزش ناصور و سوختگی آتش را ابرد و نافع باشد
صفت مرداسنگ سفید آب ارزیز موم سفید از هر یک پنجدرم روغن گل
بیست درم موم را در روغن بگدازانند و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند
و در هاون بسایند تا هموار شود و بگذارند تا خشک شود و یک سفیده تخم مرغ
و قدری کافور داخل نمایند و مرهم سازند مرهم رسل او را نیم صلبه را مثل خنازیر
و سرطان و سلعه را نافع بود و جراحتها را از گوشت مرده و ریم پاک کند
و ناصور را باصلاح آورد صفت جاوشیر زنگار بارزد مقل از هر یک دو درم
اشق هفت درم کندر زراوند طویل از هر یک سه درم مقل مرداسنگ از هر
چهار درم موم و زاج از هر یک ده درم روغن زیت یک رطل صمغها را در سرکه
حل کنند و موم را در روغن بگدازانند و آنچه کوفتنیست بکوبند و بیزند و با آن
ضم کنند و با یکدیگر بمالند تا مرهم شود مرهم باسلیقون او را نیم صلبه را نرم کند
و برساند و از ریم پاک کند و گوشت برویاند صفت زفت رومی راتینج موم سفید
از هر یک بیست مثقال بارزد چهار درم روغن زیت سی مثقال موم را در روغن
بگدازند و باقی ادویه در آن حل کنند و مرهم سازند مرهم خل گوشت نو برویاند
و جراحتها را خشک کند صفت مرداسنگ ده درم صلایه کرده با ده درم موم سفید

اربست درم روغن گل کرده و قدری سرکه مرهم سازند مرهم زنگار لحم زایند را بخورد
و ریشهاء کهنه خشک کند صفت زنگار دو درم صلایه کرده با موم و علک البطم
و راتیانج از هر یک پنج درم و سی درم روغن زیت که اخته در هاون کنند و
با یکدیگر انزروت کوفته بیخته بمالند تا مرهم شود مرهم داخلیون که اورام صلبه را
نرم کند و پخته شود صفت مرداسنگ ده درم صلایه کرده با یکبار که روغن
زیت در پاتیله کنند و بجوشانند تا رنگ بگرداند و از آتش فرو گیرند
و بگذارند تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه و بزرک و بزرقطونا و خطمی
و مرو از هر یک پنج درم در هم کنند و بر سر لیسه زیزند و با آتش نرم بجوشانند
و کفچه زنند تا غلیظ شود و مرهم پدید کرد و مرهم [illegible] سرطان و خنازیر را نافع بود
و ورمها پخته کرده اند صفت مرداسنگ پنج درم کندر بارزد اشق موم از
هر یک ده درم علک البطم سرنج از هر یک هشت درم انچه که اختنیست در روغن
زیت بگدازند و انچه باید کوفت بکوبند و بان ممزوج سازند و در هاون بمالند
تا مرهم شود مرهم سیاه گوشت مرده بخورد و ریشها باصلاح آورد صفت
مرداسنگ یکجا رنگ زفت رومی بیست درم علک البطم پنج درم روغن زیتون نیم
موم پنج مثقال که اخته در روغن زیتون بگدازند و مرداسنگ صلایه کرده بر آن

افشانند و مرهم سازند مرهم توتیا جراحت قضیب را سود دارد صفت
توتیا بیست درم [illegible] در پنجاه درم روغن گل که اخته مرهم سازند مرهم مصری
جراحت گوشت را نافع بود صفت سرکه هفت درم عسل هشت درم در
یکدیگر بجوشانند تا بقوام آید و دو درم زنگار سوده بر آن افشانند و مرهم
سازند و فتیله را بر آن تر سازند و در کوشش نهند مرهم تا بستانی گوشت برویاند
صفت سفیداب ارزیز سه درم دم الاخوین انزروت صبر مرکلند را از هر یک دو
درم موم سه درم موم را در روغن گل ده درم بگدازند و ادویه کوفته و بیخته بآن ممزوج سازند
و در هاون بسایند تا مرهم شود مرهم ابیض سوختگی آتش را نافع باشد صفت
مرداسنگ خبث الفضه سفیداب سفیده بیضه مرغ را با یکدیگر مرهم سازند حاکم سیمت
مرهم سفیداب گوشت برویاند و جراحت خشک گرداند و حرارت بنشاند صفت
سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک ده درم روغن گل دو درم بطریق معهود مرهم
سازند مرهم سنگرف سرطان و خنازیر و اورام صلبه را نافع بود صفت
مرداسنگ پنج درم کندر بارزد اشق موم سفید از هر یک ده درم علک البطم شش درم
شنگرف شش درم روغن زیت یا روغن گل سرخ پنجاه درم بدستور مرهم سازند
مرهم گلنار زخمها [illegible] را نافع باشد صفت مازوی سبز مرداسنگ زرده چوبه از هر یک

بجزو کمنار عصاره برگ لسان الحمل از هریک دو جزو با موم سفید و روغن گل مرهم
سازند چنانکه رسم است مرهم دیگر که دردها را بنشاند و جراحت باصلاح آورد
پوشیده باشد اقاقیا از هریک دو درم صندل سفید یکدرم شیاف مامیثا چهار
درم سرطان سوخته عددی موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق
متعارف مرهم سازند مرهم دیگر که از جراحت و دامیل هر دو پاک کند
صفت عسل را بجوشانند تا غلیظ شود و برابر آن انزروت کوفته ممزوج کنند
و مرهم سازند مرهمی که جراحت آتشک را نافع باشد صفت سفیداب توتیا
دم الاخوین از هریک سه درم مرداسنگ دو درم زنگار نیم درم روغن بیست درم مرهم سازند
مرهم خشک کننده مرداسنگ توتیا عناب پخته آب کشنیز تازه موم سفید مرهم سازند
مرهم دیگر که بواسیر را نافعست میعه سائله یکدرم مقل دو درم روغن مغز زردآلو
ده درم مقل و میعه را در روغن بگدازند و مرهم سازند مرهمی که همین خاصیت
دارد بلکه از آن اقوی و انفعست صفت مقل کوهان شتر مغز ساق گاو و
مغز استخوان زردآلو سوخته میعه سائل سفیده تخم مرغ روغن گل سرخ بایکدیگر
ممزوج ساخته مرهم سازند مرهم دیگر که بواسیر را نافع باشد و درد ساکن گرداند
صفت مغز ساق گاو و پیه مرغ کوهان شتر روغن گل مساوی بایکدیگر بجوشانند

وقدری افیون اضافه کنند و در هاون نیک بمالند و مرهم ساخته استعمال نمایند
مرهم دیگر که از جهت بواسیر عظیم النفعست صفت پیه بط پیه ماکیان پیه بز
از هریک پنجدرم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زردآلوی تلخ روغن مغز
شفتالو روغن گل از هریک ده درم میعه سائله دو مثقال مقل ازرق بیست درم
آب کنند تا بقدر حاجت موم سفید پنجدرم مقل را در آب کنند تا حل سازند
و روغنها را با موم و میعه بگدازند و با مقل محلول در هاون بایکدیگر ممزوج ساخته
استعمال نمایند باب نقوعها و شربتها نقوعی که صفرا براند و صداع حار را نافع باشد
صفت پوست هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان عناب از هریک
سی عدد تمر هندی بیست درم بنفشه تخم کاهو از هریک سه درم مغز خیارچنبر ده درم
ترنجبین پانزده درم شب در پنجاه درم آب خیسانیده و صباح صاف کرده بنوشند
نقوع دیگر که صفرا دفع کند و تشنگی را بنشاند صفت آلوی بخارا عناب آلوی سیاه
سپستان از هریک سی عدد تمر هندی ده درم زردآلوی خشک ده عدد قند سفید
ده درم ترنجبین بیست درم شب بخیسانند و صباح صاف کرده بنوشند نقوع صبر
صداع حار را نافع باشد صفت آب کاسنی هشتاد مثقال صبر سقوطری چهار
دانگ را در آن حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جایی گرم نهند

و روز سیوم بپالایند و بنوشند نقوع صبر دیگر سپند سنبل افتیمون فقاع اذخر

تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک در یکمن و نیم آب بپزند تا بنیمه آید

بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز در آفتاب گذارند و روز

چهارم صاف کنند شربتی سی درم با روغن بید انجیر نقوع صبر نسخه دیگر

صداع سوداوی را نافع باشد صفت افتیمون پنج درم اسارون پنج درم

قنطوریون مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم ادویه نیم کوفته

در سه رطل آب گرم خیسانیده سه روز در آفتاب گذارند و روز چهارم

صاف کرده شربتی چهل درم با یک درم روغن بادام شیرین نطولی که خواب آورد

و سرسام را نافع باشد صفت بنفشه تخم کاهو از هر یک پنج درم پوست خشخاش

گل سرخ گل نیلوفر پوست کدوی تر گل بابونه از هر یک ده درم کشک جو پنجاه درم

در پنج رطل آب بپزند تا بنیمه آید سر بر بخار آن دارند نطولی که صداع بارد را

نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک تمام مرزنجوش برنجاسف صعتر ورق الغار

مساوی جوشانند سر بر بخار آن بدارند نطولی که صداع ریحی را نافع باشد

صفت بابونه اکلیل الملک برگ کرفس رازیانه تخم کرفس زیره کرمانی مرزنجوش

صعتر شبت جوشانند سر بر بخار آن بدارند نطولی دیگر که صداع سوداوی را نافع

صفت بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوس خشک سادج هندی قرنفل جوشانند

سر بر بخار آن بدارند نطولی دیگر که گرانی گوش را ببرد که از عقب مسهل پیدا شده

باشد و سبب آن بخار بود زائل کند صفت بابونه اکلیل الملک قیصوم از هر یک ده درم

تمام مرزنجوش اذخر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک پنج درم

در دو من آب بجوشانند تا بنیمه آید سر و گوش را بر بخار آن بدارند نطولی دیگر

که نشاط آورد و آبله از اعصاب ببرد گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ

و سفید نیم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم در هفت من آب بجوشانند

تا بسه من آید بپالایند و چون از حمام بیرون خواهند آمد بر اعضای ریزند نطولی

که صداع حار و بیخوابی را نافع باشد صفت بنفشه جو نیم کوفته تخم کدوی کوفته بزرگ

بزرقطونا تخم خرفه پوست خشخاش گل خشخاش بیخ لفاح تخم خطمی تخم کاهو سپید

گل سرخ بزرگ جوشانیده سر بر بخار آن دارند نطولی که سنگ گرده و مثانه را پاره

کرده بیرون آورد و بول براند صفت بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی از هر یک

هفت درم اشنان اصل السوس پوست بیخ رازیانه از هر یک پنج درم کاکنج حلبه از هر یک

چهار درم برنجاسف بنفشه از هر یک سه درم ورد دوقو برگ نیلوفر از هر یک دو مثقال

در ده من آب بجوشانند تا بنیمه آید در آن نشینند و چون بیرون آیند و قطره

روغن عقرب را در احلیل چکانند نطولی که همین خاصیت دارد صفت بابونه درمنه ترکی
تمام مرزنجوش برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آنرا
بر عانه و حوالی آن ضماد نمایند نطولی دیگر که همین عمل کند صفت درمنه ترکی
برگ کرنب اشبیت سداب فودنه برنجاسف سنبل مرزنکوش تمام خطمی بابونه
شبت کرنب بجوشانند تا نرم شود و ثفل آنرا بر عانه ضماد کنند و در آب آن
بنشینند نطولی که همین منفعت دارد صفت بنفشه نیلوفر گل سرخ خطمی
از هر یک پنج درم بابونه خشک پوست خربزه اکلیل الملک بزرک کرنب از هر یک سه درم
بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آن بر عانه و موضع کرده ضماد کنند
نطولی که افراط طمث را نافع باشد صفت گل سرخ برگ مورد از هر یک ده درم
شب یمانی مازو نیم کوفته گلنار از هر یک پنج درم پوست انار نیم کوفته جوز السرو
کمازج از هر یک سه درم اقاقیا دو درم مجموع را نیم کوفته بجوشانند و در آن
نشینند و قرص کهربا و رب مورد بنوشد نطولی که محافظت جنین کند و نگذارد
که پیش از وقت بیرون آید صفت گل سرخ هفت درم گلنار کمازج از هر یک
پنج درم مورد خشک چهار درم شب یمانی گوشت انار مازو از هر یک سه درم
و نیم کوفته بجوشانند و در آن نشینند نطولی که از جهت خروج مقعد نافع بود

صفت گلنار پوست انار جفت بلوط مورد برگ گل سرخ مازو از هر یک جزوی نیم کوفته
بجوشانند و در آن نشینند نطولی که سده بینی بگشاید صفت لادن چوب گز شونیز
بجوشانند و سر بر بخار آن بدارند و با سبوس گندم در سرکه بجوشانند و سر بر بخار آن بدارند
نطولی که گند بینی ببرد صفت زاج سنگ قرنفل مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند
نطولی که مسکوت را بهوش آورد صفت کندش خربق سفید کوفته و بیخته اندک
اندک در بینی دمند نطولی که صداع مزمن را نافع باشد صفت عصاره قثاء الحمار
بخور مریم قطرلس کوفته و بیخته در بینی دمند و شونیز و عصاره قثاء الحمار همین
عمل کند و شونیز و فلفل و سافیسا نیز همین عمل کند نطولی که صداع مزمن را نافع باشد
صفت شحم حنظل قثاء الحمار نوشادر کندش فلفل اسطوخودوس کوفته و بیخته بقدر
احتیاج در بینی دمند باب السعوط و النطول که چون در دهن مصروع ریزند بهوش
آید صفت حلتیت جندبیدستر کوفته در سکنجبین عسلی حل کرده و جور سازند
و جوری دیگر که همین عمل فایده دارد صفت رازیانه انیسون زیره کرمانی جوب سنده
و صاف کرده گلقند در آن حل کنند و جور سازند و جوری نافعست از جهت
غبی که بعد از اسهال پیدا شده باشد صفت مشک سنگ کوفته و بیخته در آب به
حل کنند و در حلق چکانند و جوری از جهت صداع اطفال نافع باشد صفت

صعتر چند پدستر زیر کرمانی مساوی کوفته سه جو از آن در شیر حل کنند و در کلوی طفل ریزند و جوری کو سرفه اطفال را نافع باشد صفت رب سوس کیترا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم مغز بادام دو درم عسل سی درم روغن بادام یکدرم فانید را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویه کوفته با روغن بادام در آن ممزوج سازند و قدری از آن در دهن طفل ریزند یا بمالند یاقوتی که خفقان و غشی را نافع باشد و دل را قوت دهد و فرح آورد صفت مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت رمانی گل مختوم بادرنجبویه بهمن صندل از هر یک دو درم ورق طلا عقیق یمنی یشب ساذج هندی زرنباد درونج رومی از هر یک یکمثقال لاجورد مغسول یکمثقال و نیم کهربا بنوفر زرشک منقی کشنیز خشک تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم محرق از هر یک سه درم طباشیر هفت درم صندل سرخ و سفید ورق گل سرخ از هر یک یکدرم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک مشک تبتی نیممثقال دو مثقال شیر آمله پوست بلیله گلاب شراب سیب آب انار شیرین شراب به از هر یک بیست درم آنچه کوفتنیست بکوبند و بحریر بیزند و با شرابها و گلاب و آب انار بقوام آورند و معجون سازند و بعد از چهل روز که در میان جو گذاشته باشند استعمال نمایند شربتی یکمثقال

یاقوتی

یاقوتی که خفقان و وسواس و ضعف را نافع باشد و اعضاء رئیسه را قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط آورد و وسواس را دفع کند صفت یاقوت سرخ کهربا حجر لاجورد گل ارمنی سنبل الطیب ساذج هندی بهمن سرخ بادرنج از هر یک دو مثقال یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون پسته بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره دارچینی درونج عقربی سفید از هر یک چهار درم لعل فیروزه ابریشم محرق قرنفل بنفشه صندل سفید

قاقله کبار از هر یک سه مثقال　　　تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر سفید

از هر یک پنج مثقال آمله مقشر پوست بلیله کابلی از هر یک ده عصاره زرشک پانزده درم مشک خالص یکمثقال و نیم کافور نیم مثقال آب سیب آب به از هر یک من آب خالص نیم من گلاب عرق بید مشک و گلاب بگذارند و با آب سیب بقوام آورند و چون فرو گیرند آب حماض بر آن ریزند و ادویه کوفته و بیخته کرده با هر صلایه کرده بان بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر که قوی التفریح است و اجزا از غایت تفریح روحانی گویند دل و جگر را قوت دهد و ماخولیا و امراض سوداوی را بغایت نافع بود صفت مروارید ناسفته کهربا فرنجمشک از هر یک یکدرم صندل سرخ صندل سفید طباشیر زرنباد بادرنجبویه قرنفل ساذج هندی

یکمن نبات مصری یکمن و نیم در عرق بید مشک

مرجان

عود قماري ابريشم مقرض پوست ترنج از هر يك دو درم گاوزبان درونج عقربي
لعل ياقوت عقيق يمني ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران كافور
از هر يك يكدرم مشك نيمدرم قند سفيد پنجاه درم عسل صاف كرده پنجاه درم
معجون سازند چنانكه رسم است ياقوتي ديگر ضعف دل وسوداوي و خفقان را
نافع باشد و ذكر را قوت دهد و نشاط هرچه تمامتر آورد صفت مرواريد ناسفته
تخم بادرنجبويه پوست بيرون پسته پوست ترنج صندل سرخ و سفيد ورق
گل سرخ از هر يك سه درم بسد بهمن سرخ كبابه چيني از هر يك يكدرم و نيم كهربا
يشب قرنفل ساذج هندي دارچيني از هر يك يكدرم لعل عود خام از هر يك
يكمثقال ياقوت سرخ عنبر اشهب محلول نقره محلول از هر يك نيم مثقال بهمن سفيد
كشنيز خشك گل ارمني طباشير از هر يك دو درم زرنباد كافور قنطوريون
از هر يك نيمدرم گاوزبان آمله از هر يك يكدرم عصاره زرشك ده درم زعفران
دانگي و نيم شراب به بيست مثقال شراب حماض نيم شراب سيب چهل مثقال
ادويه كوفته و بيخته و جواهر صلايه كرده در شرابها بقوام آورند و بسرشند شربتي
يكمثقال ياقوتي ديگر ياقوت حجر لاجورد يشب سنبل قاقله كبار و صغار گل مختوم
گل ارمني عنبر اشهب فادزهر ماه فرفين ورق طلا ورق نقره از هر يك يكمثقال

مرواريد ناسفته

مرواريد ناسفته كهربا بسد بهمن سرخ و سفيد قرنفل درونج عقربي زرنباد كبابه چيني
سعد صندلين كشنيز خشك پوست هليله زرد آمله مقشر تخم كاسني مسك خالص
از هر يك دو مثقال بادرنجبويه پوست ترنج گاوزبان طباشير سعد عود خام
ابريشم مقرض از هر يك چهار مثقال نارمشك زنجبيل ساذج هندي شقاقل
زرشك منقي گل نيلوفر مصطكي زعفران از هر يك سه مثقال نبات يكمن و نيم
آب به آب سيب آب امرود آب انار شيرين گلاب عرق بيدمشك آب گاوزبان
از هر يك يكچارك نبات را در عرقها بگدازند و با آب ميوه ها بقوام آورند و
ادويه كوفته و بيخته و جواهر صلايه كرده بان بسرشند و بعد از چهل روز استعمال
نمايند ياقوتي ديگر ياقوت زرد ياقوت سرخ حجر لاجورد عقيق يمني ماه فرفين
سنبل بهمن سرخ و سفيد بسد سنبل الطيب گل مختوم گل ارمني از هر يك
يكمثقال كهربا مرواريد ناسفته زرشك منقي قرفه نارمشك قاقله صغار
شقاقل صندل سرخ و سفيد گل نيلوفر پوست هليله كابلي مصطكي
ابريشم محرق از هر يك سه مثقال فادزهر حيواني عنبر اشهب از هر يك
يكمثقال و نيم يشب زرنباد سعد هندي كبابه چيني ورق گل سرخ كشنيز خشك
آمله مقشر تخم كاسني ورق طلا ورق نقره از هر يك دو مثقال فرنجمشك طباشير

از هر یک چهار درم زعفران مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری
دو من آب به آب سیب آب امرود از هر یک نیم من گلاب عرق بید مشک
از هر یک صد درم عرق گاوزبان ده درم آب انار پر شیرین یکمن عسل سفید مصفی
نیم من نبات را در عرقها صاف کنند و باب میوها بقوام آورند ادویه
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده بان بسرشند شربتی یکمثقال
نسخه شیخ ابو علی سینا مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت نافع باشد
و نشاط هر چه تمامتر آورد و اعضاء رئیسه را قوت دهد
یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاسنی مشک خالص کافور از هر یک
یکدرم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض سرطان نهری
محرق از هر یک یکمثقال و دانگی نخاله طلا نقره دو دانگ تخم فرنجمشک
تخم بادرنجبویه بادروج اسطوخودوس از هر یک سه درم بهمن سفید عود خام
حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول مصطکی بلیلج دارچینی زعفران
تا هیل قاقله کبار ماه فرفین خطائی از هر یک یکمثقال افتیمون دو درم
و نیم ترنجبین سادج هندی از هر دو درم درونج عقربی عنبر اشهب
از هر دو مثقال تخم خیار ورق گل سرخ از هر یک چهار درم گلاب صد مثقال

شراب حماض شراب سیب شیرین شراب انار عذب از هر یک
سی مثقال عسل صاف کرده بقدر احتیاج بطریق معمول معجون سازند شربت
یکمثقال بعد از چهل روز تمام توان
خوردن تمت
بعون الله
م م م

مفرح جهت ... [illegible]

... [illegible] وسواس نافع است صفت تخم کاهو تخم خربزه تخم کدو

تخم خیارین تخم خرفه مروارید ناسفته بسد کهربا ... [illegible] ابریشم

صندل سفید عود درونج عقربا ... بهمن سفید بهمن ... طباشیر سفید گل ...

زعفران ... کندر کافور قیصوری مشک عنبر رب سیب رب ... [illegible]

بدستور مربت سازند

معجون ... [illegible] مفت مرض ... فالج عرق ... تخم ...

وجع القولنج بواسیر ... درد چشم و درد دندان جوزبوا قرنفل سعد هندی

قاقله ... [illegible] ... سنبل الطیب مشک ... زعفران ... عسل

... [illegible] معجون سازند

... [illegible]

... [illegible] حرقة البول ... [illegible] مجرب است

...	...	...	...
...	۲	...	۱۰ ...

... [illegible] ... و یک روز ... [illegible] ... و روز

... [illegible] ... و روز دیگر ...

... [illegible] ... و روز دیگر ...

... [illegible]

طلای ... منع ... موی کند ... را ... کنند ... و خون

... [illegible] ... و ... و مردار سنگ ... صدف

سوخته از هر یک ... [illegible] ... کنند

بر آن موضع طلا کنند ... دیگر ... [illegible]

... [illegible] طلا کنند چند بار منع انبات موی کند

طلای دیگر ... [illegible] ...

... از هر یک ... [illegible] ... و اگر

پیش از بلوغ ... انبات موی ... طلا را استعمال ... [illegible]

... [illegible] ... همان خاصیت دارد

117

233

232

BLANK PAGE

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

تا بیران برو آف دریا ذل را یک   الصم لقیسد ریا سر به

فتنه کشید ...   دار ملعل

foliated 3/23/40 J.A.

Loose material follows

دکتر گارو منیاسیان

در دول صحره قصه الزبه حی ب سنبه

بقه رکحو ردعسا ها ادا جب بمعقه بلع ۷ م

ذیواق

درباح معره یا بلقجی ال یا دیارن ما سبعسا م

د صراع با جهوه کر با کر یودواده قنه

یا ینابت جوشازاده بزرسن

۱۷

زاک ۱۰ | سهی الطلب ۱ | قرنفل ۱ | زعفران ۵

زر الحج ۲۰ | عرعر ۱ | فلفل سفید ۱۰ | فلفل سیاه ۱۰

عدس ۱۲۴ | ادایان



END OF REEL

PLEASE REWIND